

۳۸۸

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده
جمعه ۲۷ آبان ماه تا ۳ آذرماه ۱۴۰۱ خورشیدی
سال سی و نهم - شماره ۱۸۵۴



پیام سه روز آبان:
پیروزی مردم
قطعی است!





بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیمهان شما ، کیمهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیمهان شماره ۱۸۵۴ (۳۸۸)

جمعه ۲۷ آبان ماه تا ۳ آذرماه ۱۴۰۱

۲۳ تا ۲۹ نوامبر ۲۰۲۲



مژده به هم میهنانی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند
می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیمهان خریداری نمایند

**نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی
در دسترس خواهد بود**

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای
پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیمهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و بامسئولیت دکتر ناصر حیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی،
تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735

فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

کیمهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیمهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris , FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

- ۴ سرمقاله - زن زندگی آزادی / مرد میهن آبادی / الهه بقراط
- ۴-۵ پیام سه روز آبان: پیروزی مردم قطعی است! / روشنگر آسترکی

- ۵ شاهزاده رضا پهلوی: متحد بایستیم و ایران مان را از دژ خیمان پس بگیریم! / ...
- ۶-۷ خیزش انقلابی ۲۴ آبان در شهرهای مختلف؛ برافراشتن پرچم ملی شیروخورشید در ... / ...
- ۷ حمله موشکی روسیه علیه اوکراین: در لهستان دو کشته بر جای گذاشت! / ...
- ۸ سرکوب هان نتیجه نداد هیأت امنیتی روسیه به تهران آمد ... / ...
- ۹ آغاز سه روز اعتراضات ملی در ایران؛ اعتصاب و اعتراض گسترده بازاریان و ... / ...
- ۱۰ راهکارهای حوزوی هابری مقابل «عمامه پرانی»: از تبلیغ آخوند رزمی کارو ... / ...
- ۱۱ کالبدشکافی یک طغیان (پایان) ... / احمد احرار
- ۱۲-۱۳ معمای به نام هویدا (۱۰) ... / عباس میلانی
- ۱۴-۱۵ افزایش شمار جانباختگان و بازداشت شدگان انقلاب ایران ... / ...
- ۱۵ نایب رئیس سندیکای دارویی جمهوری اسلامی: صادرات دارو به روسیه ... / ...
- ۱۶-۱۷ ادامه فشار هابری بازداشت شدگان؛ حسین رونقی با وضعیت وخیم جسمی ... / ...
- ۱۷ بهروز صوراسرافیل روزنامه نگار و همکار قدیمی کیهان لندن درگذشت ... / ...
- ۱۸ آباروس ها جمهوری اسلامی را قربانی تبانی با غربی‌ها می‌کنند؟ / ...
- ۱۹ «خانه سینما» از بازداشت و یا ممنوع الخروج شدن ۱۰۰ هنرمند در دوماه ... / ...
- ۲۰ قوه قضایه: صدور حکم اعدام برای سه تن از بازداشت شدگان اعتراضات اخیر ... / ...
- ۲۱ رژیم ایران و غرق شدن در گرداب ناتوانی و ناکارآمدی ... / مصطفی فحس (شرق الاوسط)
- ۲۲ ادامه اعتصابات سراسری در ده‌ها شهر ایران؛ همبستگی ملی در سومین ... / ...
- ۲۳ تلاش برای سرکوب قضایای بازداشت شدگان خیزش ملی ... / ...
- ۲۴-۲۵ گفتگوی اختصاصی با فرید خوجه سفیر آلبانی در سازمان ملل متحد ... / احمد رأفت
- ۲۶ پدیده عمامه پرانی برای مبارزه با مشروع خواهان ... / ...
- ۲۷ گروگانگیری شهروندان اروپایی توسط جمهوری اسلامی ادامه دارد ... / ...
- ۲۸ گاردین: چشم‌بستن فیفا بر کشتار مردم ایران «شرم آور» است ... / ...
- ۲۹ مردم می‌گویند تیم فوتبالی که به قطر رفت «ملی» نیست ... / ...
- ۳۰ ملیکاباللی برنده مدال طلای کشتی: جمهوری اسلامی مرا تهدید کرد ... / ...
- ۳۱ افزایش ناچیز حقوق‌ها؛ اقدامی دیر هنگام و بی نتیجه برای حل مشکلات معیشتی ... / ...
- ۳۲ وزارت خارجه آمریکا: سازمان مجاهدین خلق را نماینده مردم ایران نمی‌شناسیم ... / ...
- ۳۲-۳۳ ادامه حمایت‌های بین‌المللی از «انقلاب» ایران ... / ...
- ۳۳ ضرر مالی شرکت «اسنپ فود» بعد از ندادن اطلاعات اشخاص ... / ...
- ۳۴-۳۵ گفتگو با دو کاربر مستعار در توئیتر: سقوط محتوم جمهوری اسلامی ... / ...
- ۳۵ اعتراضات در ایران برای یک زندگی آزاد: جمهوری اسلامی نمی‌خوایم! نمی‌خوایم! / ...
- ۳۶-۳۷ جمعه‌های خونین بلوچستان و نقش ایرانیان بلوچ در خیزش سراسری و انقلاب ... / ...
- ۳۷ کاهش تولید آنتی بیوتیک با هدف افزایش قیمت در بازار! / ...
- ۳۸-۳۹ ریشه‌های خشونت در نیروهای سرکوبگر ... / ...
- ۴۰ تداوم خیزش انقلابی در ایران و اختلاف بین «سرداران آدمکش» همزمان با ... / ...
- ۴۱ تصویب قطعنامه علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام ... / ...
- ۴۲ پشت جلد - عکس هفته / انقلاب در ایران / آبان ۱۴۰۱



تیتراول

پیام سه روز آبان:

پیروزی مردم قطعی است!



● انقلاب ۱۴۰۱ که اکنون در بیش از ۱۵۰ شهر ایران مردم را به خیابان آورده، گام‌های مهمی را طی کرده و همبستگی و پایداری مردم نشان می‌دهد مسیر آن تا رسیدن به پیروزی، اگرچه دشوار، اما طولانی نیست.

نمایش گذاشته شد. یکی از ویژگی‌های مهم اعتراضات سه روزه سالگرد آبان ۹۸ این است که بازاریان که در هفته‌های گذشته بطور گسترده و سراسری اعتصاب نکرده بودند، در این سه روز به خیزش آزادیخواهی مردم علیه جمهوری اسلامی پیوستند. از سوی دیگر شهروندان در برخی شهرها برای نخستین بار به خیابان آمدند و در برخی شهرهای کوچک مانند بندر خمیر در استان هرمزگان، حضور هزاران نفر در خیابان در تناسب با جمعیت اندک شهر، شگفت‌آور بوده و به معنای واقعی کلمه «همبستگی» مردم علیه «جمهوری اسلامی» را نشان داد.

اعتراضاتی که به مناسبت سالگرد آبان طی سه روز در جریان بود، ویژگی‌های برجسته دیگری هم داشت. این اعتراضات نشان می‌دهد که آبان ۹۸ از یک اعتراضات چند روزه شهروندان به گرانی بنزین که در سه سال گذشته به عنوان یک «رویداد گذرا» و صرفاً معیشتی از سوی جمهوری اسلامی و لابیگانش جلوه داده می‌شد، به یک نقطه عطف در مبارزات مردم ایران برای آزادی و به یکی از مناسبت‌های ملی در روند مبارزه با استبداد تبدیل شده است. این ویژگی از آنجا قابل توجه است که اساساً هر انقلابی دارای مناسبت‌هایی است که به مرکز توجه افکار عمومی و برگزاری یادبود و بزرگداشت تبدیل شده و به ویژه یاد و نام جانب‌اختگان مسیر پرفراز و نشیب خیزش‌هایی که در نهایت به انقلاب علیه ساختار سیاسی می‌انجامد، به این وسیله زنده نگه داشته می‌شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم اعتراضات سه روز گذشته این است که در کل اعتراضاتی که از آبان ۹۵ با تجمع هزاران نفر در پاسارگاد تا دی ۹۶ و آبان ۹۸ و تا امروز برگزار شده، جمهوری اسلامی پس از سرکوب گسترده مردم، تلاش

دو ماه پس از آغاز خیزش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی، اعتراضات و اعتصابات سه روزه از ۲۴ تا ۲۶ آبان ۱۴۰۱ که در پی فراخوان‌های ملی و به مناسبت سومین سالگرد جانب‌اختگان اعتراضات سراسری آبان ۹۸ صورت گرفت به نقطه عطفی در انقلاب ۱۴۰۱ تبدیل شد.

طی روزهای گذشته فراخوان‌های ملی متعددی مردم ایران را دعوت به برگزاری اعتراضات و اعتصابات در روزهای سه‌شنبه تا پنجشنبه، ۲۴ تا ۲۶ آبان کرده بودند. این فراخوان‌ها با استقبال گسترده مردم در سراسر کشور همراه شد و خیزش انقلابی طی سه روز متوالی را در اوج همبستگی ملی به نمایش گذاشت.

همبستگی بازار و دانشگاه و خیابان

خیزش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی از ۲۶ شهریور پس از جان باختن مهسا امینی دختر ۲۲ ساله که به دلیل ضربه جرح مأموران گشت ارشاد در ۲۲ شهریور جان باخت و در ۲۵ شهریور در سقز به خاک سپرده شد، آغاز و طی دو ماه بطور مستمر ادامه داشته است.

فرارسیدن سومین سالگرد اعتراضات سراسری آبان ۹۸ و ۱۵۰۰ جانب‌اخته‌ی آن اعتراضات که با سرکوب وحشیانه و مسلحانه نیروهای جمهوری اسلامی روبرو شد، انگیزه‌ی مهمی برای اعلام اعتراضات سه روزه از ۲۴ تا ۲۶ آبان و در هشتمین هفته خیزش ملی بود. پیش از این نیز فراخوان‌هایی برای برگزاری اعتراضات و اعتصابات در این سه روز منتشر شده بود. از نخستین ساعات بامداد روز سه‌شنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۱ و با اعتصاب بازاریان در ده‌ها شهر و همزمان، تجمع و تحصن دانشجویان در ده‌ها دانشگاه کشور این اعتراضات آغاز گشت. بعد از ظهر سه‌شنبه نیز مردم به خیابان آمدند و به این ترتیب همبستگی بزرگی میان بازار، دانشگاه و مردم به

زن زندگی آزادی

سرمقاله

مرد میهن آبادی

پس از چهار دهه جداسازی سازمانیافته و هدفمند و فراگیر توسط جمهوری اسلامی که در انتها فقط خانواده‌های مافیایی حکومت و مزدوران‌شان باقی می‌مانند، یکی از ویژگی‌های انقلاب آزادیخواهانه و مترقی کنونی ایران، مقابله با این جداسازی به هر شکل و عنوان است.

ممکن است برای سخنرانی‌ها و تبلیغات و جلب توجه افکار عمومی و سیاستمداران و رسانه‌ها در جهانی که اجرای برابری حقوقی زنان و مردان هنوز در جوامع باز



مشهد / چهارشنبه ۲۵ آبان ۱۴۰۱

و دموکراسی‌ها نیز با وجود تضمین قانونی اما در عمل با مشکلاتی مواجه است، عناوینی مانند «انقلاب زنانه» یا «اولین انقلاب زنان» کاربرد داشته باشد، اما آنچه در ایران جریان دارد، در خیزشی منحصر به فرد و در برابر یک حکومت جنایتکار منحصر به فرد، با ابتکارات منحصر به فرد و داهیهانه نیز همراه است. یکی از آنها تکمیل فوری شعارپرست که از ایران به سرعت گسترش یافت و جهانی شد. تکمیل «زن زندگی آزادی» با «مرد میهن آبادی» توسط خود مردم زیر سرکوب و معترض صورت گرفت. جنبش زنان در ایران همواره گله می‌کرد که مردان از حقوق و تلاش‌های آنها چنانکه باید پشتیبانی نمی‌کنند. از سوی دیگر در اعتراضاتی که هرگز در ایران خاموش نشده، و حتا در «جنبش سبز» که عمدتاً طبقه متوسط را به خیابان‌ها کشاند و نماد آن نیز، نداشت که البته تعلق به آرای انتخابات نمایشی نداشت، همواره صدای مردان معترض بلندتر بوده است! همچنین در خیزش‌های سال‌های اخیر که به نقاط عطف و بستر جاری انقلاب کنونی تبدیل شده‌اند، و در دی ۹۶ و آبان ۹۸ هم که نماد آن، پویاست باز هم صدای نیمه‌ی مردانه‌ی جامعه سائر از صدای نیمه‌ی زنانه بود.

اما از آنجا که همه فعل و انفعالات بطن جامعه سرانجام به نقطه‌ی تغییر می‌رسند، با قتل حکومتی مهسا، باز هم یک زن که به نماد انقلاب کنونی تبدیل شده، حرکت جامعه بر اساس تجربیاتی که پیشتر پیام‌هایی گویا با حرکات و شعارهای مردم ارسال کرده بود، با کیفیت و صراحت و جسارتی تازه به سوی براندازی و سرنگونی رژیم گام برداشته و همه گروه‌های اجتماعی را فارغ از هرگونه تفاوت در بر گرفته است.

افزودن «مرد میهن آبادی» که از خودآگاهی ملی و نیاز مبرم به همبستگی و یکپارچگی به مثابه یکی از مهم‌ترین ابزار ایستادگی در برابر فاشیسم مذهبی سرچشمه می‌گیرد، از این زاویه قابل توضیح است. یعنی باز یافتن عنصر اصلی حیات یک سرزمین که جمهوری اسلامی با جداسازی‌های تصنعی و تحمیلی و دامن زدن به پراکندگی اجتماعی توانست خود و جناحین‌اش را یگانه نیروی تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده قلمداد کند! اکنون اما همبستگی فراگیر در خیزش آزادیخواهی مردم سدهای جمهوری اسلامی را یکی پس از دیگری می‌شکند و خود را به همه افراد و نیروهای تکرر و فرقه‌گرا و متوهم تحت هر پوششی که باشند تحمیل می‌کند.

شاهزاده رضا پهلوی با پشتیبانی از اعتصابات و اعتراضات سراسری ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ آبان: متحد بایستیم و ایران‌مان را از دژخیمان پس بگیریم!



● شاهزاده رضا پهلوی: از شما هم‌میهنانم دعوت می‌کنم که این اتحاد بی‌نظیر و بی‌سابقه خود را بار دیگر به نمایش بگذارید، و متحد و با هم در مقابل ظلم و ستمی که بر ایران روا داشته شده بایستیم تا ایران‌مان را نجات بدهیم و از این دژخیمان پس بگیریم.

شاهزاده رضا پهلوی در یک پیام کوتاه ویدئویی به مناسبت سومین سالگرد فاجعه‌ی خونین آبان ۹۸ ضمن اعلام همراهی با خانواده‌های داغ‌دیده، از فراخوان‌هایی که در روزهای اخیر برای اعتصابات و اعتراضات سراسری در سه روز ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ آبان منتشر شده، پشتیبانی کرد. وی بار دیگر همه مردم را به اتحاد فرا خواند تا بتوان کشور را از دست دژخیمان نجات داد و پس گرفت.

متن کامل پیام شاهزاده رضا پهلوی به شرح زیر است: «در سالروز #آبان۹۸، بار دیگر همراهی خود را با خانواده‌های داغ‌دیده اعلام می‌دارم. فراخوان‌هایی در جهت اعتراض و اعتصاب از داخل ایران اعلام شده است که من به سهم خود قویا از آن پشتیبانی می‌کنم، و از شما هم‌میهنانم دعوت می‌کنم که این اتحاد بی‌نظیر و بی‌سابقه خود را بار دیگر به نمایش بگذارید، و متحد و با هم در مقابل ظلم و ستمی که بر ایران روا داشته شده بایستیم تا ایران‌مان را نجات بدهیم و از این دژخیمان پس بگیریم.»

در اعتراضات سه روز گذشته پرچم شیروخورشید نیز به عنوان پرچم ملی ایران در چند شهر برافراشته و با استقبال و تشویق معترضان روبرو شد. استفاده از دو نماد ملی درفش کاویانی و پرچم شیروخورشید، نشان می‌دهد مردمی که امروز در خیابان هستند، هویت ملی خود را که جمهوری اسلامی تلاش کرده بود با زدن و نادیده گرفتن آن، از ملت ایران «أمت اسلام» بسازد، باز یافته و از آن به عنوان عامل همبستگی و ابزاری علیه نظام استفاده می‌کنند.

جمهوری اسلامی بارها تلاش کرده نشان دهد موجی که می‌رود تا ننگ و تباہی نظام ویرانگر کنونی را از ایران پاک کند، به تحریک دشمنان ایران و بیگانگان است و قدرت‌های غربی و گروه‌های تجزیه‌طلب و تروریستی هستند که این اعتراضات را به راه انداخته‌اند. اما از همان روز اول هم خانواده‌ی همسا امینی بر این توطئه مهر باطل زدند و هم شعارها و حرکات مردم از سراسر ایران آن را ناکار کردند.

در این میان، برافراشتن درفش کاویانی که نخستین بار توسط دانشجویان برافراشته شد و همچنین به اهتزاز درآوردن پرچم شیر و خورشید نیز در کنار همه شعارهایی که بر همبستگی ملی و یکپارچگی سرزمینی متمرکزند، این ترفند جمهوری اسلامی را با شکست روبرو کرد. بعلاوه مردم از داخل ایران شیطنت برخی رسانه‌ها را نیز که طی هشت هفته گذشته مرتب به گروه‌های ضد ایرانی و تجزیه‌طلب تریبون داده‌اند خنثی کرده و به آنها گوشزد کردند تا واقعیت را در خیابان‌های ایران از سقر و سنج و تبریز تا تهران و زاهدان و اهواز ببینند.

انقلاب ۱۴۰۱ که اکنون در بیش از ۱۵۰ شهر ایران مردم را به خیابان آورده، گام‌های مهمی را طی کرده و همبستگی و پایداری مردم نشان می‌دهد مسیر آن تا رسیدن به پیروزی، اگرچه دشوار، اما طولانی نیست و ضحاک زمانه به زودی در برابر کاهوها و گردآفریدهای ایران به زانو درخواهد آمد. **روشنک آسترکی**

سلاح جنگی، شلیک گاز اشک‌آور در فضای بسته مانند مدرسه و مترو، ضربات بی‌امان باتوم به سر و جمجمه معترضان حتا کودکان، بازداشت خشونت‌بار و شکنجه وحشیانه بازداشت‌شدگان از سوی نیروهای سرکوبگر و «مجهز» ضدشورش و امنیتی که تا کنون صدها نفر را کشته و هزاران نفر را زخمی کرده، اگر خشونت «راحت» و «عریان» نیست، پس چیست؟!

آنچه رسانه‌ها و مقامات حکومتی نمی‌خواهند ببینند همبستگی یک ملت در برابر حکومت سرکوبگری است که بیش از چهار دهه به مثابه دشمن داخلی و یک نیروی اشغالگر، روند زندگی، غرور و کرامت ایرانیان را به سخره گرفته و آنها را از طبیعی‌ترین حقوق انسانی محروم کرده است. عدم درک آنچه انقلاب ۵۷، جمهوری اسلامی و فاشیسم مذهبی بر سر مردم ایران آورده است سبب می‌شود که حتی مدنی‌ترین مبارزات مردم در هفته‌های گذشته مانند «عمامه‌پرانی» برای برخی حامیان انقلاب ۵۷ و جمهوری اسلامی سنگین تمام شود و از اصولگرایی‌شان چون محمدتقی نقدعلی تا اصلاح‌طلب‌شان چون احمد زیدآبادی در نقد پدیده‌ای بنویسند که به عنوان یک حرکت مدنی و پرمعنا در رسانه‌های بین‌المللی نیز بازتاب یافته است.

شیروخورشید و درفش کاویانی طلایه‌دار همبستگی و آزادی

با وجود فضای امنیتی و سرکوب مسلحانه، مردم نه تنها در دانشگاه و خیابان اعتراضات دل‌آورانه‌ای در برابر جمهوری اسلامی به تصویر کشیده‌اند بلکه در هفته‌های گذشته چند بار درفش کاویانی نیز در خیابان و دانشگاه برافراشته شد. پیشبند کاوه آهنگر که درفش مبارزه مردم با ضحاک مار‌دوش بود و با پیروزی فریدون به پرچم ملی تبدیل شد، در حافظه تاریخی ایرانیان نماد آزادیخواهی و مبارزه علیه ظلم و ستم است. برافراشته شدن درفش کاویانی نشان می‌دهد مردم ایران بار دیگر برخاسته‌اند تا با ضحاک این دوران مبارزه کنند.

→ می‌کرد فضای آس و ناامیدی را در میان مردم تزریق کرده و خود را سرنوشت ایران و ایرانیان قلمداد کند. عوامل وابستگان نظام در داخل و خارج کشور نیز با تبلیغ اینکه «همه چیز تمام شد» و «اینجا را نمی‌شود برانداخت» گسترش می‌دادند تا برای مدتی نظام را از رویارویی با امواج اعتراضی در امان نگه دارند.

در خیزش انقلابی اخیر اما طی هشت هفته مردم خیابان را رها نکردند و دانشجویان و دانش‌آموزان نیز در دانشگاه‌ها و مدارس نشان دادند که حتی در محیط بسته که رصد و شناسایی برای نهادهای امنیتی راحت‌تر است نیز عقب‌نشینی نمی‌کنند. همین پایداری سبب شد در سه روز گذشته شمار بیشتری از شهروندان، با وجود سرکوب‌ها امیدوارانه به خیابان بیایند و به جمهوری اسلامی اعلام کنند که براندازی قطعی است و انقلاب مردم تا پیروزی ادامه دارد.

تلاش پیدا و پنهان حامیان نظام برای تحریف واقعیت
در این میان، رسانه‌ها و خبرگزاری‌های حکومتی نیز ناچار به همبستگی ملی مردم در اعتراضات سه روز گذشته اعتراف کرده‌اند. در حالی که رسانه‌های جمهوری اسلامی بطور سازمانیافته دستور دارند از عدم اعتصاب بازاریان و «عادی» بودن شرایط شهرها در این سه روز گزارش بدهند اما در لابلای همین گزارش‌ها نیز به بسته بودن بخش‌های مهم و کلیدی بازار اشاره شده است. برای نمونه خبرگزاری ایسنا در گزارشی با این ادعا که در روز سه‌شنبه ۲۴ آبان پایتخت شرایط «عادی» داشت و بازاریان مثل هر روز به کار و کاسبی مشغول بودند، نوشته که «خیابان انقلاب امروز نیمه‌تعطیل است و بجز تعدادی محدود از مغازه‌های کتابفروشی و تهیه غذا، اکثر مغازه‌ها در این محدوده تعطیل بودند. محدوده سردر دانشگاه تهران و پیاده‌روهای خیابان انقلاب نیز امروز یکی از خلوت‌ترین روزهای خود را تجربه کرد. حضور نیروهای پلیس امنیت در خیابان انقلاب محدوده بین میدان انقلاب و چهار راه ولیعصر در حد معمول هفته‌های اخیر بود که در جاهای تعیین شده برای این نیروها مستقر بودند.»

گذشته از اینکه تنها در یک وضعیت غیرعادیست که خبرگزاری‌های حکومت موظف می‌شوند شرایط را عادی‌هایی کنند، گزارش‌ها از تعطیل شدن بازار بزرگ پایتخت و بازار آهن‌فروشان تهران (شادآباد) به دلیل گستردگی ویدئوها، قابل انکار نبود! با اینهمه رسانه‌های حکومتی دستور یافتند «علت» این اعتصاب و تعطیلی را به «فشار اغتشاشگران» ارتباط دهند. در این گزارش‌ها آمده که بازاریان به دلیل حمله و فشار و توهین «اغتشاشگران» ناچار شدند در مناطقی چون بازار تهران و بازار آهن‌فروشان مغازه‌های خود را تعطیل کنند! این در حالیست که شهروندان معترض که از سوی رسانه‌ها و مقامات حکومتی «اغتشاشگر» خوانده می‌شوند، نه از صبح که کار و کسب بازار آغاز می‌شود، بلکه در اکثر شهرها بعدازظهرها به خیابان آمده و اعتراضات خیابانی آغاز می‌شود. از جمله در این سه روز نیز کسبه اصلا مغازه‌های خود را باز نکردند که تهدید به بستن بشوند! در بسیاری از شهرها از جمله در ایزد مردم معترض موفق شدند نیروهای سرکوبگر و تا دندان مسلح جمهوری اسلامی را عقب برانند. رسانه‌های داخلی که به دلیل ویدئوهای زیادی که از عقب‌نشینی نیروهای تحت فرمان جمهوری اسلامی منتشر شده، نتوانسته‌اند این پیروزی مردم را انکار کنند، باز به تحریف واقعیت و دروغ‌گویی پرداختند. روزنامه کیهان تهران نوشته که «نیروهای مجهز ضدشورش اگر می‌خواستند به اندکی از خشونت‌های اغتشاشگران پاسخی درخور دهند، قطعاً برای آنها بسیار راحت بود!» این روزنامه‌ی منفور و بدنام نوشته شلیک مستقیم با

خیزش انقلابی ۲۴ آبان در شهرهای مختلف؛ برافراشتن پرچم ملی شیروخورشید در خیابان‌های تهران



ایذه

معتضان از جمله حسن آباد، آریاشهر و پونک با روشن کردن آتش، واژگون کردن سطل‌های زباله و بستن خیابان اعتراضات خود را ادامه دادند.

«امسال سال خونه، سید علی سرنگونه»، «آخوند باید گم بشه»، «ما تماشاگر نمی‌خواهیم، به ما ملحق شوید»، «مرگ بر دیکتاتور»، «سبزی پلو با ماهی...» از جمله شعارهایی هستند که معتضان در پایتخت سر دادند.

در تهران همچنین سرکوب گسترده مردم از سوی نیروهای تحت فرمان جمهوری اسلامی ادامه یافت و شماری از شهروندان بازداشت شدند. نیروهای سرکوبگر به یک قطار در مترو تهران یورش برده‌اند و مردم را داخل واگن با خشونت مورد ضرب و جرح و شتم قرار دادند.

بر اساس یکی از ویدئوهای منتشر شده از خیزش ملی شب گذشته در تهران، مأموران سرکوب با هدایت لباس‌شخصی‌ها به داخل یک ساختمان مسکونی که گفته شده در نارمک است حمله می‌برند. یکی از مأموران لباس‌شخصی صدایش شنیده می‌شود که می‌گوید: «بچه‌ها مون رو زدن، از بالا پشت بوم هر کی بود بیاد پایین، بنده‌اش پایین».

در شهر زاهدان با وجود سرکوب گسترده و بیشترین شمار جانباختگان در خیزش ملی دو ماه گذشته، مردم باز هم به خیابان آمدند و زنان نیز در این اعتراضات گسترده شرکت کردند. بندر کنارک در جنوبی‌ترین نقطه استان سیستان و بلوچستان هم همانند زاهدان شاهد حضور زنان معترض دوشادوش مردان است.

در برخی شهرهای ایران از جمله بندر خمیر، رویدر و روستاهای تابع آنها که جمعیت کمی نیز دارند، مردم برای نخستین بار و در پاسخ به فراخوان ملی برای سه روز اعتراض و اعتصاب به خیابان آمدند.

رویدر و بندرخمیر به ترتیب در فاصله ۱۲۰ کیلومتری و ۹۶ کیلومتری بندرعباس قرار دارند. بندر خمیر از جمله شهرهای فقیر به شمار می‌رود که تابستان امسال یک زلزله سخت را می‌بایست تحمل کند. رویدر با جمعیت کمتر از ۱۰ هزار نفر در همسایگی بندر خمیر نیز از شهرهای فقیر

روز سه‌شنبه کلاس درس را تحریم کردند و در محوطه دانشگاه با تحصن و تجمع علیه جمهوری اسلامی شعار دادند.

اعتراضات مردمی از بعد از ظهر روز سه‌شنبه در شهرهای مختلف آغاز و تا پاسی از شب ادامه یافت. مردم در نیمروز سه‌شنبه در مردوشت استان فارس تجمع کردند و با وجود آرایش نظامی مأموران ضدشورش و امنیتی، شعارهایی چون «رضاشاه روح شاد» و «مرگ بر دیکتاتور» سر دادند. گزارش‌ها و ویدئوهای منتشر شده از مردوشت نشان می‌دهد شماری از ارادل و اوباش توسط نهادهای امنیتی تجهیز شده بودند تا همراه نیروهای ضدشورش و امنیتی به سرکوب معتضان بپردازند. همچنین نیروهای سرکوب با فلاخن و سلاح جنگی به سرکوب معتضان پرداختند.

شهرهای تهران، اصفهان، فولادشهر، یزدانشهر، شاهی (قائم‌شهر)، رشت، همدان، ایذه، اهواز، مشهد، تبریز، مهاباد، سقز، مردوشت، بندرعباس، بندر خمیر، اراک، گرگان، شاهین‌شهر، سمیرم، زرین‌شهر، قزوین، زنجان، آباد، بوکان، کامیاران، سبزو، کرج، فردیس، کرمان، رودهن، زاهدان، اقلید و بیلان از ده‌ها شهری هستند که مردم تظاهرات گسترده‌ای را در آنها برگزار کردند.

مردم پایتخت در مناطق مختلف تهران اعتراضات خود را برگزار کردند. در دو منطقه در آریاشهر (صادقیه) و ستارخان شهروندان پرچم‌های بزرگ شیروخورشید نشان را برافراشتند. برافراشته شدن پرچم شیروخورشید نشان پیام مهمی به جمهوری اسلامی و همچنین برخی گروه‌های اپوزیسیون می‌دهد که به دنبال حذف نشان‌های ملی در یک انقلاب ملی هستند!

محله‌ها و خیابان‌ها نارمک، پونک، ستارخان، جاده قدیم شمیران یا کوروش بزرگ (شریعتی)، مرزداران، تجریش، پاسداران، شهرک غرب، سعادت‌آباد، آریاشهر (صادقیه)، جنت آباد و چیتگر از جمله محله‌های تهران هستند که در آنها اعتراضات برگزار شد. جوانان در شهرک غرب با ریختن سنگ خیابان‌ها را بسته بودند تا نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی را متوقف کنند.

● اعتراضات شامگاه سه‌شنبه در ایران یکی از گسترده‌ترین اعتراضاتی بود که در ده‌ها شهر ایران بطور همزمان ادامه داشت و مردم در برخی شهرها برای نخستین بار در هشت هفته گذشته به خیابان آمدند.

● در دو منطقه آریاشهر (صادقیه) و ستارخان شهروندان پرچم‌های بزرگ شیروخورشید نشان را برافراشتند. برافراشته شدن پرچم شیروخورشید پیام مهمی برای جمهوری اسلامی و همچنین برخی گروه‌های اپوزیسیون دارد که به دنبال حذف نشان‌های ملی در یک انقلاب ملی هستند!

● مردم در ایذه صف نیروهای امنیتی و ضدشورش را شکستند و تظاهرات کردند. آنها شعار می‌دادند «امروز روز آزادی، جای پهلوی خالی».

● شعارهای دیگر مردم در اعتراضات شهرهای مختلف «بسیجی، سپاهی، داعش ما شبایید»، «حکومت بچه کش نمی‌خوایم، نمی‌خوایم»، «حکومت بیچاره، آبان ادامه داره»، «رضاشاه روح شاد»، «هیز تویی، هرزه تویی، زن آزاده منم»، «قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان»، «بسیجی جیره‌خور، آخرشه خوب بخور»، «بگو آزادی، آزادی، آزادی» و «زن زندگی آزادی، مرد میهن آبادی» بود.

● نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در حالی به سرکوب مسلحانه و بازداشت مردم پرداختند که متقابلاً مردم هم با دفاع مشروع نیروهای سرکوبگر را عقب راندند. دست‌کم دو نیروی سپاه در اعتراضات دیشب کشته شدند.

خیابان‌های ایران از عصر سه‌شنبه ۲۴ آبان با خروش انقلابی مردم در ده‌ها شهر روبرو شد. هزاران نفر در شهرهای مختلف به خیابان آمدند و علیه جمهوری اسلامی شعار دادند. در دو نقطه از تهران شهروندان پرچم ملی شیروخورشید را برافراشتند.

در پی فراخوان‌های ملی که مردم را برای گرامیداشت یاد جانباختگان اعتراضات آبان ۹۸ در روزهای ۲۵، ۲۶ و ۲۷ آبان به اعتراض و اعتصاب دعوت کرده بود، بازاریان از بامداد سه‌شنبه ۲۴ آبان در ده‌ها شهر ایران کرکره مغازه‌ها را پایین کشیدند و اعتصاب کردند. دانشجویان نیز در چند دانشگاه کشور از صبح

فوری؛ حمله موشکی روسیه علیه اوکراین در لهستان دو کشته برجای گذاشت! موشک‌های روسی یا جمهوری اسلامی؟!



محل اصابت موشک روسیه در خاک لهستان

پیوتر مولر سخنگوی دولت لهستان با انتشار توییتی نوشت «ماتئوش موراویسکی نخست وزیر کشور کمیته امنیت ملی را برای تشکیل جلسه فوری فراخوانده است.» گفتنی است ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهور اوکراین اعلام کرد که روسیه طی یکروز ۸۵ موشک به سراسر این کشور پرتاب کرد که هدف عمده آنها زیرساخت‌های انرژی بود.

در گزارش‌ها تأیید شده است که موشک‌های پرتاب شده از روسیه به سایتی در لهستان حدود ۱۵ مایلی مرز اوکراین اصابت کرده است.

رسانه‌های لهستانی گزارش دادند که دو نفر پس از اصابت یک موشک به منطقه‌ای کشاورزی در روستای پرژودوف کشته شدند.

کاخ سفید گفته فعلاً نمی‌تواند این گزارش‌ها را تأیید کند و در حال همکاری با دولت لهستان برای جمع‌آوری اطلاعات است. اما ودانت پتل معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا این گزارش‌ها را «فوق‌العاده نگران‌کننده» خواند و گفت واشنگتن در حال کار روی این موضوع است که ببیند چه اتفاقی افتاده و گام‌های مناسب بعدی چه باید باشد.

در هفته‌های اخیر گزارش‌هایی در مورد ارسال محموله موشک و پهپاد از جمهوری اسلامی به روسیه منتشر شده است. مشخص نیست آیا این حمله موشکی که از قرار معلوم به هدف اشتباه اصابت کرده است ارتباطی با پشتیبانی نظامی رژیم ایران از روس‌ها و تسلیحات ارسالی آن دارد یا نه.

● به گفته یک مقام آمریکایی، این بزرگترین موشک‌باران روسیه طی ۹ ماه اخیر علیه اوکراین بود اما برای نخستین بار است که تسلیحات روسیه به یک کشور عضو ناتو اصابت کرده است.

● کاخ سفید گفته فعلاً نمی‌تواند این گزارش‌ها را تأیید کند و در حال همکاری با دولت لهستان برای جمع‌آوری اطلاعات است. اما ودانت پتل معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا این گزارش‌ها را «فوق‌العاده نگران‌کننده» خواند و گفت واشنگتن در حال کار روی این موضوع است که ببیند چه اتفاقی افتاده و گام‌های مناسب بعدی چه باید باشد.

● مشخص نیست آیا این حمله موشکی که از قرار معلوم به هدف اشتباه اصابت کرده است ارتباطی با پشتیبانی نظامی رژیم ایران از روس‌ها و تسلیحات ارسالی آن دارد یا نه.

پرتاب چندین فروند موشک از روسیه به اوکراین عصر سه‌شنبه ۱۵ نوامبر (۲۴ آبان‌ماه) باعث قطع برق در مناطقی از این کشور و بخش‌هایی در مولداوی شد. تعدادی از موشک‌های پرتاب شده از روسیه به خاک لهستان که عضو ناتو است اصابت کرد و دو نفر کشته شدند! به گزارش «آسوشیتدپرس» این حملات بسیاری از مناطق اوکراین را نیز در خاموشی فرو برد. به گفته یک مقام آمریکایی، این بزرگترین موشک‌باران روسیه طی ۹ ماه اخیر علیه این کشور بود اما برای نخستین بار است که تسلیحات روسیه به یک کشور عضو ناتو اصابت کرده است.

ایران است که بخش بزرگی از جمعیت آن در بافت‌های فرسوده یا سکونتگاه‌های حاشیه‌ای زندگی می‌کنند. در برخی دیگر از شهرها از جمله ایذه که فشارهای امنیتی شدیدی برای جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه تجمع ولو با تعداد اندک حکمفرماست، مردم شب گذشته صف نیروهای امنیتی و ضدشورش را شکستند و تظاهرات کردند. در ایذه مردم شعار می‌دادند «امروز روز آزادی، جای پهلوی خالی» در این میان ابتکارات شهروندان برای تشویق همشهری‌هایشان به اعتراضات نیز جالب توجه است. دیشب ویدئوهایی از برخی نقاط از جمله شاهی (قائم‌شهر) در مازندران و چیتگر در تهران منتشر شد که نشان می‌دهد مردم یک کلیپ صوتی را که خطاب به مردم هشدار «وضعیت قرمز» می‌دهد از بلندگو پخش کرده و از آنان می‌خواهند که «برخیزند».

شعارهای دیگر مردم در اعتراضات شهرهای مختلف «بسجی، سپاهی، داعش ما شما نیستید»، «حکومت بچه‌کش نمی‌خوایم، نمی‌خوایم»، «حکومت بیچاره، آبان ادامه داره»، «رضاشاه روح شاد»، «هیز تویی، هرزه تویی، زن آزاده منم»، «قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان»، «بسجی جیره‌خور، آخرشه خوب بخور»، «بگو آزادی، آزادی، آزادی» و «زن زندگی آزادی، مرد میهن آبادی» بود.

در فولادشهر اصفهان مردم با ترقه‌های صوتی و دودزا توانستند ده‌ها نیروی امنیتی را که برای حمله به شهروندان یورش برده بودند عقب برانند.

بردسکن در استان خراسان رضوی هم از جمله شهرهایی است که در سومین سالروز کشتار آبان به محل اعتراض تبدیل شد. معترضان در این شهر که جمعیت آن کمتر از ۳۰ هزار نفر است، در میدان «توحید» تجمع کردند.

اعتراضات شامگاه سه‌شنبه در ایران یکی از گسترده‌ترین اعتراضاتی بود که در ده‌ها شهر ایران بطور همزمان ادامه داشت و مردم در برخی شهرها برای نخستین بار در هشت هفته گذشته به خیابان آمدند. حضور پرشمار مردم نیروهای سرکوبگر را دچار هراس و گیجی کرده است. در برخی شهرها چون مرودشت و سمنان و اراک صدای شلیک گلوله اعم از جنگی و ساچمه‌ای و همچنین گاز اشک‌آور شنیده می‌شد.

مردم هم متقابلاً به دفاع مشروع از خود پرداختند. مردم در شهرهایی چون دورود در استان لرستان با سنگ و چوبی نیروهای سرکوبگر را عقب راندند. ویدئوهای منتشر شده نشان می‌دهد در شیراز نیز یک وانت شماری از نیروهای سرکوبگر را زیر گرفته است.

بر اساس گزارش‌ها، سرهنگ پاسدار رضا الماسی شب گذشته در بوکان کشته شد. «مشرق نیوز» وبسایت نزدیک به نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی شامگاه ۲۴ آبان کشته شدن یکی از نیروهای حکومتی در جاده حصار بوکان را تأیید کرد. گزارش‌ها همچنین از کشته شدن محمد مویدی طلبه‌ی بسیجی و نیروی سپاه قدس، به دلیل اصابت کوکتول مولتوف در شیراز حکایت دارد.

مردم معترض در شهر کامیاران استان کردستان توانستند یک پایگاه بسیج را بگیرند و نیروهای حکومتی را از آن بیرون برانند.

هنوز آماری از تعداد بازداشت‌شدگان و یا جانبازان احتمالی اعتراضات شب گذشته منتشر نشده است. یکی از شهروندان که در اعتراضات اهواز حضور داشته است بازداشت شماری از شهروندان در کیانپارس اهواز را تأیید می‌کند.

اعتراضات سه روزه مردم، بامداد امروز چهارشنبه ۲۵ آبان وارد دومین روز شده است. ویدئوها نشان می‌دهد از سحرگاه امروز نیز شماری از بازاریان در شهرهای مختلف کسب و کار خود را تعطیل کرده و به اعتراضات پیوستند.

سرکوب‌ها نتیجه نداد هیأت امنیتی روسیه به تهران آمد؛ سعید جلیلی: «قدرت ملی ایران» در حوزه‌های علمیه تولید می‌شود!



از دیدارهای علی خامنه‌ای با فرماندهان بلندپایه نیروهای مسلح

و این مسئله دشمنان را نگران کرده‌است! او در سخنانی عجیب ادعا کرده «زرادخانه جمهوری اسلامی در حوزه‌های علمیه است و قدرت ملی ایران در حوزه علمیه تولید و ارائه می‌شود!»

سفر مقام امنیتی روسیه به ایران

رسانه‌های داخلی ایران چهارشنبه ۱۸ آبان گزارش داده بودند که دبیر شورای امنیت ملی روسیه در سفر به تهران با علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی دیدار داشته‌است. رسانه‌های حکومتی مدعی شدند در این دیدار «طیف وسیعی از مسائل سیاسی و اقتصادی در راستای توسعه روابط دوجانبه و همکاری‌های بین‌المللی» به بحث گذاشته شد اما روابط عمومی شورای امنیت ملی روسیه هدف از سفر نیکلای پاتروشف را «ادامه رایزنی‌های مستمر امنیتی» اعلام کرد و افزود ماه پیش هم در همین چارچوب «یک جلسه امنیت اطلاعات سایبری» به ریاست الگ خراموف معاون دبیر شورای امنیت ملی روسیه در تهران برگزار شده بود.

برخی تحلیلگران می‌گویند بعید نیست سفر این مقام روس به ایران مرتبط با ناتوانی رژیم در آرام کردن اعتراضات باشد.

در همین ارتباط، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا از سفر نیکلای پاتروشف به ایران و کمک احتمالی مسکو به تهران برای سرکوب خیزش انقلابی ایرانیان علیه جمهوری اسلامی، ابراز نگرانی کرد. ند پرایس تاکید کرد که هر دو کشور «متأسفانه تجربه زیادی در زمینه سرکوب دارند».

پیش از این نیز کارین ژان پی‌یر سخنگوی کاخ سفید از کمک روسیه به جمهوری اسلامی در زمینه سرکوب اعتراضات سخن گفته بود.

سفر هیأت امنیتی روسیه به تهران در حالی صورت گرفته که شکست‌های پیاپی میدانی روس‌ها در جنگ اوکراین مجبورشان کرد دست از پا درازتر از خرسون در این کشور عقب‌نشینی کنند.

ملل تلاش می‌کنند.

برای پیگیری این موضوع، سفیران آلمان و ایسلند در سازمان ملل در ژنو از شورای حقوق بشر این سازمان خواستند برای بررسی وضعیت وخیم حقوق بشر در ایران و کودکان در اواخر ماه نوامبر نشست فوری تشکیل دهد. برگزاری این نشست فوری تشکیل دهد.

کاتارینا استاش سفیر آلمان در سازمان ملل در ژنو گفته «بیش از ۴۰ کشور از این درخواست حمایت کرده‌اند. مهم است که شورای حقوق بشر وضعیت زنان و دختران ایران در اعتراضات اخیر را بررسی کند. ما در کنار زنان و مردان شجاعی که برای حقوق خود تظاهرات می‌کنند ایستاده‌ایم.» طبق آخرین خبرها، برگزاری این نشست فوری مورد قبول قرار گرفته اما هنوز تاریخ آن مشخص نشده است.

اولاف شولتز صدراعظم آلمان اعلام کرد اتحادیه اروپا هفته آینده بسته‌های تحریمی متعددی را علیه جمهوری اسلامی تصویب خواهد کرد. او در پاسخ به توییت وزیر خارجه جمهوری اسلامی هم گفت: «شما چه رژیمی هستید که به مردم خود شلیک می‌کنید! وقتی اینگونه رفتار می‌کنید ما در مقابل شما می‌ایستیم».

امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه پس از ملاقات با چند تن از فعالان ایرانی حقوق زنان از جمله مسیح علینژاد اشاره کرد که آنچه در ایران می‌گذرد یک انقلاب است. وی نیز حمایت خود را از مردم ایران اعلام کرد.

بر اساس آخرین گزارش‌ها، اتحادیه اروپا روز دوشنبه ۲۳ آبان در جلسه وزاری خارجه این نهاد اعمال تحریم‌های تازه علیه جمهوری اسلامی را بررسی می‌کند. بنا بر متق پیش‌نویس این اقدام تازه اتحادیه اروپا، اسامی ۲۸ شخص حقیقی و سه نهاد به فهرست تحریم‌ها افزوده خواهد شد. در چنین شرایطی جمهوری اسلامی با مشکلات جدی برای ادامه وضعیت سختی که در آن قرار گرفته روبروست. البته در تفسیر این شرایط سعید جلیلی نماینده علی خامنه‌ای در شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی که معلوم نیست در کدام دنیا سیر می‌کند می‌گوید «ایران به قله نزدیک شده

● آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه از آژانس خواسته‌اند در نشست بعدی، شورای حکام این سازمان برای پاسخگو کردن «ضروری و فوری» ایران در مورد علت آثار اورانیوم غیرمجاز کشف شده در سه سایت اعلام نشده قطعنامه صادر کند.

● سفیران آلمان و ایسلند در سازمان ملل در ژنو از شورای حقوق بشر این سازمان خواستند برای بررسی وضعیت وخیم حقوق بشر در ایران به ویژه درباره زنان و کودکان در اواخر ماه نوامبر نشست فوری تشکیل دهد. برگزاری این نشست قبول شده اما تاریخ آن هنوز اعلام نشده است.

● اولاف شولتز صدراعظم آلمان اعلام کرد اتحادیه اروپا هفته آینده بسته‌های تحریمی متعددی را علیه جمهوری اسلامی تصویب خواهد کرد. او در پاسخ به توییت وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفت: «شما چه رژیمی هستید که به مردم خود شلیک می‌کنید. وقتی اینگونه رفتار می‌کنید ما در مقابل شما می‌ایستیم».

● امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه پس از ملاقات با چند تن از فعالان ایرانی حقوق زنان از جمله مسیح علینژاد اشاره کرد که آنچه در ایران می‌گذرد یک انقلاب است. وی نیز حمایت خود را از مردم ایران اعلام کرد.

● سخنگوی وزارت خارجه آمریکا از سفر دبیر شورای امنیت ملی روسیه به ایران و کمک احتمالی مسکو به تهران برای سرکوب خیزش انقلابی ایرانیان علیه جمهوری اسلامی، ابراز نگرانی کرد.

همزمان با ادامه خیزش سراسری در ایران فشارهای بین‌المللی بر حکومت در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و حقوق بشری تشدید می‌شود. رافائل گروسی رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد که جمهوری اسلامی در نشست اخیری که در شهر وین درباره برنامه هسته‌ای این کشور برگزار شد، «هیچ چیز جدیدی ارائه نکرده اما قرار است تا چند هفته دیگر و اینبار در سطح فنی در ایران ملاقاتی داشته باشیم».

خبرگزاری رویترز گزارش داده است که آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه از آژانس خواسته‌اند در نشست بعدی، شورای حکام این سازمان برای پاسخگو کردن «ضروری و فوری» ایران در مورد علت آثار اورانیوم غیرمجاز کشف شده در سه سایت اعلام نشده قطعنامه صادر کند.

پیش از این شورای امنیت سازمان ملل نقض قطعنامه ۲۲۳۱ این شورا درباره برجام را در پی گزارش‌ها در ارتباط با ارسال پپیاد از سوی جمهوری اسلامی به روسیه برای استفاده در جنگ علیه اوکراین را مورد بررسی قرار داد و کشورهای حاضر بر لزوم تحقیقات سازمان ملل در این مورد تاکید کردند.

در همین ارتباط نماینده بریتانیا در شورای امنیت گفته بود «مچ ایران و روسیه در نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت درباره برجام گرفته شده است. ایران به روسیه پپیاد ارسال کرده و روسیه نیز از آنها برای حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی اوکراین استفاده کرده است».

همچنین با ادامه سرکوب معترضان در ایران کشورهای غربی برای حذف جمهوری اسلامی از کمیسیون زنان سازمان



بخشی از اعتراض دانشجویان دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر تهران، ۲۴ آبان ۱۴۰۱

آغاز سه روز اعتراضات ملی در ایران؛ اعتصاب و اعتراض گسترده بازاریان و دانشجویان از بامداد سه‌شنبه ۲۴ آبان

- در ده‌ها شهر ایران از جمله تهران، کرمانشاه، اصفهان، اراک، مریوان، سنندج، کرمان، رشت، بندرعباس، گرمسار، مشهد، دیواندره، اشنویه، یزد، سقز، نجف‌آباد، گناوه، تبریز، بوکان، شیراز و پاوه اعتصاب گسترده بازاریان آغاز شده است.
- همچنین دانشجویان در ده‌ها دانشگاه کشور اعتراض و اعتصاب خود را ادامه داده و با تحریم کلاس درس، و تجمع در محوطه دانشگاه از بامداد سه‌شنبه ۲۴ آبان به اعتراضات ملی سه روزه در کشور پیوستند.
- شاهداده رضا پهلوی نیز با انتشار ویدئویی، همزمان با فرارسیدن سالروز اعتراضات آبان ۹۸، از فراخوان‌هایی که برای اعتراض و اعتصاب از داخل ایران مطرح شده پشتیبانی کرده است.
- شامگاه دوشنبه نیز شهروندان زیادی با سر دادن شعارهای شبانه حمایت خود را از اعتراضات ملی سه روزه اعلام کردند.
- سالگرد جانباختگان اعتراضات سراسری آبان ۹۸ در حالی فرا رسیده است که خانواده‌های دادخواه این جانباختگان زیر شدیدترین فشارهای امنیتی قرار دارند و شماری در زندان و شماری در حصر خانگی بسر می‌برند.

در پی فراخوان ملی برای اعتراضات و اعتصابات سه روزه در ۲۴ و ۲۵ آبان، صبح امروز این اعتراضات با تجمعات اعتراضی دانشجویان در چند دانشگاه و اعتصاب بازاریان در ده‌ها شهر آغاز شده است. شامگاه گذشته نیز در بسیاری از شهرها شعارهای شبانه علیه جمهوری اسلامی سر داده شد و بزر اعتراضات سراسری سه روزه در بسیاری از شهرها بر در و دیوارها و پل‌ها جای گرفت.

در پی فراخوان اعتراضات سه روزه به مناسبت سالگرد کشتار مردم در اعتراضات سراسری آبان ۹۸، بازاریان در ده‌ها شهر ایران از بامداد سه‌شنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۱ اعتصاب کردند و کرکره مغازه خود را پایین کشیدند.

تصاویر و ویدئوهای منتشر شده نشان می‌دهد در ده‌ها شهر ایران از جمله تهران، کرمانشاه، اصفهان، اراک، مریوان، سنندج، کرمان، رشت، بندرعباس، گرمسار، مشهد، دیواندره، اشنویه، یزد، سقز، نجف‌آباد، گناوه، تبریز، بوکان، شیراز و پاوه اعتصاب گسترده بازاریان آغاز شده است.

در پایتخت در چند منطقه مختلف از جمله بازار بزرگ، بازار موبایل علاءالدین، بازار میل دلاوران، بازار کفاش‌ها، لاله‌زار، تجریش، امیرکبیر، عباس‌آباد، باغ سپهسالار و منوچهری کسبه دست به اعتصاب زدند. همچنین در چند نقطه از جمله بازار تهران تجمعات اعتراضی شکل گرفته و معترضان شعارهایی از جمله «مرگ بر دیکتاتور» و «امسال

سال خونه، سید علی سرنگونه» سر می‌دهند.

بازاریان اعتصاب‌کننده همچنین با تظاهرات در سطح بازار تهران با سر دادن شعارهایی چون «بازاری با غیرت، حمایت دیگر مغازه‌داران را تشویق به بستن مغازه‌ها کردند و به این ترتیب اعتصاب به شکلی گسترده ادامه یافت.

کارگران ذوب آهن اصفهان نیز از صبح امروز در پیگیری مطالبات خود دست به اعتصاب زده‌اند. در کنار اعتصابات، عصر امروز تجمعات اعتراضی در سراسر کشور فراخوان داده شده است. صدها تن از کارگران ذوب آهن اصفهان با راهپیمایی در محوطه این کارخانه بزرگ شعارهایی از جمله «وعده وعید کافی، سفره ما خالی» سر دادند.

در چند شهرک صنعتی کشور از جمله شهرک صنعتی سنندج کارگران تجمع کرده و شعارهایی نظیر «مرگ بر دیکتاتور» سر دادند.

همچنین دانشجویان در ده‌ها دانشگاه کشور اعتراض و اعتصاب خود را ادامه داده و با تحریم کلاس درس، و تجمع در محوطه دانشگاه از بامداد سه‌شنبه ۲۴ آبان به اعتراضات ملی سه روزه در کشور پیوستند.

دانشکده روانشناسی دانشگاه تهران، دانشگاه «سوره» تهران، دانشکده علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، دانشگاه رازی کرمانشاه، دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی تهران، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، دانشکده ریاضی و علوم پایه دانشگاه گیلان، دانشکده کامپیوتر دانشگاه ملی ایران (بهشتی)، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه ملی ایران (بهشتی)، دانشگاه آریامهر (شریف)، دانشگاه آزاد تبریز، دانشگاه آزاد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد «خمینی‌شهر» (همایونشهر)، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران و دانشکده حقوق دانشگاه تهران از جمله دانشگاه‌ها و دانشکده‌هایی هستند که دانشجویان آنها بامداد سه‌شنبه ۲۴ آبان کلاس درس را تعطیل و تجمع و تحصن را آغاز کردند.

«آزادی، آزادی، آزادی»، «امسال سال خونه، سید علی سرنگونه»، «کشته آبان ما، ۱۵۰۰ نفر»، «دانشجو داد بزن، حق‌تو فریاد بزن» و «قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان» از جمله شعارهای دانشجویان معترض است.

اعتراضات و اعتصابات امروز دانشجویان و بازاریان در پاسخ به فراخوانی است که طی روزهای گذشته به شکلی وسیع منتشر شده است. این فراخوان‌ها که با عنوان «فراخوان ملی» برای اعتراضات و اعتصابات سه روزه در روزهای ۲۴، ۲۵ و ۲۶ آبان و در سالروز کشتار مردم در اعتراضات سراسری آبان ۹۸ پخش شده با استقبال عمومی شهروندان روبرو و چندین روز است در شبکه‌های اجتماعی

دست به دست می‌گردد.

فراخوان برای اعتراضات و اعتصابات سه روزه تنها به انتشار پوستر و فراخوان در شبکه‌های اجتماعی خلاصه نشده و ویدئوها و تصاویری از چاپ و پخش تراکت در محله‌های شهرهای مختلف نیز منتشر شده است.

برای نمونه طی روزهای گذشته ویدئوهایی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که نشان می‌دهد شهروندان از جمله در محله نارمک و خیابان نوفل لوشاتو تهران با در دست داشتن پلاکاردهایی مردم را به حضور در اعتراضات و اعتصابات در روزهای ۲۴ تا ۲۶ آبان دعوت می‌کنند.

شاهداده رضا پهلوی نیز با انتشار ویدئویی، همزمان با فرارسیدن سالروز اعتراضات آبان ۹۸، از فراخوان‌هایی که برای اعتراض و اعتصاب از داخل ایران مطرح شده پشتیبانی کرده است.

شاهداده رضا پهلوی در این ویدئو گفته که «در سالروز آبان ۹۸، بار دیگر همراهی خود را با خانواده‌های داغ‌دیده اعلام می‌دارم. فراخوان‌هایی در جهت اعتراض و اعتصاب از داخل ایران اعلام شده است که من به سهم خود قویا از آن پشتیبانی می‌کنم و از شما هم‌میهن‌انم دعوت می‌کنم که این اتحاد بی‌نظیر و بی‌سابقه خود را بار دیگر به نمایش بگذارید، و متحد و با هم در مقابل ظلم و ستمی که بر ایران روا داشته شده بایستیم تا ایران‌مان را نجات بدهیم و از این دژخیمان پس بگیریم.»

شامگاه دوشنبه نیز شهروندان زیادی با سر دادن شعارهای شبانه حمایت خود را از اعتراضات ملی سه روزه اعلام کردند. در تهران مردم در چند محله شعارهای شبانه سر دادند؛ مردم در شهرزیا شعار «فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی» سر دادند. در شهرک اکباتان تهران نیز ساکنان بار دیگر به محوطه این شهرک آمدند و سرود «بیزارم از دین شما، نفرین به آیین شما» را بازخوانی کردند. معترضان در اکباتان همچنین شعارهای «مرگ بر دیکتاتور» و «امسال

سال خونه، سیدعلی سرنگونه» سر دادند.

سومین سالگرد جانباختگان اعتراضات سراسری آبان ۹۸ در حالی فرا رسیده است که خانواده‌های دادخواه این جانباختگان زیر شدیدترین فشارهای امنیتی قرار دارند. شماری از آنها مانند منوچهر بختیاری و ناهید شیرپیشه و رضا سلمان‌زاده در زندان هستند و شمار دیگری چون محبوبه رضایی و سکیه احمدی در حصر خانگی بسر می‌برند. اینهمه در حالیست که مردم در میانه انقلابی که اعتراضات آبان ۹۸ نقطه عطف آن به شمار می‌رود، از سه روز اعتراضات و اعتصاب برای بزرگداشت جانباختگان آبان ۹۸ بطور وسیع حمایت کرده‌اند.

راهکارهای حوزوی‌ها برای مقابله با «عمامه‌پرانی»:

از تبلیغ آخوند رزمی‌کار و فوتبالیست تا نمایش کارگری و خدمت‌رسانی!



آخوندهای جهادی

● مدیر حوزه علمیه: «بدخواهان اسلام و نظام که به عمامه روحانیت تعرض کرده‌اند بدانند که عمامه روحانیت کفن آنها خواهد بود».

● هادی انصاری مورخ حکومتی می‌نویسد «شیخ فضل‌الله نوری در حال صحبت در میدان توپخانه بود که یوسف‌خان ارمنی به طرز خفت‌باری عمامه از سر شیخ برداشت و به طرف جمعیت پرتاب کرد. این اولین تجربه عمامه‌پرانی در ایران بود. طولی نکشید که همه فهمیدند مشکل مشروطه، عمامه شیخ فضل‌الله نبود و عمامه‌پرانی شیخ، مقدمه‌ای برای کلاه پهلوی بود».

● حکومت و مبلغان آن در هر جریان و گروهی در حالی عمامه‌پرانی را شمات می‌کنند که اتفاقا یکی از روش‌های روح‌الله خمینی رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار این حکومت برای مقابله با روحانیون و آخوندهایی که همفکر او نبودند عمامه‌پرانی بود! او به جوانان توصیه می‌کرد آخوندها و علمای دگراندیش را «خیلی لازم نیست کتک بزنند» اما عمامه آنها را در کوچه‌ها بردارند و تا در جمعیت «ساقط شوند!»

حوزوی‌ها در توماری از حکومت خواسته‌اند «امنیت طلاب و روحانیون تامین شود». علیرضا اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه در یک سخنرانی در جمع آخوندها و طلاب استان لرستان که ۱۹ آبان‌ماه برگزار شد در واکنش به کارزار «عمامه‌پرانی» گفت: «بدخواهان اسلام و نظام که به عمامه روحانیت تعرض کرده‌اند بدانند که عمامه روحانیت کفن آنها خواهد بود».

او با اشاره به کشته شدن یک آخوند بسیجی در اعتراضات در شهرک اکباتان تهران که نام وی آرمان علی‌وردی اعلام شده گفت: «هزاران آرمان در میان حجره‌های ما ایستاده و در برابر ظلم زمانه می‌ایستند. روحانیت هرگز عقب‌نشینی نخواهد کرد».

کارزار «عمامه‌پرانی» برای حکومت بسیار سنگین تمام شده است. محمدتقی نقدعلی نماینده «خمینی‌شهر» (همایونشهر) اصفهان با اشاره به اینکه «پدیده پراندن عمامه از سر روحانیون توطئه شیطانی» است، آنها را که اقدام به این کار می‌کنند «کفتار» خواند و گفت که «با دم شیر بازی می‌کنند!» وی تهدید کرد: «ممکن است روحانیون مدارا کنند و حوصله به خرج بدهند اما کسانی که با دم شیر بازی می‌کنند بدانند نتیجه عمل‌شان را خواهند دید و این پیامی است برای کسانی که جوانان را تحریک می‌کنند».

این در حالیکه است که آنقدر بین جوانان از عمامه‌پرانی استقبال شده که برای مذمت آن جریان «اصلاح‌طلب» هم که کم آخوند و طلبه ندارد همسو با حکومت دست به کار شده است. احمد زیدآبادی در یادداشتی پرسیده چرا روشنفکران منصف و مداراجو نسبت به این پدیده‌ها هشدار نمی‌دهند؟! او گفته «روحانیون دارای پست‌های عالی در انتظار عمومی ظاهر می‌شوند». یا یک حجت‌الاسلام دیگر گفته آخوندهایی که در خیابان پیاده راه می‌روند «عمامه به سرهای مستضعف» هستند.

اما علت این ترس را هادی انصاری مورخ حکومتی روشن

جامعه به وجود آورده است.»

با گسترش این حرکت بین جوانان که ده‌ها ویدیو درباره آن دست به دست می‌شود و انواع اکانت در شبکه‌های اجتماعی برای این پدیده ساخته شده، دست حکومت برای مقابله با «عمامه‌پرانی» به شدت بسته است. نمی‌شود برای هر آخوند یک نگهبان گذاشت تا کسی عمامه‌اش را نپراند! تعداد مشارکت‌کنندگان در این کارزار آنقدر زیاد است که بازداشت و تهدید هم فایده ندارد. بنابراین نظام شروع به تبلیغات کرده که آخوندها وقتی با این پدیده مواجه می‌شوند از خودشان دفاع کنند. همین سوژه تبلیغ یک آخوند «رزمی‌کار» است که دو نفر بطور مضحکی به او حمله می‌کنند و این آخوند یک‌نفره شبیه فیلم‌های هندی با آن دو نفر مقابله می‌کند! در این ویدیو آخوند مربوطه خطاب به جوانان می‌گوید: «ما عقد پدر و مادر شما را خواندیم تا حلال‌زاده شوید!»

در این ویدیوی تبلیغی فیلم‌بردار داد می‌زند «بچه‌ها آخوند آخوند!» و بعد دو نفر به او برای عمامه‌پرانی نزدیک می‌شوند که یکی از آنها نانچیکو هم داشت اما آخوند که مدعیست فن زده آن دو نفر را می‌زند و فراری می‌دهد! تبلیغ دیگر مربوط به یک کآخوند فوتبالیست است که در قم برای بچه‌ها به تبلیغ ورزش می‌پردازد تا بلکه بتواند آنها را جذب کند!

اینهمه در حالیکه است که طبق گزارش رسانه‌های داخلی، در دو ماه گذشته شماری از آخوندهای بسیجی در اعتراضات کشته و زخمی شدند. تعداد زیادی مسجد و پایگاه بسیج و دفتر امام جمعه نیز به آتش‌کشیده شده است.

بعضی از آخوندها برای در امان ماندن از خشم مردم به حومه شهرها رفته و گروه‌های جهادی برای «خدمت» به مردم تشکیل داده و در بنایی و شخم زدن زمین‌های زراعی و کابل‌کشی کمک می‌کنند. آنها در صفحات اجتماعی دائم گزارش مربوط به این فعالیت‌های خود را منتشر می‌کنند.

بیان کرده است. او می‌نویسد عمامه‌پرانی در ایران تجربه تاریخی دارد و به یکصد و اندی سال پیش برمی‌گردد. او با روایت تاریخ مشروطه و فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان نقل می‌کند «شیخ فضل‌الله نوری در حال صحبت در میدان توپخانه بود که یوسف‌خان ارمنی به طرز خفت‌باری عمامه از سر شیخ برداشت و به طرف جمعیت پرتاب کرد. این اولین تجربه عمامه‌پرانی در ایران بود. طولی نکشید که همه فهمیدند مشکل مشروطه، عمامه شیخ فضل‌الله نبود و عمامه‌پرانی شیخ، مقدمه‌ای برای کلاه پهلوی بود».

حکومت و تبلیغاتچی‌های آن در هر جریان و گروهی در حالی عمامه‌پرانی را شمات می‌کنند که اتفاقا یکی از روش‌های روح‌الله خمینی رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار این حکومت برای مقابله با روحانیون و آخوندهایی که همفکر او نبودند عمامه‌پرانی بود! او در زمانی که هنوز به قدرت نرسیده بود با شدت و حدت به جوانان توصیه می‌کرد آخوندها و علمای دگراندیش را که در خط وی نبودند «خیلی لازم نیست کتک بزنند» اما عمامه آنها را در کوچه‌ها بردارند!

الاهه بقراط سردبیر کیهان لندن معتقد است «عمامه‌پرانی» فقط یک حرکت شوخ و شنگ و بامزه نیست بلکه یک اقدام سیاسی و اجتماعی و مقابله با تفکر نیست که زیر عمامه قرار دارد! همان تفکر «هیچ» معروف که در پهن ۵۷ بر ایران نازل شد و ملت و مملکت را در داخل و خارج به «هیچ» تبدیل کرد!

او می‌گوید «مضامین ترقی‌خواهانه‌ی مشروطه و پهلوی در اعتراضات یک دهه اخیر به روشنی به چشم می‌خورد که حقوق زنان و کشف حجاب یکی از بارزترین آنهاست. نقش دستاوردهای تاریخ معاصر ایران در خیزش کنونی، جز جمهوری اسلامی نمی‌بایست سبب نگرانی نیروهای دیگر شود چرا که این نقش، بستر منطقی عبور از حکومت اسلامی و غلبه بر گسستی است که این حکومت در حرکت

پایان داستان

«رستم‌الحکما» داستان قتل فتحعلی خان قاجار را به‌گونه‌ای دیگر روایت می‌کند. بنابراین روایت، فتحعلی خان پس از آن که از طهماسب میرزا رنجید و رنجنامه به او نوشت، عازم طبرستان و استرآباد شد: «پس این عریضه را سر به‌مهر به خدمت ملک رفعت نواب اقدس ولیعهد فرستاد و عازم طبرستان و استرآباد شد و حکم کرد خیمه و خرگاهش را در بیرون شهر برپا نمودند و خود با کوکبه و دستگاه سپه‌داری از شهر بیرون رفته و نزول اجلا به منزل نمود.

پس نواب اقدس ولیعهدی، عالیجاه نادرقلیخان قرخلوی سفاک را طلب فرموده و عریضه را بعد از مطالعه خود به نادرقلیخان داد. معظم‌الیه چون عریضه را مطالعه نمود آتش غیظ و کینه‌اش شعله‌ور شد که نزدیک بود برق غضبش خرمن وجودش را بسوزاند. عرض نمود که: ای شهنشاه‌زاده مالک‌الرقاب، فتحعلی خان بسیار مغرور و خودپسند است، باید او را گوشمالی دادن.

نواب ولیعهدی فرمود: چون حق حیات بر ما دارد از چاره او عاجزیم، لکن ما تو را در دستگاه سلطنت خود صاحب اختیار فرمودیم، هرچه صلاح دولت ما دانی بکن.

نادرقلیخان قرخلوی غیور سفاک بی‌باک، یگانه پهلوان بی‌نظیر هفت کشور، سر فرود آورد و بیرون آمد و سوار شد و با فوجی از غلامان خونخوار خود از شهر بیرون آمده به جانب خرگاه عالیجاه فخرالامرا، فتحعلی خان قاجار تیموری، روان گردید و چون از دور جمعیت و دستگاه عالی فتحعلی خان را دید اندیشه‌ای که به‌خاطر داشت تغییر داد و جمعیت خود را به جایی واداشت و خود با دو نفر وارد خیمه عالیجاه فتحعلی خان گردید و از روی خدعه و مکر مراسم تعظیم به‌جای آورد و ایستاد.

عالیجاه فتحعلی خان او را اذن نشست داد و جا نمود، نشست و به شیرین‌سخنی و چرب‌زبانی شروع نمود به عذرخواهی و گفت من به رضای خود به در خانه ولیعهدی نیامده‌ام، خود می‌دانی که مرا به‌زور آوردند و هر خدمت مشکلی که فرمودند به‌جای آوردم و تو از نواب ولیعهدی بی‌سبب رنجیده‌ای، اگر به‌سبب من رنجیده‌ای مرا تقصیری نیست و همه عالم می‌دانند که مؤسس این اساس تو بوده‌ای و حق حیات بر نواب ولیعهدی داری. استدعای من این است که ترک رفتن نمایی و کار را ناتمام و دولت ایران را ضایع و مختل نگذاری، که در این وقت رفتن تو کمال نامردی است و در عالم به نامردی مشهور و بدنام خواهی شد. پندم را بپذیر و بیا با هم به خدمت نواب ولیعهدی برویم و تدبیری نما و مرا مرخص و مستخلص کن که به مکان خود بروم و تو را دعاگو باشم، و چنین فهمیدم که اگر به خوشی نیائی به ناخوشی تو را خواهند برد و ممکن نیست که نواب ولیعهدی دست از تو بردارد و چشم از حق تو بپوشد.

به لطایف‌الحیل و چرب‌زبانی آن عالیجاه را قریب داده و با هم دست در دست سوار گردیدند و آمدند وارد شهر گردیدند و آمدند تا به در خلوت شهنشاهی، عالیجاه نادر قلیخان قرخلو از روی خدعه و مکر عالیجاه فتحعلی خان را پیش روی خود روان کرد. چون خواست داخل خلوت شود قاپوچی با ادب و تعظیم گفت امروز قدغن شده که کسی با یراق داخل خلوت نشود. عالیجاه نادرقلیخان اول از راه تزویر یراق خود را گشود. عالیجاه فتحعلی خان هم گشود و گستاخانه داخل گردید.

عالیجاه نادرقلیخان قرخلوی شمشیر خود را بر میان بست و از عقب وی داخل گردید و به‌جای خود ایستاد. نواب ولیعهدی از روی عتاب به عالیجاه فتحعلی خان

کالبدشکافی یک طغیان (۲۶)

(کیهان لندن شماره ۱۱۰۰-۱۱۲۵)

فروردین تا مهر ۱۳۸۵

بازنشتم

احمد احرار



نادرشاه افشار

خطاب فرمود که بی رخصت و اذن ما چرا از شهر بیرون رفتی و می‌خواستی به کجا بروی؟ عرض نمود از دست آقای سقیه‌العقل بی‌تمیز قدر خدمت شناس بی‌انصاف می‌خواستم قرار نمایم!

فرمود آیا در قوه تو هست که از چنگ ما رهایی یابی و فرار نمائی؟ به پرخاش و تندری عرض نمود که آن کس که تواند مرا منع از رفتن نماید کیست؟ که ناگاه عالیجاه نادرقلیخان شمشیر آبدار از غلاف بیرون کشیده و بر گردن آن یگه سالار نامدار شیرشکار زد، سر مبارکش بر زمین افتاد.

نواب ولیعهدی برآشف و به‌تندی فرمود چرا چنین کردی و چون چشم آن افتخارملوک بر سر جدا از تن و تن جدا از سر فتحعلی خان قاجار تیموری افتاد و خدمتگزارها و مهربانها و غمخوارهای وی به‌یادش آمد بی‌اختیار فریاد برآورد و کلاه با عمامه از سر مبارک برگرفت و بر زمین زد و بیهوش گردید.

پس اعیان دولت به‌لُوم چند او را به‌هوش آوردند. بسیار گریه کرد و فرمود ای ظالم بیرحم خونخوار چرا فتحعلی خان را به‌عبث کشتی که حق حیات بر گردن ما داشت.

نادرقلیخان قرخلوی سفاک به خاک افتاد و عرض نمود خداوندگارا، آنچه بر این بنده اخلاص‌شعار معلوم و مفهوم گردیده این است که فتحعلی خان می‌خواست به استرآباد و مازندران برود و اساسی برپا نماید و دولت را بر هم بزند و چون منصب صاحب‌اختیاری مرا شفقت فرمودی از روی مصلحت این خدمت عاقل‌پسند نمودم. همه ارکان دولت

تصدیقش نمودند.

نواب ولیعهدی چند روز ملول و محزون بود و آئین عزیت و فاتحه‌خوانی به‌جهت عالیجاه فردوس آرامگاه فتحعلی خان قاجار تیموری مظلوم شهید سعید برپا نمودند. پس نادر قلیخان قرخلوی نامدار جهان‌پهلوان سفاک به خاکپای نواب ولیعهدی عرض نمود که مرخص فرما تا به‌جانب اصفهان بروم و اشرف شاه افغان را با توابعش به جزائی که شاید و باید برسانم و به‌ضرب شمشیر آبدار، شجره حنظل دولت افغان را قلع و قمع نمایم.

پس به استصواب وزرا و ارکان دولت مرخص و مخّلع گردید و با هفت هزار مرد جنگی از افشار قرخلو و خراسانی به‌جانب اصفهان روان شد.

به‌هر تقدیر، نادر پس از آن که میدان بی‌رقیبی در دستگاه شاهزاده صفوی به‌دست آورد، به‌عنوان سپه‌دار و سپهسالار نقشه‌های جنگی خود را به‌موقع اجرا گذارد.

طهماسب میرزا در مشهد اقامت گزید و آن شهر را پایگاه یا پایتخت موقت خود قرار داد. نادر نیز به تسخیر تمامی خطه خراسان کمر بست. در پی فروپاشی سلطنت صفویه، حکمرانان محلی که در شهرهای مختلف خراسان نسبت به حکومت جدید اعلام سرسپردگی کرده بودند به‌صورت نیمه‌مستقل و زیر نظارت افغانها به حکمرانی ادامه می‌دادند. افغانها پس از مختصر مقاومتی از مقابل سپاهیان نادر گریختند و این شهرها یکی بعد از دیگری به قلمرو فرمانروایی طهماسب میرزا افزوده شدند. آنگاه نادر به سوی هرات روی آورد و آن شهر را نیز بدون برخورد با مقاومتی چندان، از تصرف ابدالی‌ها خارج کرد.

تا این زمان، اشرف افغان طهماسب میرزا و تحرکات او را به چیزی نمی‌گرفت. درباره او به‌تحقیر سخن میگفت و یقین داشت که از جانب این شاهزاده عشرت‌طلب هرگز خطری متوجه وی نخواهد بود. اما پس از آن که افغانهای فراری به اصفهان رسیدند و خبرهای خراسان را آوردند، اشرف دریافت که صورت قضایا عوض شده است و باید بجنب و دفع خطر کند.

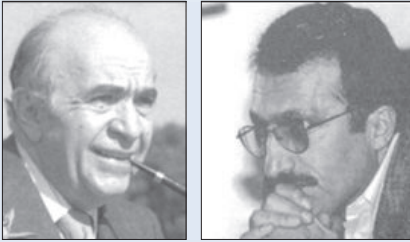
افغانها در طول هفت سال، چنان تاخت و تاز کرده و بیرحمی نشان داده و زهر چشم از سایر ایرانیان گرفته بودند که شکل‌گیری یک جنبش مقاومت و تغییر روحیه عمومی را در برابر قدرت حاکم، کمتر کسی احتمال می‌داد. اشرف تصمیم گرفت با لشکرکشی به خراسان، یک بار برای همیشه خود را از مزاحمت طهماسب میرزا خلاص کند. ابتدا سپاهی به فرماندهی صیدلی خان به سمت خراسان گسیل داشت. صیدلی خان در قریه مهماندوست دامغان با حاجی بیک از سرداران سپاه نادر روبرو شد و به‌سختی شکست خورد.

نبرد مهماندوست و شکست سپاهیان افغان، روحیه مقاومت و مبارزه را در ایرانیان تقویت کرد. «ژان اوتر» می‌نویسد: «افغانها که به شکست دادن ایرانیها عادت کرده بودند آنان را مردمی بی‌مقدار و ملتی بی‌حمیت می‌شمردند و پیروزی آسان را به خود نوید می‌دادند. با این اطمینان خاطر وارد کارزار شدند. آنان نمی‌دانستند که ایرانیان با فرماندهی چون نادر دیگر آن ایرانیانی نیستند که توسط فرماندهان لالایی و خائن رهبری می‌شدند.»

دو جنگ سرنوشت‌ساز، ابتدا در دامغان و سپس در نزدیکی اصفهان، بین دو سپاه رخ داد. در هر دو جنگ، نادر بر اشرف غلبه کرد. اشرف در پی دومین شکست، اصفهان را غارت کرد و گریخت و به‌هنگام فرار، گرفتار عبدالله خان یکی از سران عشایر بلوچ شد و به هلاکت رسید.

«پایان»

معمایی به نام هویدا (۱۰)



نوشته دکتر عباس میلانی

امیرعباس هویدا و صادق خلخالی رویاروی یکدیگر

کارگردان چیره دست تاریخ، سرنوشت یکی از فرهیخته‌ترین چهره‌های رژیم پیشین را به مظهر تمام عیار خشونت و نفرت سپرده بود

نخست وزیر پیشین در نامه‌ای که مخفیانه از زندان به خارج فرستاد نوشته بود:

همه ما را خواهند کشت، از ما نفرت دارند!

(تاریخ نشر در کیهان لندن: خرداد تا مهرماه ۱۳۸۰ شماره‌های ۸۷۷-۸۶۱)

بازنش

دکتر عباس میلانی، متن انگلیسی کتاب خود را با عنوان Persian Sphinx انتشار داد.

«اسفنجس» در اساطیر نام يك موجود افسانه‌ایست با کله انسان و اندام شیر که بر دروازه شهری نشسته بود و هر کس می‌خواست وارد شهر شود مجبور بود به معمایی که او مطرح می‌کرد پاسخ دهد. اگر پاسخ صحیح بود، اجازه ورود می‌یافت و الا سرش به باد می‌رفت.

این کلمه اما به معنی شخص پیچیده و مرموز وارد زبانهای اروپایی شده و به کسانی اطلاق می‌شود که نمی‌توان از اسرار و افکارشان سر درآورد.

آیا هویدا واقعا چنین پدیده‌ای بود و باقی ماندن او در مقام نخست وزیری به مدت سیزده سال يك معماست؟ قضاوت در این مورد با خواننده کتاب است که به لطف شش سال کار نویسنده و گفتگوی او با دوستان و دشمنان و مخالفان و موافقان هویدا، با شخصیت وی از زوایای مختلف آشنایی پیدا می‌کند.

چنان که قبلا نوشتیم، هراینه آگاهان و صاحب‌نظران در باره این کتاب و مندرجات آن نظری داشته باشند ما استقبال می‌کنیم به شرط آن که هدف، روشنتر شدن موضوعات و کمک به تصحیح و تکمیل تاریخ باشد.

در فصلی از کتاب خود — معمای هویدا — دکتر عباس میلانی به شرح محاکمه نخست وزیر پیشین ایران در دادگاه انقلاب پرداخته است.

عنوان این فصل «قاضی انقلاب» است و مؤلف، آن را با قطعه ای از ویلیام شکسپیر آغاز می‌کند:

نام پاك من، زندگی فقیرانه‌ام،

شهادتم علیه تو، و مقامم در دولت

چنان بر دعاویت سایه خواهد انداخت

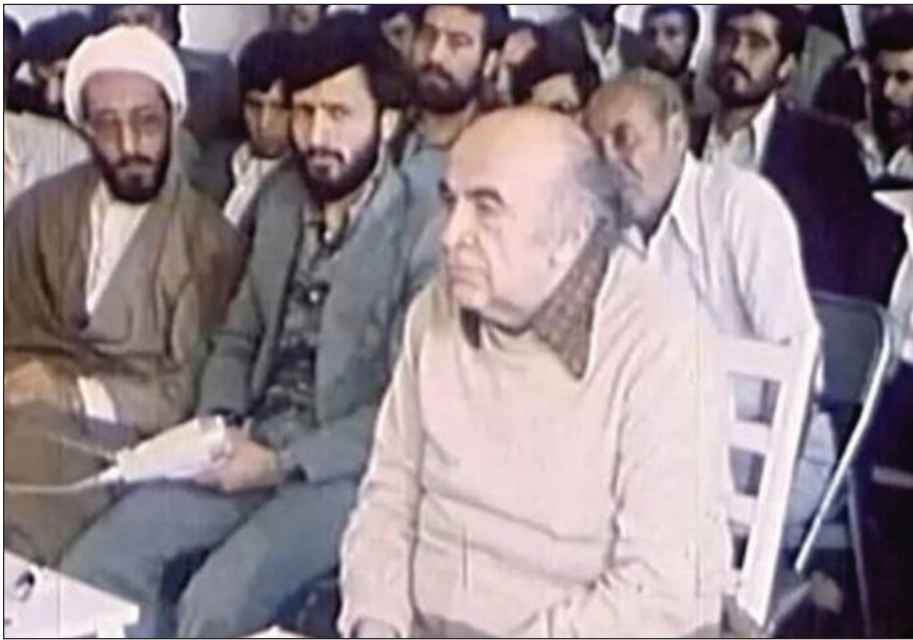
که تو در سایه روایت جان خواهی باخت

آنچه دل تنگ می‌خواهد بگو،

دروغ من زورآورتر از حقیقت‌های توست!

آنان که از شهره شدن به بدنامی در نزد مخالفانشان نمی‌هراسند، موجوداتی سخت خطرناک‌اند. بعد از انقلاب، سرنوشت هویدا در کف چنین شخصیتی بود، شیخ صادق خلخالی نام داشت و آنچنان که خود در خاطراتش می‌گوید از طرف مخالفانش به قاضی قاتل ملقب شد. تصادف تاریخ و ضرورت انقلاب او را به جایگاهی به غایت پر اهمیت برکشاده بود.

روستازاده بود و تحصیل چندانی نداشت. به قم آمده بود تا درس طلبگی بخواند. چهره گردش، لبان برآمده‌اش، ابروان پرپشتش، چشمان ریزش، ریشش که از چانه برآمده‌اش بیرون می‌زد، و بالاخره عمامه گل و گشادش همه او را به هیأت یکی از سوارانی در می‌آورد که در اغلب مینیاتوره‌های



امیرعباس هویدا در دادگاه خلخالی

خلق خدا در میان بگذارد. معتقد بود کورش کبیر، جانی بالفطره و لواط دهنده‌ای بی‌مقدار بیش نبود.

اما غریب این است که خلخالی، به رغم همه این صفات و عقاید حیرت آور، بعد از انقلاب، به دستور مستقیم آیت‌الله خمینی، رئیس دادگاه انقلاب تهران شد. او را می‌توان از منادیان اصلی «نظریه املت انقلاب» خواند منادیان این نظریه، خوشنیتها و خونریزی‌ها و ترور همزاد انقلاب را به‌سان ابزار و اسباب ضروری تحولات اجتماعی می‌پسندند و می‌ستایند.

خلخالی نه تنها از این نظریه طرفداری می‌کرد، بلکه تجربیات کودکی و جوانی و دوران تبعیدش هم در او تلخی خوف آوری پدید آورده بود. سه ماه از انقلاب نگذشته بود که روزی خلخالی، با افتخار تمام، به روزنامه‌نگاری خبر داد که تا کنون دست کم چهارصد نفر را به جوخه اعدام سپرده است. از همان وقت از طرف مخالفان جمهوری اسلامی لقب «قاضی قاتل» نصیبش شد.

در يك کلام، خلخالی، شاید بیش از هر کس دیگر، نماد خشن‌ترین نیروهای انقلاب اسلامی بود و از قضا کار تعیین سرنوشت یکی از فرهیخته‌ترین و با خردترین چهره‌های رژیم گذشته به او واگذار شده بود. تقابل این دو نفر، مصداق تقابل دو جهان بینی و دو سبک زندگی و دو نگرش تاریخی یکسره متضاد بود. انگار تاریخ، چون کارگردانی زبر دست، عصاره افراطی‌ترین وجوه مثبت و منفی رژیم فاتح و مفتوح را در برابر یکدیگر قرار داده بود.

ایرانی دیده می‌شود. خلخالی ذهنی ساده داشت. در عین حال بی‌باك و بی پروا هم بود و همین خصلتش او را به یکی از پیروان آیت‌الله خمینی بدل کرده بود. کارهایی به او محول می‌شد که بیشتر شجاعت می‌طلبید. برای مثال، در سال ۱۳۴۲ گویا شماری از مأموران ساواک قصد داشتند یکی از جلسات سخترانی آیت‌الله خمینی را در مدرسه فیضیه به هم بزنند. آیت‌الله خمینی هم از طریق صادق خلخالی پیامی برایشان فرستاد. گفته بود اگر در سخترانی‌ام اخلاقی کنید، آنگاه عمامه‌ام را تحت الحنك می‌کنم و در پیشاپیش مردم به راه می‌افتم و آنان را به صحن حرم حضرت معصومه خواهم برد. چند ماهی پس از این رویارویی، آیت‌الله خمینی به ترکیه و بالمال به عراق تبعید شد.

خلخالی هم مدتی در زندان افتاد و سپس به دهی در یکی از مناطق دور افتاده ایران تبعید شد. در آستانه انقلاب، خلخالی خاطرات تبعیدش را به چاپ سپرد. اثری به راستی حیرت آور و تکان دهنده بود. شعارهای ضد استعماری را با مشت‌ی شایعه بی‌اساس ترکیب می‌کرد. و هر دو را به زبانی که از لحاظ سبک ضعیف، و از لحاظ لحن پر از یقین بود تحویل خوانندگان می‌داد. رشحات قلمی او عرصه تحقیقات تاریخی را هم در بر می‌گرفت. رساله‌ای پنجاه و هشت صفحه‌ای در مورد کورش کبیر نوشت. می‌گفت این تحقیق را در دوران شاه به قلم آورده بود و ساواک از چاپ و پخش آن جلوگیری می‌کرد. می‌گفت ساواک اجازه نمی‌داد که مگره تأملات خود را با



پراشوب، رهبران مغضوب حزب را، کلاه بوقی بر سر، و مقوایی بر سینه، در خیابانها می‌گرداندند و گاردهای سرخ هم که خود را تنها پاسداران پالودگی انقلاب می‌دانستند، بر این بخت برگشتگان لعن و طعن می‌گفتند و گاه حتی مورد ضرب و شتمشان قرار می‌دادند. در مورد هویدا نیز، آویزه تحقیر و استغفارشان تکه مقوایی بود که در آن به شلختگی دو سوراخ تعبیه کرده بودند و مقوا را در حالی که نامش بر آن نوشته بود، برگردنش آویختند. لباس نامرتب هویدا، حالت بهت زده‌اش، و از همه بدتر زمان غیر متعارف شروع دادگاه، همه جزئی از تلاش قاعدتاً سازمان یافته گردانندگان دادگاه برای تحقیر زندانی و در هم شکستن روحیه مقاومت او بود.

خیابانهای اطراف مدرسه بازگشت. به منزل که رسید، قبل از هر چیز نامه چروکیده هویدا را از مخفیگاهش بیرون کشید. تکه کاغذی کوچک بود و در آن مطالبی به فرانسه نوشته شده بود. هویدا آنجا از نخستین بازجویی گفته بود که همان روز صورت پذیرفته بود. نوشته بود مرا بی‌گمان در يك دادگاه اسلامی محاکمه خواهند کرد. می‌گفت، «وکیل مدافعی در کار نخواهد بود. از ما نفرت دارند. گمان می‌کنند هر آنچه را که عزیز می‌داشتند ویران کردیم. همه ما را خواهند کشت. شرایط به مراتب بدتر از چیزی است که تصور را بتوانی کرد. مرگ در قیاس با این وضع فرجی خواهد بود.» دادگاه خلخالی تجسم این نفرت بود.

نامه مخفیانه هویدا از زندان

چند و چون نخستین بازجوییها را به اعتبار نامه‌ای می‌دانیم که هویدا مخفیانه به خارج از زندان فرستاد. در روز دهم اسفند ۱۳۵۷، دکتر فرشته انشاء به عنوان طبیب معالج هویدا، در زندان به دیدارش رفت. در حین این دیدار، ناگهان سر و صدایی از جایی بلند شد. نگهبان اتاق ناچار لحظه‌ای از مراقبت هویدا و ملاقات کننده‌اش واماند و هویدا هم از همان يك لحظه بهره جست و نامه‌ای را به دست فرشته داد. فرشته هم در عین تردستی و ترس، نامه را در سینه‌بند خود جای داد. می‌گفت، «عرق از سر و صورتم جاری بود، قلبم از هیجان به شدت می‌زد.» از



نخست‌وزیر امیرعباس هویدا و کابینه‌اش. هویدا عصا در دست، هنگام دست تکان دادن

از وجنات هویدا، هنگام ورودش به دادگاه، بر می‌آمد که شاید این شگردهای تحقیرآمیز موثر واقع شده بود. او با حالتی گیج و منگ و با قیافه‌ای یکسره آشفته وارد اتاق بزرگ دادگاه شد. بر چهره‌اش عرق نشسته بود. روزنامه‌نگارانی که در جلسه حضور داشتند، در گزارشهای خود نوشتند که وقتی هویدا وارد اتاق شد، هیچ نمی‌دانست کجاست و به چه علت او را به درون این جمع کشانده‌اند. قاعدتاً قیافه عبوس خلخالی شأن نزول جلسه را برایش روشن کرد. حالات هویدا همه از التهاب و اضطراب درونش حکایت می‌کرد. چشمانش دو دو می‌زد و دلهره در چهره‌اش نمایان بود. حدود سیصد نفر در اتاق جمع بودند. از خانواده متهم کسی در آن میان نبود. به علاوه، از آن دسته مردمی که معمولاً از سرکنجکاوی به دادگاه رو می‌کنند نیز در جمع نشانی نبود. محاکمه هویدا لحظه‌ای تاریخی بود. حضور در این صحنه در انحصار برگزیدگان انقلاب بود. هویدا به سرعت حضار جلسه را برانداز کرد. دریافت که در آن میان دو سه چهره نسبتاً آشنا بیشتر نیست. رئیس دادگاه را از قبل دیده بود و دو نفر از روزنامه‌نگاران را نیز از دوران صدارتش می‌شناخت.

دنباله دارد

هویدا در دادگاه

پاسی از نیمه شب می‌گذشت که هویدا را به دادگاه خلخالی وارد کردند. چند روزی به نورویش بیش مانده بود و از انقلاب هم يك ماه نمی‌گذشت. تهران که در آن چهار فصل مختلف سال را تجربه می‌توان کرد واپسین شبهای یخزده زمستانی سرد را پشت سر می‌گذاشت. هویدا را از خواب بیدار کردند. دستور دادند لباسش را به تن کند. ضعیف و رنگ پریده به نظر می‌رسید. عینک تازه‌اش را بر چشم گذاشت. در بلبشوی ساعات اول انقلاب عینکش را گم کرده بود. در ملاقات بعدی از دکتر فرشته انشاء خواست که عینک تازه‌ای برایش فراهم کند. در عکسهایی که روزنامه‌ها از دادگاه اول هویدا منتشر کردند، فرشته همین عینک جدید را بر چهره متهم دید. دو روزی بود که اصلاح نکرده بود. ته ریشش، سایه‌ای بر چهره رنگ باخته‌اش می‌انداخت. به علاوه، در چند هفته اخیر، حدود ۲۰ کیلو وزن کم کرده بود. چهره‌های تکیده و حالتی درمانده داشت. پیش از آن که از اتاق درسی که به زندان بدل شده بود بیرون بیاید، نگهبانان او را واداشتند تا مقوایی را که از دو سر به نخ وصل بود دور گردنش بیاویزد. این ارمغان سنگدلی‌های انقلاب فرهنگی چین بود. در آن روزهای

ملاقاتشان یکی دو دقیقه بیشتر نمانده بود. دکتر انشاء کیف طبابتش را برداشت. با هویدا خداحافظی کرد و با آرامش به حیاط مدرسه رفاه وارد شد. در خروجی مدرسه در چند قدمی‌اش بود، اما می‌گفت به نظرش آن سوی دنیا بود. احساس خطر می‌کرد. می‌خواست هر چه زودتر از آن محیط خارج شود؛ در عین حال نمی‌خواست با شتابی بی‌رویه، شک و ظن نگهبانان را برانگیزد. دو قدم بیشتر به در نمانده بود که ناگهان صدای نگهبانی از پشت سر بلند شد. «خانم کجا می‌روی؟» دکتر انشاء برگشت. پیر مردی مسلسل به دست دید. می‌گفت می‌دانستم که باید هر طور شده بر اعصابم مسلط بمانم. به زبان پراقتدار طبیعی از خود راضی گفتم، «دکتر هستم. برای رسیدگی به مریضها آمده بودم.» پیر مرد پوزش خواست و دکتر انشاء هم حرکت خود را به سوی در از سر گرفت. می‌گفت: «احساس می‌کردم هر لحظه ممکن است زانوهایم از کار بیفتند.»

وقتی سرانجام از حیاط مدرسه رفاه خارج شد، ضعف و دلهره چنان بر او مستولی بود که دیگر توان رانندگی نداشت. اتومبیلش را که در آن نزدیکی پارک بود، همانجا گذاشت. با تاکسی به منزل رفت و روز بعد برای برداشتن ماشینش به



اعتراضات خیابانی در تهران - آبان ۱۴۰۱

افزایش شمار جانباختگان و بازداشت شدگان انقلاب ایران؛ ادامه سناریوهای نخ نما علیه جانباختگان

مقدار زیادی از آن را مصرف کرد! معلوم نیست قوه قضاییه چگونه تشخیص داده که یلدا آقاقلی خودکشی نکرده است! همزمان همچنان شمار زیادی از بازداشت شدگان همچنان در زندان بسر می‌برند. برای هزاران نفر پرونده قضایی تشکیل شده و برگزاری دادگاه‌ها نیز در چند شهر آغاز شده است. محمدجعفر منتظری دادستان کل کشور نیز روز یکشنبه ۲۲ آبان‌ماه از برگزاری دادگاه‌ها برای شمار بیشتری از معترضان بازداشت شده خبر داد و گفت که دادگاه برخی از بازداشت شدگان اعتراضات برگزار شده که «ممکن است بخشی از این دادگاه‌ها رسانه‌ای شود».

مقامات قضایی جمهوری اسلامی از صدور بیش از ۷۵۰ کیفرخواست برای معترض بازداشتی فقط در سه استان ایران خبر داده‌اند. عبدالمهدی موسوی رئیس کل دادگستری استان مرکزی روز یکشنبه اعلام کرد ۲۷۶ نفر از معترضان دستگیر شده این استان «مجرم تشخیص داده شدند».

مجتبی قهرمانی رئیس کل دادگستری هرمزگان از صدور کیفرخواست برای پرونده ۱۶۴ تن از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری کنونی در این استان خبر داد. او «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور، فعالیت تبلیغی علیه نظام، اخلاف در نظم عمومی، اغتشاش و تحریک مؤثر به قتل، تهمد توأم با ضرب و جرح مأموران و تخریب و تحریق اموال عمومی و دولتی» را از اتهامات این شهروندان اعلام کرد.

اسدالله جعفری رئیس کل دادگستری استان اصفهان نیز از صدور ۳۱۶ فقره کیفرخواست در خصوص بازداشت شدگان اعتراضات اخیر، در این استان خبر داد. همچنین به گفته وی برای ۱۲ شهروند بازداشت شده در جریان اعتراضات حکم صادر شده است.

پیش از این و در هفته گذشته علی القاصی مهر رئیس کل دادگستری استان تهران اعلام کرده بود که تا کنون حدود هزار کیفرخواست برای معترضان دستگیر شده در اعتراضات تهران صادر شده. علی القاصی مهر مردم معترضی را که در اعتراضات خیابانی شرکت کرده و بازداشت شده‌اند «آشوبگر» و «اغتشاشگر» خطاب کرده و مدعی شده شماری از بازداشت شدگان «دارای اتهامات سنگینی از جمله ضرب و جرح یا به شهادت رساندن مأموران حافظ امنیت، به آتش کشیدن اموال عمومی و تعرض به نوامیس مردم» هستند.

در این میان برخی معترضان بازداشت شده با اتهامات سنگینی چون «محاربه» و «فساد فی الارض» روبرو شدند که می‌تواند زمینه‌ساز صدور حکم اعدام برای این افراد باشد.

برای نمونه پرهام پروری که در جریان اعتراضات شهر

علت از دست رفتن جان وی بوده است. به ادعای رئیس آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی این دانش‌آموز دچار «عارضه قلبی» شده و با وجود رساندن «فوریت‌های پزشکی» و انجام «عملیات نجات» و «تلاش پزشکان» بیمارستان، درگذشته است!

نوید بادیا ۲۳ ساله و دانشجوی رشته بیهوشی دانشگاه آزاد ورامین در اعتراض‌های سراسری با شلیک گلوله مأموران حکومتی جان باخته اما خانواده او زیر فشار قرار گرفتند تا علت درگذشت او «تصادف» اعلام شود. این جوان اهل ترکمن صحرا بوده و به گفته منابع آگاه پیکر او مخفیانه و در سکوت کامل و بدون حضور نزدیکانش، در روستای پدری او دفن شده است. نوید بادیا متولد سال ۱۳۷۸ بود و اینک در روستای کوچک خرطوم به خاک سپرده شده است.

سارینا ساعدی نوجوان ۱۶ ساله ساکن سنندج نیز به دلیل اصابت ضربات باتوم مأموران به سرش در اعتراضات جان باخته است. دایی سارینا اعلام کرده که خواهرزاده‌اش با حضور گسترده نیروهای امنیتی و با حضور چند تن از اعضای خانواده به خاک سپرده شد. مأموران امنیتی پدر سارینا را زیر فشار قرار دادند تا ادعا کند دخترش در خانه و به دلیل «مصرف مواد مخدر و یا روانگردان‌ها به صورت اتفاقی و یا خودکشی» جان باخته است.

نسرین قادری شهروند مریوانی که در جریان اعتراضات تهران با ضربات باتوم به سرش به کما رفت و ۱۳ آبان‌ماه در یکی از بیمارستان تهران جان باخت نیز از دیگر اهداف سناریوسازی جمهوری اسلامی است. در ابتدا عنوان شد که این زن جوان به دلیل آنفولانزا و بیماری‌های زمینه‌ای و تشنج جان باخته اما چند روز بعد دادستان شهریار مدعی شد که نسرین قادری به دلیل «مسمومیت ناشی از مصرف الکل متانول» جان خود را از دست داده است!

یلدا آقاقلی دختر جوان ۱۹ ساله نیز چهارم آبان در تهران بازداشت شد اما چند روز پس از آزادی موقت از بازداشت، خودکشی کرد و جان باخت. مراسم خاکسپاری این دختر جوان در جو امنیتی سنگین و با حضور گسترده مأموران برگزار شد. در روزهای گذشته دو فایل صوتی از این دختر جوان منتشر شده که از بازداشت وحشیانه وی در نزدیکی دانشگاه تهران و همچنین ضرب و جرح شدید او در بازجویی حکایت دارد. امروز ۲۳ آبان قوه قضاییه حتا خبر خودکشی وی را پس از آزادی از زندان تکذیب کرد و گفت بر اثر مصرف زیاد ماده مخدر شیشه جان خود را از دست داده است! این در حالیست که برای خودکشی با هر ماده‌ای از جمله مواد مخدر نیز می‌بایست

● ۳۳۹ تن در فاصله ۲۶ شهریور تا ۲۱ آبان امسال در اعتراضات کشته شده‌اند که در میان آنان ۵۲ کودک دیده می‌شود.

● خودکشی، سکنه، تصادف و حتا مصرف زیاد مواد مخدر از جمله مواردی هستند که مقامات جمهوری اسلامی برای علت جان باختن معترضان ادعا کرده و خانواده‌ها را هم برای تکرار همین ادعاها زیر فشار قرار می‌دهند.

● برخی معترضان بازداشت شده با اتهامات سنگینی چون «محاربه» و «فساد فی الارض» روبرو هستند که می‌تواند زمینه‌ساز صدور حکم اعدام علیه این افراد باشد.

● هشت تن از ۴۲ روزنامه‌نگار بازداشت شده پس از مدتی آزاد شدند اما دست کم ۳۴ روزنامه‌نگار از جمله ۱۵ روزنامه‌نگار زن همچنان در زندان بسر می‌برند.

در پایان هشتمین هفته از اعتراضات سراسری ایران شمار جانباختگان به ۳۳۹ تن افزایش یافته و هزاران نفر در شهرهای مختلف بازداشت شده و برگزاری دادگاه رسیدگی به اتهامات آنها نیز در چند شهر آغاز شده است. جمهوری اسلامی با وجود نخ نما شدن سناریوهای مضحک درباره جانباختگان، همچنان به سناریوسازی ادامه می‌دهد.

خبرگزاری هرانا ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، اعلام کرده که ۳۳۹ تن در فاصله ۲۶ شهریور تا ۲۱ آبان امسال در اعتراضات کشته شده‌اند و در میان آنان ۵۲ نفر کودک هستند. بر اساس این گزارش در فاصله ۲۶ شهریور تا ۲۱ آبان دست کم ۱۵ هزار و ۳۴۵ معترض در شهرهای مختلف بازداشت شده‌اند که هویت یک هزار و ۹۸۱ تن از آنها مشخص شده. همچنین در این مدت ۴۴۲ دانشجو از ۱۳۷ دانشگاه معترض کشور بازداشت شده‌اند و شمار شهرهایی که انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی در آنها جریان داشته به ۱۴۰ شهر افزایش یافته است.

نهادهای رسمی جمهوری اسلامی تا کنون گزارش جامعی از جانباختگان، مجروحان و بازداشت شدگان خیزش ملی ارائه نداده‌اند اما در مواردی که هویت جانباختگان منتشر شده مقامات جمهوری اسلامی اقدام به سناریوسازی کرده و حاضر به پذیرش مسئولیت کشتن مردم معترض در خیابان و بازداشتگاه‌ها نمی‌شوند.

خودکشی، سکنه، تصادف و حتا مصرف زیاد مواد مخدر از جمله مواردی هستند که مقامات جمهوری اسلامی برای علت جان باختن معترضان ادعا کرده و خانواده‌ها را هم برای تکرار همین ادعاهای دروغین زیر فشار قرار می‌دهند. علی آبیار دانش‌آموز ۱۷ ساله در استان آذربایجان غربی از جمله جانباختگانی است که مقامات حکومتی ادعا کرده‌اند «سکنه»

نایب رئیس سندیکای دارویی جمهوری اسلامی:

صادرات دارو به روسیه با وجود کمبود دارو در ایران



دارو خواهد رسید.» این در حالیست که پیشتر گزارشهایی درباره کمبود و نایاب شدن ۷۰۰ قلم دارو منتشر شده بود! به دنبال آن، عبدالحسین روح‌الامینی عضو کمیسیون بهداشت مجلس جمهوری اسلامی از کمبود ۳۵۶ قلم دارو تنها در داروخانه ۱۳ آبان تهران که مرجع تامین دارو است، خبر داد.

محمدجواد نیک بین عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی نیز درباره علت بروز بحران دارویی در کشور و افزایش قیمت آن گفت: «افزایش قیمت دارو بر خلاف قانون است زیرا قانون اجازه نمی‌دهد که در این شرایط اقتصادی که مردم با آن مواجه هستند باز هم افزایش قیمت داشته باشیم!»

او افزود: «باز هم در این شرایط قیمت دارو حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ و حتی ۷۰۰ درصد افزایش یافته و با این وجود باز هم با کمبود دارو و آنتی بیوتیک در کشور مواجه هستیم.»

تا کنون مقامات مربوطه لیست مشخصی از داروهای صادراتی به روسیه اعلام نکردند اما مدیرکل دارو و مواد تحت کنترل سازمان غذا و دارو گفته: «اینترفرون بتا» و «فاکتور هفت» دو قلم از این داروهای صادراتی است.

اینترفرون بتا یکی از داروهایی است که برای بیماران «ام اس» و کاهش حملات عصبی آنها تجویز می‌شود.

مقامات جمهوری اسلامی همواره کمبود دارو را به دروغ به تحریم‌ها مرتبط کرده و آمریکا را مانع صادرات دارو و دیگر اقلام بشردوستانه به ایران معرفی می‌کنند. حال آنکه دارو هرگز تحریم نبوده و این موضوع بارها از سوی کشورهای غربی از جمله آمریکا و نهادهای بین‌المللی با تأکید اعلام شده است.

در همین ارتباط، مجتبی بورپور نایب رئیس اتحادیه واردکنندگان نیز گفته است: «آمریکا ما را تحریم دارویی نکرده است. ایران داروهای تولیدشده از کمپانی‌های آمریکایی را از دفاتر این کمپانی‌ها در کشورهای اروپایی مانند هلند و یا روسیه خریداری و وارد می‌کند.»

● «اگر شرایط به همین منوال پیش برود، در ماه‌های آینده کمبود دارو به ۳۰۰ تا ۴۰۰ قلم دارو خواهد رسید.»
● «قیمت دارو از ۳۰۰ تا ۷۰۰ درصد افزایش یافته است.»

در حالی که بحران کمبود دارو در ایران به داروهای معمولی چون شربت آنتی‌بیوتیک و آمپول ویتامین ث، رسیده است، برخی مقامات جمهوری اسلامی از صادرات دارو به روسیه سخن می‌گویند که می‌تواند دلیلی برای این کمبودها محسوب شود.

چندی پیش، علیرضا پیمان‌پاک رئیس سازمان توسعه تجارت ایران به رسانه‌ها گفته بود: «بازار داروی روسیه ارزشی ۲۰ میلیارد دلاری دارد و ایران برای ورود به این بازار برنامه‌ریزی کرده است.»

حسین شمالی مدیرکل دارو و مواد تحت کنترل سازمان غذا و دارو نیز از صادرات دارو به روسیه خبر داده بود. به گفته او، سال گذشته ارزش صادرات داروهای ایرانی به روسیه حدود ۵/۷ میلیون دلار بود و تلاش خواهد شد تا امسال این مقدار افزایش پیدا کند.

علی فاطمی نایب رئیس انجمن داروسازان نیز در گفتگو با خبرگزاری «ایسنا»، از نایاب شدن برخی داروهای ساده به ویژه داروهای کودکان در داروخانه‌ها خبر داد. او گفت: «شربت دیفن‌هیدرامین، شربت استامینوفن و بروفن برای تب بچه‌ها و شیف استامینوفن برای کودکانی و نوزادان که باید استامینوفن را به صورت شیف استفاده کنند در داروخانه‌ها به اندازه کافی پیدا نمی‌شود.»

وی در اواخر شهریورماه از سهمیه‌بندی سرُم در داروخانه‌های ایران هم خبر داده و گفته بود ذخایر استراتژیک داروها در کشور به صفر رسیده است.

مهدی پیرصالحی نایب رئیس سندیکای صنایع دارویی به «خبرآنلاین» گفت: «اگر شرایط به همین منوال ادامه پیدا کند، در ماه‌های آینده کمبود دارو به ۳۰۰ تا ۴۰۰ قلم

→ تهران بازداشت شده با اتهام «محاربه» در خطر صدور حکم اعدام قرار دارد. پدر پرهام روز یکشنبه ۲۲ آبان در پیامی ویدئویی اعلام کرد که فرزندش در حال بازگشت از محل کار «به شلوغی‌ها» برخورد کرده و بازداشت شده است. او اتهام «محاربه» را سزاوار فرزندش ندانسته و از سازمان‌ها و نهادهای داخلی و بین‌المللی حقوق بشری کمک خواسته است. پرهام پروری، تک‌فرزند خانواده، دانش‌آموخته رشته مهندسی و شاغل در یک شرکت فنی در تهران و همچنین قهرمان و مربی شنا است. پیش از این قانون حقوق بشر ایران هشدار داده بود که ۹ تن از دستگیرشدگان اعتراضات سراسری که روز شنبه ۷ آبان اولین جلسه دادگاهشان برگزار شد، در خطر صدور حکم اعدام قرار دارند. این نهاد نام این افراد را محمد قبادلو، سامان صیدی، محسن رضازاده قراقلو، سعید شیرازی، محمد بروغنی، ابوالفضل مهری، حسین حاجی‌لو، منوچهر مهمان نواز و سهیل خوشدل اعلام کرده است.

حسین فاضلی هریکندی رئیس کل دادگستری استان البرز نیز روز شنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۱ از صدور کیفرخواست برای ۱۱ شهروند شامل ۱۰ مرد و یک زن خبر داده است. این شهروندان در ارتباط با پرونده کشته شدن یک بسیجی با اتهاماتی همچون «فساد فی‌الارض» روبرو شدند.

برخی دیگر از متهمان نیز به زندان محکوم شده‌اند. امیرحسین بریمانی شاعر و کارگردان به پنج سال حبس تعزیری محکوم شده. او به خانواده خود گفته بود در زندان فشافویه نگهداری می‌شود. بازداشت وی در سوم مهرماه بوده و خانواده او می‌گوید به وکیل دسترسی نداشته است.

خبرگزاری میزان وابسته به قوه قضائیه روز یکشنبه از صدور حکم ۵ تا ۱۰ سال زندان برای پنج تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری خبر داد و افزود که یکی از معترضان بازداشت شده نیز به «اعدام» محکوم شده است. یکی از محکومان به اعدام سامان صیدی معروف به سامان یاسین خواننده رپ اهل کرمانشاه و ساکن تهران است که ۱۰ مهر در خانه‌اش بازداشت شد و دادگاه انقلاب اسلامی وی را به دلیل حضور در اعتراضات سراسری به اعدام محکوم کرد. او در اوین حق ملاقات ندارد و هیچ خبری از وضعیت وی در دست نیست. بازداشت معترضان و بازداشت سازمان‌یافته فعالان مدنی و سیاسی همچنان ادامه دارد. ابودر نصراللهی وکیل دادگستری روز گذشته از بازداشت کیانوش سنجرى روزنامه‌نگار و فعال سیاسی خبر داد و گفت که او پس از احضار به دادرای اوین بازداشت شده است. این وکیل دادگستری به وبسایت «امتداد» گفت: «در پی احضار موکلم به دادرای اوین، روز یکشنبه به این دادرای مراجعه کردیم که کیانوش سنجرى، فعال سیاسی، پس از تفهیم اتهام بازداشت شد.»

کیانوش سنجرى روز شنبه بیست و یکم آبان ماه تصویری از برگه احضاریه خود را در صفحه توئیترش منتشر کرد که به امضای محمد جواد رستمی بازپرس شعبه ۱ دادرای انقلاب اسلامی اولین رسیده و دلیل احضار نیز «ادای توضیحات» و «دفاع از اتهام انتسابی» عنوان شده بود.

او در ادامه نوشته بود که «براساس ابلاغیه روز شنبه به همراهم وکیل آقای ابودر نصراللهی به دادرای امنیت اوین مراجعه کردم. بازپرس نبود. قرار شد در روزهای آینده مراجعه کنم.» همچنین بنا بر اعلام سازمان گزارشگران بدون مرز، از هنگام آغاز اعتراضات سراسری تا کنون دست‌کم ۴۲ روزنامه‌نگار از جمله نیلوفر حامدی، الهه محمدی، یغما فشخامی، نازیلا معروفیان، مجتبی رحیمی، سعیده فتحی، مهرنوش طافیان، ماندانا صادقی در ایران بازداشت شده‌اند.

هشت تن از ۴۲ روزنامه‌نگار بازداشت شده پس از مدتی آزاد شدند اما دست‌کم ۳۴ روزنامه‌نگار از جمله ۱۵ روزنامه‌نگار زن همچنان در زندان بسر می‌برند.



حسین رونقی

ادامه فشارها بر بازداشت‌شدگان؛ حسین رونقی با وضعیت وخیم جسمی به بیمارستان منتقل شد

محدود به توافق اتمی است؛ اما برای ما بسیار بدتر است. یک حکومت پلیسی و مذهبی با بی‌شمار قوانین و خطوط قرمزی که اکثر مردم ایران را یارای عبور از آنها نیست و زیر سایه ترس آن زندگی می‌کنیم.»

حسین رونقی همچنین افزوده بود: «ما امروز قربانی ناآگاهی و نادیده‌انگاری جهان نسبت به واقعیت‌های ایران نیستیم، بلکه با تلاش عمدی و سیستماتیک جمهوری اسلامی، از طریق توجیه‌گرانش در رسانه‌های خارجی، برای دستکاری افکار عمومی جهان مواجه هستیم. بنابراین اینکه به شما می‌گویند در ایران هیچ اپوزیسیون داخلی‌ای وجود ندارد اشتباه است. ما مردم اپوزیسیون و مخالف حکومت هستیم.» پیش از این جعفر پناهی و محمد رسولاف، دو فیلمساز زندانی، در بیانیه‌ای از زندان اوین با ابراز نگرانی درباره وضعیت حسین رونقی نوشته بودند هر لحظه امکان ایست قلبی او وجود دارد.

حسین رزاق فعال رسانه‌ای اصلاح‌طلب که در زندان اوین محبوس است نیز با انتشار فایل صوتی از زندان گفته حسین رونقی از چند روز پیش به بند عمومی زندان منتقل شده و همه شاهد «آب شدن و تحلیل رفتن» او هستند و هر روز حال او وخیم‌تر می‌شود. او افزود که «جان حسین رونقی در خطر جدی است و هر آن ممکن است اتفاق جبران‌ناپذیری بیفتد. در این دقایق حساس باید هم صدای حسین بود و هم همراهش تا پیروزی حاصل شود حتی اگر جان تک تک ما را بستانند.»

بازداشت «پیشگیرانه»ی مجید توکلی

با گذشت دو ماه از خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی و تداوم اعتراضات انقلابی مردم، فشار سازمانیافته بر فعالان مدنی و سیاسی شناخته شده افزایش یافته و این فشارها برای جمهوری اسلامی به یکی از بازارهای سرکوب و ایجاد وحشت در میان افکار عمومی تبدیل شده است در حالی که تا کنون نتیجه‌ی عکس داده است!

مجید توکلی فعال مدنی نیز در نخستین روزهای مهرماه بازداشت شد. او در تماس‌هایی که پیش از این با همسرش داشت گفته بود که بازجویی نمی‌شود و مأموران امنیتی گفته‌اند بازداشت او «پیشگیرانه» بوده است.

همسر مجید توکلی روز پنجشنبه ۱۹ آبان در توییتی اعلام کرد، در چهل و نهمین روز بازداشت این فعال سیاسی زندانی، برای رساندن وسایل شخصی به او، به زندان اوین مراجعه کرده، اما مقامات گفته‌اند که او به زندان بزرگ تهران (فشافویه) منتقل شده است.

همسر مجید توکلی شامگاه گذشته در توییت دیگری اعلام کرد مجید از زندان فشافویه تماس داشته و حال جسمی

با انتشار این خبر گروهی از شهروندان شامگاه یکشنبه مقابل بیمارستان دی تجمع کردند و شعارهایی چون «مرگ بر دیکتاتور» سر دادند. ویدئوهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که مأموران حکومتی برای متفرق کردن افراد تجمع کرده در مقابل این بیمارستان اقدام به تیراندازی و شلیک گاز اشک‌آور می‌کنند.

حسن رونقی شامگاه گذشته همچنین اطلاع داد: «حسین را ساعت ۳ از زندان به مقصد بیمارستان دی خارج کردند و بعد از گم کردن پدر و مادر تا ساعت ۳۰/۸ به بیمارستان آورده‌اند. در مدت بیش از ۵ ساعته حسین را کجا برده بودند و می‌خواستند چه بلایی سر حسین بیاورند. بگذارید پدر و مادر حسین را ببینند.» او همچنین در توییت دیگری که ساعتی بعد منتشر کرد نوشت: «حسین با هوشیاری کامل و بعد از حرف زدن با مادر ساعت ۳ ظهر به آمبولانس سوار شده است هر اتفاقی برای حسین بیافتد سناریوسازی بیش نیست. چرا که قصد کشتن حسین را دارند.»

گزارش‌های تکمیلی حاکی از آنست که حسین رونقی سپس از بیمارستان دی به بیمارستان سینا منتقل شده. شبکه ایران اینترنشنال گزارش داده که در بیمارستان و با وخیم تر شدن وضعیت قلبی این زندانی سیاسی، او را به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل کرده و برای او عملیات احیای قلبی انجام شده است. همچنین تصاویری از مادر و پدر حسین رونقی منتشر شده که بیرون از بیمارستان نگران وضعیت فرزند خود هستند. احمد رونقی که روزها برای کسب خبر در مورد وضعیت پسرش به مقابل زندان اوین می‌رفت، بر اساس گزارش‌ها، هفته پیش در آنجا «سکته» کرده بود که در نتیجه چند روز در بیمارستان بستری شد.

حسین رونقی در زمان بازداشت به دلیل ضرب و جرح توسط مأموران حکومتی دچار دررفتگی انگشت دست و شکستگی پا شد. او پس از بیش از یک ماه بلاتکلیفی در زندان و در حالی که از اعزام او به بیمارستان برای درمان جلوگیری می‌شد اقدام به اعتصاب غذای تر کرد. این فعال مدنی در پی اعتصاب غذا دچار خونریزی معده، مشکل کلیوی، آرتریتی قلب و نوسان شدید فشار خون شده بود. حسین رونقی پیش از یکسال پیش در مطلبی که در «وال استریت ژورنال» منتشر شد و بازتاب بسیار یافت به رسانه‌های غربی انتقاد کرده و به افشای گزارشگران از جمله ایرانی پرداخت که در آنها از وضعیت واقعی ایران نمی‌نویسند. وی خطاب به رسانه‌های غربی از جمله نوشته بود: «برای ما دو ایران وجود دارد. یکی «ایران واقعی» که ما در آن زندگی می‌کنیم و دیگری ایرانی که شما راجع به آن در رسانه‌ها می‌خوانید و می‌شنوید. ایران شما،

شیوه انتقال حسین رونقی به بیمارستان و عدم اجازه ملاقات با تماس خانواده با او نگرانی درباره سلامت این زندانی سیاسی را افزایش داده است.

● همسر مجید توکلی روز پنجشنبه ۱۹ آبان در توییتی اعلام کرد همسرش به زندان بزرگ تهران (فشافویه) منتقل شده است.

● روز گذشته ۱۲۶ هنرمند و فعال مدنی در بیانیه‌ای در حمایت از توماج صالحی، رپر معترض زندانی در ایران خواهان آزادی فوری او شدند.

● فاطمه سپهری پس از گذراندن مراحل بازجویی به بند زنان زندان وکیل‌آباد مشهد منتقل شد اما از صدور قرار وثیقه برای آزادی او خبری در دست نیست.

● جمهوری اسلامی تلاش دارد با سرکوب همه‌جانبه شهروندان، اعتراضات را پایان دهد اما تا کنون موفق نشده و مردم نه تنها با پایداری به مبارزه خود علیه جمهوری اسلامی ادامه می‌دهند بلکه فراخوان سراسری برای اعتصاب و اعتراض در سه روز ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ آبان به مناسبت سالگرد فاجعه‌ی خونین آبان ۹۸ اعلام کرده‌اند. به همین مناسبت و در پشتیبانی از اعتراضات آزادخواهانه مردم ایران، در خارج کشور نیز در کنار تجمعات و راهپیمایی‌هایی که روانه در کشورهای مختلف جریان دارد، یک تظاهرات سراسری در روز شنبه ۲۸ آبان برابر با ۱۹ نوامبر در ده‌ها کشور برگزار می‌شود. در هشتمین هفته از خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی فشار بر زندانیان سیاسی شناخته شده افزایش یافته است. حسین رونقی زندانی سیاسی در پی وخامت وضعیت جسمی به دلیل اعتصاب غذا به بیمارستان منتقل شده است.

وضعیت حسین رونقی

حسین رونقی فعال سیاسی و مدنی که اول مهرماه در مقابل دادسرای اوین بازداشت شد با گذشت بیش از هفت هفته با وخامت شرایط جسمی به دلیل اعتصاب غذا به بیمارستان منتقل شده اما تا بامداد روز دوشنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۱ خانواده وی موفق به دیدار یا شنیدن صدای او نشده‌اند. شیوه انتقال حسین رونقی به بیمارستان و عدم اجازه ملاقات با تماس خانواده با او نگرانی درباره سلامت این زندانی سیاسی را افزایش داده است.

حسن رونقی برادر حسین شامگاه یکشنبه در توییتی نوشت که قرار بود امروز «حسین را به بیمارستان دی ببرند. آمبولانس راه افتاده و مادر و پدرم هم دنبالش بودند که آمبولانس از دیدشان گم می‌شود.» او افزوده است: «مادر و پدرم تا الان منتظر بودند ولی حسین را به بیمارستان نیاوردند معلوم نیست حسین را کجا برده‌اند و جان حسین در خطر است.»



بهروز صوراسرافیل روزنامه‌نگار و همکار قدیمی کیهان لندن درگذشت

این روزنامه‌نگار پرشور و آزادیخواه و به شدت مخالف جمهوری اسلامی در لس‌آنجلس نیز به اجرای برنامه‌های تند براندازی و روشنگری و مبارزه با رژیم اسلامی در ایران در چند رسانه از جمله تلویزیون «آزادی» و «پارس» ادامه داد. او پس از بسته شدن تلویزیون آزادی به استخدام تلویزیون صدای آمریکا درآمد و به دعوت کامبیز محمودی مدت ده سال در آن رسانه به کار مشغول بود و مسئولیت برنامه هزی «شباهنگ» را بر عهده داشت. پس از آن بازنشسته شد و پس از مدتی بیمار گشت. وی سردبیر و مسیول برنامه شباهنگ صدای آمریکا در واشنگتن بود که متأسفانه بازنشسته شد و بعلت بیماری چندین سال در خلوت خود زندگی کرد.

در امرداد ۱۴۰۱ در حالی که بیماری وی تشدید و حالش وخیم بود، همکاران وی برنامه بزرگداشتی برای وی برگزار کردند. بهروز صوراسرافیل در گفتگویی که در سال ۲۰۰۷ وبسایت «بی‌بی‌سی فارسی» با چند اهل تلویزیون درباره «تلویزیون‌های لس‌آنجلسی» داشت در پاسخ به این پرسش که «خیلی‌ها از شما و دیگران ایراد می‌گیرند که از واقعیت‌های داخل ایران دورید، می‌گویند خودتان در لس‌آنجلس نشستید و می‌گویند که به خیابان‌ها بریزند در داخل ایران، چه پاسخی به این ایراد دارید؟» گفته بود: «کسی که مبارزه می‌کند خواست خودش را بیان می‌کند، بنده دلم می‌خواهد که مردم ایران قیام نکنند، دلم می‌خواهد که این حکومت را سرنگون کنند و دلم می‌خواهد که حکومت دیگری در ایران جایش بگذارند، مردم ایران هم به حرف من گوش نمی‌کنند همچنانکه تا به حال نکرده‌اند، اگر یک‌روزی ببینند که به نفع‌شان است لابد خواهند کرد و آن وقت حرف مرا گوش می‌دهند، اگر هم به صرفشان نیست مثل همین الان گوش نمی‌دهند. خود بنده هم اگر ایران بودم همینطور بودم اگر کسی از خارج حرفی می‌زد حتی اگر حرفش را می‌پسندیدم خوب می‌دیدم الان عملی نیست و ضررش بیشتر از منفعت‌اش است دلم خنک می‌شد ولی گوش نمی‌دادم ولی این گناهی بر بنده نیست، بالاخره به خاطر اینکه مردم در ایران با روزنامه‌های ایران ممکن است به ریش بنده بخندند نمی‌توانم بگویم نه بابا اگر توانستید هم الان قیام نکنید ولی به ریش من نخندید!»

بهروز صوراسرافیل چهارشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۱ (۹ نوامبر ۲۰۲۲) در بیمارستانی در ویرجینیای آمریکا در ۷۲ سالگی درگذشت و مانند تا سرانجام انقلابی را که اینهمه سال درباره آن سخن می‌گفت و می‌نوشت ببیند.

شاهزاده رضا پهلوی در پیامی کوتاه با انتشار بخش‌هایی از سخنان صوراسرافیل که توسط تلویزیون «منوتو» بازنشر شده، یاد این روزنامه‌نگار عاشق آزادی و وطن را گرامی داشت: «با یاد و نام بهروز صوراسرافیل گرامی که برای ایران زندگی و مبارزه کرد و دور از وطنی که به آن عشق می‌ورزید، از جمع ما رفت.» کیهان‌لندن درگذشت بهروز صوراسرافیل را به خانواده و دوستان وی و همچنین جامعه روزنامه‌نگاری ایران تسلیت می‌گوید.

● صوراسرافیل در تمام سال‌های زندگی تبعید در کنار حرفه روزنامه‌نگاری در فعالیت‌های مبارزاتی علیه رژیم اسلامی در ایران فعالیت مستمر داشت. وی در سال ۱۹۹۶ نشریه «صوراسرافیل» را که توسط پدر بزرگ وی در دوره انقلاب مشروطه منتشر می‌شد از سر گرفت و در همان دوران از پاریس به واشنگتن و سپس لس‌آنجلس نقل مکان کرد.

● بهروز صوراسرافیل چهارشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۱ (۹ نوامبر ۲۰۲۲) در بیمارستانی در ویرجینیای آمریکا در ۷۲ سالگی درگذشت و مانند تا سرانجام انقلابی را که اینهمه سال درباره آن سخن می‌گفت و می‌نوشت ببیند.

بهروز صوراسرافیل روزنامه‌نگار قدیمی و آزادیخواهی که مخالفت سرسختانه با جمهوری اسلامی زبان و قلم وی را شاخص می‌کرد، چهارشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۱ پس از یک دوره بیماری طولانی در بیمارستانی در آمریکا درگذشت.

بهروز صوراسرافیل متولد بهمن‌ماه ۱۳۲۹ بود. در رشته زمین‌شناسی از دانشگاه شیراز فارغ‌التحصیل شد و با نقد هزی کارش را در رسانه‌های ایران آغاز کرد و بعدها در روزنامه آیندگان در زمینه هنر به قلم زدن پرداخت.

وی همچنین در بنیاد شهبانو فرح پهلوی در همین حوزه مشغول به کار شد و مهماندار نقاش معروف اندی وارهول در سفر وی به ایران بود. قبل از انقلاب سردبیری چند نشریه از جمله نشریه فرهنگی آیندگان را بر عهده داشت.

پس از انقلاب مانند بسیاری از فعالان فرهنگی و هنری مجبور به ترک کشور شد و به فرانسه عزیمت کرد. از زمان ترک وطن تمام تمرکز کاری خود را معطوف به مبارزه علیه جمهوری اسلامی نمود. در همان سال اول بعد از انقلاب با آزاده شفیق دختر شاهدخت اشرف پهلوی همکاری را آغاز کرد و در نشریه سیاسی «ایران آزاد» به تحلیل سیاسی و نقد جمهوری اسلامی پرداخت.

پس از درگذشت آزاده شفیق بر اثر بیماری، بهروز صوراسرافیل به همکاری با دکتر شاهین فاطمی در نشریه «ایران و جهان» پرداخت. همچنین با انتشار کیهان لندن به دعوت دکتر مصطفی مصباح زاده با این نشریه هفتگی به همکاری پرداخت و به اسامی مختلف از جمله «کنانه سلطانی» در دفاع از حقوق زنان و «نوید بوستانی» با طنزی بُرنده در این روزنامه‌ی ایرانی قلم می‌زد. تحلیل‌های سیاسی خود را با نام اصلی می‌نوشت. مطالب وی که عضو هیئت تحریریه کیهان لندن بود از پرخواننده‌ترین مطالب این روزنامه به شمار می‌رفت.

صوراسرافیل در تمام سال‌های زندگی تبعید در کنار حرفه روزنامه‌نگاری در فعالیت‌های مبارزاتی علیه رژیم اسلامی در ایران فعالیت مستمر داشت. وی در سال ۱۹۹۶ نشریه «صوراسرافیل» را که توسط پدر بزرگ وی در دوره انقلاب مشروطه منتشر می‌شد از سر گرفت و در همان دوران از پاریس به واشنگتن و سپس لس‌آنجلس نقل مکان کرد.

→ او خوب بوده فقط کوفتگی ناشی از ضرب و جرح داشته و گفته «اراده‌ای» برای آزاد کردنش وجود ندارد.

بی‌خبری از توماج صالحی

از سوی دیگر از وضعیت توماج صالحی خواننده که هشتم آبان بازداشت شده خبری در دست نیست و نگرانی‌ها درباره سرنوشت این هنرمند افزایش می‌یابد. پس از بازداشت توماج صالحی، سید محمد موسویان داستان اصفهان درباره جزئیات پرونده او به خبرنگاری کار ایران (ایلنا) گفته بود که «این فرد شب گذشته به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام، همکاری با دولت‌های متخاصم و تشکیل گروه غیرقانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور با نیابت قضایی در یکی از استان‌های کشور دستگیر شد.»

دادستان اصفهان افزوده بود توماج در حال حاضر با صدور قرار تحت نظر شعبه بازپرسی قرار دارد. دادستان اصفهان همچنین مدعی شد که این خواننده «در ایجاد اغتشاشات و دعوت و تشویق به اغتشاش و آشوب‌های اخیر در استان اصفهان و در شهرستان شاهین شهر نقش کلیدی داشته است». روز گذشته ۱۲۶ هنرمند و فعال مدنی در بیانیه‌ای در حمایت از توماج صالحی، رپر معترض زندانی در ایران خواهان آزادی فوری او شدند. در این بیانیه آمده که «توماج صدای مردم است و ندای ملت خاموش نمی‌شود. اکنون صدای او باشیم، که اگر آزاد بود بر شکنجه‌ها و احکام اعدام معترضان می‌خروشید و رهایی‌شان را طلب می‌کرد.»

امضاکنندگان این نامه با نگرانی از وضعیت توماج صالحی می‌گویند: «جسم و جان توماج را نشانه رفته‌اند، به انتقام اینکه بانگ رسای مردم بوده است. شکنجه و مجازات توماج، خطر قرمز ماست. توماج باید آزاد شود.»

فاطمه سپهری را نیز آزاد می‌کنند

فاطمه سپهری فعال مدنی نیز از جمله دیگر فعالان مدنی بازداشت شده در مهرماه امسال است. او که از امضاکنندگان بیانیه درخواست استعفای علی خامنه‌ای و عبور از جمهوری اسلامی معروف به بیانیه ۱۴ نفر بود، روز دوشنبه ۲ آبان ماه ۱۴۰۱ پس از گذراندن مراحل بازجویی به بند زنان زندان وکیل‌آباد مشهد منتقل شد اما از صدور قرار وثیقه برای آزادی او خبری در دست نیست. خبرگزاری هرا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در تازه‌ترین گزارش خود درباره جانب‌اختگان و بازداشت‌شدگان خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی اعلام کرده ۳۳۹ تن در حد فاصل ۲۶ شهریور تا ۲۱ آبان سال جاری توسط مأموران جمهوری اسلامی کشته شده‌اند و در میان آنان ۵۲ کودک دیده می‌شوند که ۲ تن از آنها در روز شنبه ۲۱ آبان جان باخته‌اند.

بر اساس این گزارش، در این بازه زمانی ۱۵ هزار و ۳۴۵ تن از معترضان بازداشت شده‌اند که هویت یک هزار و ۹۸۱ تن از آنها مشخص شده است. همچنین در این مدت ۴۴۲ دانشجو از ۱۳۷ دانشگاه معترض کشور بازداشت شده‌اند و شمار شهرهای اعتراضی هم به ۱۴۰ شهر افزایش یافته است.

اینهمه در حالیست که هر روز خبرهایی از بازداشت شهروندان در شهرهای مختلف منتشر می‌شود. جمهوری اسلامی تلاش دارد با سرکوب همه‌جانبه شهروندان، اعتراضات را پایان دهد اما تا کنون موفق نشده و مردم نه تنها با پایداری به مبارزه خود علیه جمهوری اسلامی ادامه می‌دهند بلکه فراخوان سراسری برای اعتصاب و اعتراض در سه روز ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ آبان به مناسبت سالگرد فاجعه‌ی خونین آبان‌۹۸ اعلام کرده‌اند. به همین مناسبت و در پشتیبانی از اعتراضات آزادیخواهانه مردم ایران، در خارج کشور نیز در کنار تجمعات و راهپیمایی‌هایی که روانه در کشورهای مختلف جریان دارد، یک تظاهرات سراسری در روز شنبه ۲۸ آبان برابر با ۱۹ نوامبر در ده‌ها کشور برگزار می‌شود.



دیدار ابراهیم رئیسی با نیکلای پاتروشف

آیا روس‌ها جمهوری اسلامی را قربانی تبانی با غربی‌ها می‌کنند؟

ایران را قربانی تبانی با غرب می‌کند. او توضیح داده «روسیه یکی از بزرگترین مصادیق نقض منشور سازمان ملل متحد را با تجاوز به خاک اوکراین مرتکب شد، الان به گونه‌ای وضعیت را مدیریت می‌کند که کشورهای اروپایی و حتی اوکراین درخواست مذاکره با روسیه را دارند اما همزمان غربی‌ها ایران را به عنوان متهم این جنگ زیر سؤال می‌برند، بدون آنکه ایران بهره‌ای از این جنگ برده باشد.»

نعمت‌الله ایزدی سفیر پیشین جمهوری اسلامی در مسکو نیز درباره دخالت در جنگ اوکراین می‌گوید: «به نظر می‌رسد ما مغلوب یک عملیات فریب از جانب روسیه شده باشیم که به نظر من به هیچ عنوان تأمین‌کننده منافع ملی ما نیست.»

او با اشاره به اینکه روسیه «منافع خود را فدای منافع ما نمی‌کند گفت «جنگ اوکراین ارتباطی با برجام نداشت، اما وقتی این توافق و مذاکرات آن به موضوع فروش پپاها به روسیه گره می‌خورد، منافع ملی ما را هدف قرار داده که باید در این مسئله از مقامات روسیه طلبکار باشیم که ما را در جنگ اوکراین دخیل کرده‌اند.» این سخنان در حالیست که جمهوری اسلامی به روسیه پپادهایی را برای استفاده در جنگ علیه اوکراین ارسال کرده است.

تحلیلگران اغلب روابط جمهوری اسلامی و روسیه را در مقطع فعلی بر اساس پشتیبانی و همکاری نظامی طرفین در جنگ اوکراین تفسیر می‌کنند اما در بعضی گزارش‌ها نیم‌نگاهی نیز به تحولات داخلی ایران و تداوم خیزش مردم علیه حکومت انداخته می‌شود. منابع غیررسمی می‌گویند در دو ماه گذشته افزایش تعداد پروازهای مسافربری میان تهران به دو فرودگاه مسکو با هواپیماهای «ماهان ایر» اصلاً عادی نیست و این احتمال وجود دارد که مسافران آنها خانواده‌های مسئولان رده‌های مختلف جمهوری اسلامی باشند که از ایران به دامن روسیه یا «برادر بزرگ» فرار می‌کنند.

شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی دیدار کرد. رسانه‌های حکومتی مدعی شدند در این دیدار «طیف وسیعی از مسائل سیاسی و اقتصادی در راستای توسعه روابط دوجانبه و همکاری‌های بین‌المللی» به بحث گذاشته شد اما روابط عمومی شورای امنیت ملی روسیه هدف از سفر پاتروشف را «ادامه رایزنی‌های مستمر امنیتی» اعلام کرد و افزود که ماه پیش هم در همین چارچوب «یک جلسه امنیت اطلاعات سایبری» به ریاست الک خراموف معاون دبیر شورای امنیت ملی روسیه در تهران برگزار شده بود.

در همین ارتباط، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا از سفر به ایران و کمک احتمالی مسکو به تهران برای سرکوب خیزش انقلابی ایرانیان علیه جمهوری اسلامی، ابراز نگرانی کرد. ند پرایس تأکید کرد که هر دو کشور «متأسفانه تجربه زیادی در زمینه سرکوب دارند.»

روزنامه «اورشلیم پست» در همین ارتباط چنین تحلیل کرده که کاملاً قطعی است بعد از حمایت آمریکا از اوکراین پوتین به دنبال انتقام است و روی جمهوری اسلامی و کره شمالی برای اینکه در چند جبهه وضعیت جنگی به آمریکا تحمیل کند حساب باز کرده است. در این تحلیل تأکید شده روسیه باید کیم جونگ اون رئیس جمهوری کره شمالی و ملاها را متقاعد کرده باشد که آنها توانایی ضربه زدن یا محدود کردن منابع نظامی آمریکا را دارند.

در بخشی از این مقاله با اشاره به «پیوند راهبردی» جمهوری اسلامی و کره شمالی آمده است، تهران و پیونگ یانگ آگاه‌اند که مقاومت هر کدام از آنها در برابر آمریکا توانایی دیگری را در برابر آمریکا تقویت می‌کند.

درواقع ملتهب شدن خاورمیانه یا شبه جزیره کره هر دو تأمین‌کننده منافع جمهوری اسلامی و کره شمالی در مقابل آمریکاست.

با اینهمه حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «روسیه منافع

● روزنامه «اورشلیم پست» در تحلیلی می‌نویسد کاملاً قطعی است که بعد از حمایت آمریکا از اوکراین پوتین به دنبال انتقام است و روی جمهوری اسلامی و کره شمالی برای اینکه در چند جبهه وضعیت جنگی به آمریکا تحمیل کند حساب باز کرده است.

● حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «روسیه به گونه‌ای وضعیت را مدیریت می‌کند که کشورهای اروپایی و حتی اوکراین درخواست مذاکره با روسیه را دارند اما همزمان غربی‌ها ایران را به عنوان متهم این جنگ زیر سؤال می‌برند، بدون آنکه ایران بهره‌ای از این جنگ برده باشد.»

● نعمت‌الله ایزدی سفیر پیشین جمهوری اسلامی در مسکو نیز درباره دخالت در جنگ اوکراین می‌گوید: «به نظر می‌رسد ما مغلوب یک عملیات فریب از جانب روسیه شده باشیم که به نظر من به هیچ عنوان تأمین‌کننده منافع ملی ما نیست.»

● منابع غیررسمی می‌گویند در دو ماه گذشته افزایش تعداد پروازهای مسافربری میان تهران به دو فرودگاه مسکو با هواپیماهای «ماهان ایر» اصلاً عادی نیست و این احتمال وجود دارد که مسافران آنها خانواده‌های مسئولان رده‌های مختلف جمهوری اسلامی باشند که از ایران به دامن روسیه یا «برادر بزرگ» فرار می‌کنند.

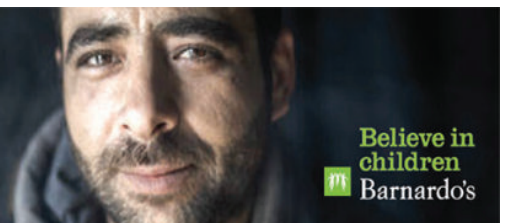
ولادیمیر پوتین و ابراهیم رئیسی شنبه ۱۲ اکتبر (۲۱ آبان) به صورت تلفنی درباره افزایش روابط روسیه و جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف از جمله مسائل لجستیک و تدارکاتی گفتگو کردند و قرار شده تماس میان آنها افزایش یابد! همزمان در ایران شماری از عوامل حکومت در مورد اینکه جمهوری اسلامی قربانی منافع روسیه شود هشدار داده‌اند آنهم در حالی که این اتفاق قبلاً افتاده است!

سه روز پیش از این تماس، نیکلای پاتروشف دبیر شورای امنیت ملی روسیه به تهران سفر کرد و با علی شمخانی دبیر

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده

با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:
۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵
تماس بگیرید.



اینکه فوریت رسیدگی این حق را تضمین کند؛ موجب تردید و نگرانی جدی ماست.»

از سوی دیگر تمام بازداشتی‌های خیزش ملی در هشت هفته گذشته، با اتهام امنیتی بازداشت شده‌اند و طبق تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری امکان دسترسی به وکلای «خودی» و مورد تأیید رئیس قوه قضائیه است. این موضوع درباره سینماگرانی که مرتبط با خیزش ملی بازداشت و با پرونده قضایی روبرو شدند نیز صدق می‌کند. علیرضا حسینی معتقد است که «فی‌شود چون کسی حرفی زد شدیدترین حکم‌ها برایش صادر شود! این مملکت برای ۸۰ میلیون آدم است. تمرین دموکراسی در ایران سابقه خوبی ندارد. شاید ادای آن را درآوریم ولی تمرین دموکراسی در ایران نبوده، اگر کسی مخالف حرف بزند به من بر خواهد خورد و این بد است. امیدوار هستیم که وفاق همگانی رخ دهد تا همه به آرامش برسند. جامعه احساس خستگی دارد، من فعلاً فقط می‌توانم همین را بگویم.»

هدیه تهرانی، کتابون ریاحی، اصغر فرهادی، مسعود کیمیایی، مریم یوبانی، حامد بهداد، سروش صحت، هومن سیدی، مهران مدیری، پارسا پیروفر، شهاب حسینی، عادل فردوسی‌پور، رامبد جوان، باران کوثری، پریناز ایزدیار، احسان کرمی، علی شادمان، همایون غنی‌زاده، بهنوش طباطبایی، طناز طباطبایی، پانته‌آ بهرام، نازنین بیاتی، احمد مهرانفر، سحر دولتشاهی، در شبکه‌های اجتماعی با انتشار ویدئو و یا نوشتارهایی حمایت خود را از مردم معترض ایران نشان داده‌اند.

همچنین همراه امسال شماری از سینماگران ساکن داخل و خارج ایران از جمله بهرام بیضایی، بهمن قبادی، پرویز کیمیایی، علی عباسی، عبدالرضا کاهانی، زهرا امیرابراهیمی، مژده شمسایی، منیژه حکمت، پگاه آهنگرانی، در یک بیانیه مشترک تحت عنوان «به حرمت و شکوه» زن «به نام گوهر آزادی» به سرکوب معترضان توسط نیروهای امنیتی و لباس‌شخصی واکنش نشان دادند.

در این بیانیه امضاکنندگان صدای راستین ایران را «صدای جوانان غیوری» خواندند که «به حرمت و شکوه «زن» به نام گوهر «آزادی» به خیابان‌ها آمده‌اند». در ادامه همچنین با اشاره به اینکه «فریاد خروشان مردم خشمگین و عصیان‌زده از سال‌ها دروغ، دزدی، فساد، سرکوب، تجاوز و سانسور، واقعیت انکارناپذیر روزگار ما که دیگر توان تحملش به سر آمده» آمده است: «سینماگر مستقل وظیفه‌ای ندارد جز در کنار مردم ایستادن و به تصویر کشیدن حقایق سرکوب شده و شکست ساختارها و چارچوب‌های تحمیل شده.»

امضاکنندگان با اشاره به سرکوب معترضان توسط نیروهای سرکوبگر نوشتند: «دیگر بار به همه افرادی که در یگان‌های نظامی تبدیل به عامل سرکوب و خشونت علیه مردم شده‌اند یادآوری می‌کنیم این تفنگ‌ها با سرمایه‌ی این مردم برای دفاع از خودشان در اختیارشان قرار گرفته، اسلحه به سمت مردم و جوانان ایران نگیرید. به آغوش ملت باز گردید.»

اینهمه در حالیست که پیش از آغاز اعتراضات سراسری و در امرداد امسال محمد خزاعی رئیس سازمان سینمایی وزارت ارشاد از تهیه فهرستی از سینماگران ایران خبر داد که قرار است به دلایل گوناگون از فعالیت در حوزه کاری خود منع شوند.

همزمان محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، از اقدام سازمان سینمایی ایران برای تهیه فهرست هنرمندان ممنوع‌شده از کار دفاع کرد و بار دیگر هنرمندان را تهدید کرد که اگر «خلاف منافع ملی کار کنند» یا علیه جمهوری اسلامی سخن بگویند، به ممنوعیت فعالیت هنری محکوم خواهند شد.

«خانه سینما» از بازداشت و یا ممنوع‌الخروج شدن ۱۰۰ هنرمند در دو ماه گذشته خبر داد



علیرضا حسینی عضو هیئت مدیره خانه سینما و نماینده هیئت مدیره در کمیته حمایت حقوقی و قضایی از هنرمندان و سینماگران نیز گفته که «برای حفظ حقوق بازداشت‌شدگان» اسم آنها را منتشر نمی‌کند اما توضیح داده که «۱۰۰ مستندساز از قیل بخاطر سفرها و شرکت در وُرشاپ درگیر دادگاه بودند و شش نفر هم به خاطر بیانیه در لیست هستند و ۲۶ نفر از اعضای خانه تئاتر و موسیقی هم در لیست حضور دارند. تعدادی از دستگیرشدگان نویسنده، دستیار فیلمبردار و سازنده فیلم کوتاه و مستندساز هستند. اکثراً جوانند و متأسفانه دچار پرونده قضایی شده‌اند.»

مهدی کوهیان عضو دیگر کمیته حمایت حقوقی از سینماگران نیز با بیان اینکه هنوز لیست دقیقی از تعداد ممنوع‌الکارها وجود ندارد، گفته که «ممنوع‌الکاری را به کسی اعلام نمی‌کنند. احتمال دارد تعداد ممنوع‌الکارها بیشتر باشد و ما هنوز اطلاع نداریم. الان کاری تولید نمی‌شود که بتوان متوجه شد، چه کسی ممنوع‌الکار است. ولی می‌دانیم که قراردادهای عده‌ای را لغو کرده‌اند و چند نفری هستند که اجازه ادامه همکاری ندارند.»

اعضای این کمیته با بیان اینکه سرعت رسیدگی به پرونده هنرمندانی که پرونده قضایی دارند و یا همچنان در بازداشت هستند طی روزهای گذشته کاهش قابل توجهی داشته و گُند شده است. این موضوع در کنار تردید نسبت به «عادلانه» و «بی‌طرف» بودن روند دادرسی و مقامات دادگاه سبب نگرانی این فعالان صنفی شده است.

مهدی کوهیان در اینباره گفته که «اصل برائت، اصل دادرسی توسط مقام بی‌طرف، اصل علنی بودن دادرسی، اصل دسترسی به سکوت و ... همه از مصادیق حق دادرسی عادلانه است که خود یکی از حقوق بنیادین بشری است و نظام حقوقی حاکم بر ایران هم آن را به رسمیت می‌شناسد.

● طی دو ماه گذشته شماری از سینماگران به دلیل حمایت از خیزش مردمی علیه جمهوری اسلامی احضار و ممنوع‌الخروج شدند و قرارداد شماری از آنها نیز فسخ شده است.

● عضو کمیته حمایت حقوقی و قضایی از سینماگران، نداشتن وکیل در مرحله دادرسی را یکی از نگرانی‌های موجود برای بازداشت‌شدگان دانست و آن را «ناقض حق دسترسی آزاد متهم به وکیل» توصیف کرد.

در هشتمین هفته از انقلاب مردم ایران، خانه سینما اعلام کرده صد سینماگر در این مدت ممنوع‌الخروج و یا بازداشت شدند. این نهاد صنفی کمیته‌ای برای حمایت از هنرمندانی که زیر فشار امنیتی و قضایی تشکیل داده است.

از ابتدای خیزش ملی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی که از ۲۶ شهریور و در پی جان باختن مهسا امینی بر اثر ضرب و جرح مأموران گشت ارشاد آغاز شد، شماری از سینماگران در شبکه‌های اجتماعی به حمایت از خیزش مردمی پرداختند. برخی از سینماگران زن نیز با برداشتن حجاب با مردم همراهی کردند. نهادهای امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی، در کنار سرکوب‌های همه‌جانبه مردم فشارهایی را نیز به سینماگران وارد کرده است.

طی دو ماه گذشته خبرهایی درباره احضار و ممنوع‌الخروج شدن و ضبط پاسپورت سینماگران منتشر شده و بر اساس گزارش‌ها قرارداد عده‌ای از سینماگران فسخ شده است. علیرضا حسینی عضو هیئت مدیره خانه سینما نیز گفته که «تعدادی از بازیگران مشهور و کارگردان‌ها ممنوع‌الخروج شده‌اند.

شماری از سینماگران از جمله مژگان ایلانلو مستندساز و کتابون ریاحی بازیگر از هنرمندانی هستند که در بازداشت بسر می‌برند. گزارش‌هایی که پیش از این منتشر شده نشان می‌دهند هنرمندان بازداشت شده مانند دیگر بازداشت‌شدگان اخیر در شهر تهران، در زندان‌های اوین، قشاقویه، قرچک محبوس هستند.

روزنامه «شرق» روز دوشنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۱ در گفتگو با چند تن از اعضای کمیته حمایت حقوقی از سینماگران به بازتاب وضعیت هنرمندانی پرداخته که از ابتدای خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی تا کنون ممنوع‌الخروج، احضار و یا بازداشت شده‌اند.

همایون اسعدیان، علیرضا حسینی، مهدی کوهیان، علی مردانه و نغمه دانش آشتیانی اعضای این کمیته هستند که به گزارش «شرق» برای حمایت حقوقی و قضایی از سینماگران که در وقایع اخیر یا قبل از آن احضار، ممنوع‌الخروج، ممنوع‌الکار و یا بازداشت و زندانی شده‌اند، تشکیل شده است. بر این اساس و با همکاری خانه تئاتر و موسیقی لیستی ۱۰۰ نفره از هنرمندان ممنوع‌الخروج و بازداشتی تهیه کرده و خبر از ممنوع‌الخروجی اکثر بازیگران مشهور و کارگردان‌ها می‌دهد.

همایون اسعدیان کارگردان سینما درباره فرایند کار و اقدامات این کمیته به عنوان نماینده صنفی هنرمندان گفته که «مرحله اول جمع‌آوری اطلاعات بود. می‌خواستیم بدانیم برای چه کسانی مشکل پیش آمده است. به دوستان صنوف اطلاع دادیم که هر موردی هست را به ما اطلاع بدهند. لیستی از وضعیت و مکان‌شان تهیه شد. دوستان ما ارتباطات قضایی برقرار کردند تا حداقل بفهمیم کسی که دستگیر شده الان در چه وضعیتی است. اگر امکان‌ش هست بتوانیم شرایط آزادی‌شان را فراهم کنیم یا از طریق وکلا از جهت حقوقی هم به خانواده‌ها کمک کنیم تا بدانند چگونه باید برخورد کنند و چه کار باید انجام دهند.

قوه قضاییه از صدور حکم اعدام برای سه تن از بازداشت شدگان اعتراضات اخیر خبر داد

حسین فاضلی هریکندی رئیس کل دادگستری استان البرز نیز روز شنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۱ از صدور کیفرخواست برای ۱۱ شهروند شامل ۱۰ مرد و یک زن خبر داده بود. این شهروندان در ارتباط با پرونده کشته شدن یک بسیجی با اتهاماتی همچون «فساد فی الارض» روبرو شده‌اند.

وارد آوردن اتهامات سنگین برای شهروندانی که در اعتراضات بازداشت شده‌اند با واکنش‌های بین‌المللی روبرو شده است. بر اساس اعلام مقامات حکومتی برای هزاران نفر پرونده قضایی تشکیل شده و برگزاری دادگاه‌ها نیز در چند شهر آغاز شده است. محمدجعفر منتظری دادستان کل کشور نیز روز یکشنبه ۲۲ آبان‌ماه از برگزاری دادگاه‌ها برای شمار بیشتری از معترضان بازداشت شده خبر داد و گفت که دادگاه برخی از بازداشت‌شدگان اعتراضات برگزار شده که «ممکن است بخشی از این دادگاه‌ها رسانه‌ای شود».

مقامات قضایی جمهوری اسلامی از صدور بیش از ۷۵۰ کیفرخواست برای معترض بازداشتی فقط در سه استان ایران خبر داده‌اند. عبدالمهدی موسوی رئیس کل دادگستری استان مرکزی روز یکشنبه اعلام کرد ۲۷۶ نفر از معترضان دستگیر شده این استان «مجرم تشخیص داده شدند».

مجتبی قهرمانی رئیس کل دادگستری هرمزگان از صدور کیفرخواست برای ۱۶۴ تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری کنونی در این استان خبر داد. او «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور، فعالیت تبلیغی علیه نظام، اخلال در نظم عمومی، اغتشاش و تحریک مؤثر به قتل، تهمد تأوم با ضرب و جرح مأموران و تخریب و تحریق اموال عمومی و دولتی» را از اتهامات این شهروندان اعلام کرد.

اسدالله جعفری رئیس کل دادگستری استان اصفهان نیز از صدور ۳۱۶ فقره کیفرخواست در خصوص بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر در این استان خبر داد. همچنین به گفته وی برای ۱۲ شهروند بازداشت شده در جریان اعتراضات حکم صادر شده است.

پیش از این در هفته گذشته علی القاصی مهر رئیس کل دادگستری استان تهران اعلام کرده بود که تا کنون حدود هزار کیفرخواست برای معترضان دستگیر شده در اعتراضات تهران صادر شده. علی القاصی مهر مردم معترضی را که در اعتراضات خیابانی شرکت کرده و بازداشت شده‌اند «آشوبگر» و «اغتشاشگر» نامیده و مدعی شده شماری از بازداشت‌شدگان «دارای اتهامات سنگینی از جمله ضرب و جرح یا به شهادت رساندن مأموران حافظ امنیت، به آتش کشیدن اموال عمومی و تعرض به نوامیس مردم» هستند.

دفتر کمیساری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد سه‌شنبه ۲۴ آبان در بیانیه‌ای خواستار آزادی فوری هزاران نفری شد که به دلیل مشارکت در تظاهرات مسالمت‌آمیز در ایران بازداشت شده‌اند.

در این بیانیه که در وبسایت رسمی کمیساری حقوق بشر سازمان ملل منتشر شده، با اشاره به صدور کیفرخواست علیه بیش از ۱۰۰۰ نفر از در تهران و صدها نفر در سایر نقاط ایران آمده است: «ما از مقامات جمهوری اسلامی می‌خواهیم فوراً همه کسانی را که در ارتباط با تظاهرات مسالمت‌آمیز بازداشت شده‌اند آزاد کرده و اتهامات سنگین علیه آنها را لغو کنند. قوانین حقوق بشری از حق مردم برای تجمع مسالمت‌آمیز و آزادی بیان حمایت می‌کند».



به بستان خیابان، جلوگیری از تردد وسایل نقلیه و ایجاد رعب و وحشت و همچنین آسیب زدن به اموال عمومی نموده بود و در این زمینه ها نقش هدایتگری داشت به اتهامات محاربه به مجازات اعدام محکوم شد».

پیش از این نیز صدور اتهاماتی چون «محاربه» و «فساد فی الارض» برای چند تن از بازداشت‌شدگان در شهرهای مختلف، نگرانی‌ها را در مورد خطر صدور حکم اعدام علیه معترضان افزایش داده بود.

خبرگزاری قوه قضاییه نام متهمانی را که به اعدام محکوم شده‌اند اعلام نکرده اما یکی از متهمانی که با اتهام «محاربه» روبرو شده و در خطر اعدام قرار داشت، پرهام پروری بود که در اعتراضات تهران بازداشت شده است.

پدر پرهام روز یکشنبه ۲۲ آبان در پیامی ویدیویی اعلام کرد که فرزندش در حال بازگشت از محل کار «به شلوغی‌ها» برخورد و بازداشت شده است. او اتهام «محاربه» را سزاوار فرزندش ندانسته و از سازمان‌ها و نهادهای داخلی و بین‌المللی حقوق بشری کمک خواسته است. پرهام پروری تک‌فرزند خانواده دانش‌آموخته رشته مهندسی و شاغل در یک شرکت فنی در تهران و همچنین قهرمان و مربی شنا است.

پیش از این، کانون حقوق بشر ایران هشدار داده بود که ۹ تن از دستگیرشدگان اعتراضات سراسری که روز شنبه ۲۱ آبان اولین جلسه دادگاهشان برگزار شد، در خطر صدور حکم اعدام قرار دارند. این نهاد نام این افراد را محمد قبادلو، سامان صیدی، محسن رضازاده قراقلو، سعید شیرازی، محمد بروغنی، ابوالفضل مهری، حسین حاجیلو، منوچهر مهمان‌نواز و سهیل خوشدل اعلام کرده است.

● مرکز رسانه قوه قضاییه: حکم بدوی سه نفر دیگر از اغتشاشگران در ادامه رسیدگی به پرونده اغتشاشگران و برهم‌زنندگان امنیت در دادگاه انقلاب تهران صادر شد.

● دفتر کمیساری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد سه‌شنبه ۲۴ آبان در بیانیه‌ای خواستار آزادی فوری هزاران نفری شد که به دلیل مشارکت در تظاهرات مسالمت‌آمیز در ایران بازداشت شده‌اند.

مرکز رسانه قوه قضاییه از صدور حکم اعدام برای سه تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری اخیر خبر داد. پیشتر نیز صدور اتهاماتی چون «محاربه» و «فساد فی الارض» برای بازداشت‌شدگان از خطر صدور احکام اعدام برای شهروندان معترض حکایت داشت.

خبرگزاری میزان، مرکز رسانه قوه قضاییه، امروز چهارشنبه ۲۵ آبان ۱۴۰۱ در گزارشی اعلام کرد که «حکم بدوی سه نفر دیگر از اغتشاشگران در ادامه رسیدگی به پرونده اغتشاشگران و برهم‌زنندگان امنیت در دادگاه انقلاب تهران صادر شد».

قوه قضائیه مدعی شده که یکی از متهمان «به صورت عمد و با قصد جان مأمورین نیروی انتظامی، با خودرو سواری خود به سرعت به مأمورین هجوم برده و در اثر برخورد با آنها یک پلیس را به شهادت رسانده و تعدادی را نیز مجروح کرده».

بر اساس این گزارش، قوه قضاییه متهم دیگری را به «کشیدن سلاح سرد و حمله مسلحانه از طریق جرح عمدی با چاقو به یکی از مأموران» و «به آتش کشیدن فرمانداری شهرستان پاکدشت و تخریب اموال آن» به محاربه محکوم کرده است.

در یکی از احکام صادر شده توسط دادگاه انقلاب تهران آمده است، «فردی که در اقدامی تروریستی به صورت عمد و با قصد جان مأمورین نیروی انتظامی، با خودرو سواری خود به سرعت به مأمورین هجوم برده و در اثر برخورد با آنها یک پلیس را به شهادت رسانده و تعدادی را نیز مجروح نموده بود پس از اعترافات صریح خودش مبنی بر ارتکاب جرم در دادگاه و مستندات مستدل موجود در پرونده به افساد فی الارض از طریق جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، تخریب و اقدام علیه امنیت ملی کشور که منجر به اخلال در نظم عمومی و ناامنی در کشور و وارد کردن خسارت به افراد و اموال عمومی متهم و به اعدام محکوم شد».

در ادامه این گزارش آمده «بر اساس دادنامه دیگر صادر شده از سوی دادگاه انقلاب تهران، متهمی که با کشیدن سلاح سرد و حمله مسلحانه از طریق جرح عمدی با چاقو به یکی از مأموران حافظ امنیت به قصد جان وی، ایجاد رعب و وحشت برای شهروندان و ناامنی در محیط و به آتش کشیدن فرمانداری شهرستان پاکدشت و تخریب اموال آن به اتهام محاربه محاکمه شده بود با حکم دادگاه به اعدام محکوم شد».

خبرگزاری قوه قضاییه افزوده که «در حکم صادر شده دیگر، به موجب دادنامه دادگاه انقلاب تهران فردی که با حضور در محل اغتشاشات و بر اساس مستندات موجود در فیلم‌های بررسی شده از دوربین‌های محل اغتشاش، اقدام

رژیم ایران و غرق شدن در گرداب ناتوانی و ناکارآمدی



زاهدان / ۲۰ آبان ۱۴۰۱

دانشجویان را متوقف کنید». همزمان جناح اصلاح طلب نزدیک به محمد خاتمی رئیس جمهوری اسبق خواستار برگزاری همه پرسی مردمی برای پایان دادن به بحران اعتراضات شد.

جنبش اعتراضات سراسری در عمل نشان داده که سیستم پیچیده حکومتی در ایران (هر دو جناح محافظه کار و اصلاح طلب) در وضعیت بسیار بحرانی قرار دارد. این وضعیت بحرانی نظام جمهوری اسلامی را تا مرز رسیدن به «هرج و مرج» پیش برده است.

رژیم جمهوری اسلامی که بیش از چهار دهه خود را حفظ کرده بود، حالا با واقعه کشته شدن مهسا امینی زیر شکنجه ماموران گشت ارشاد، با یک جنبش اجتماعی و سیاسی و عصیان سراسری علیه ایدئولوژی رژیم که سالها از آن به عنوان ابزار سرکوب استفاده می شد، روبرو شده است. این جنبش باعث شد که همه حساسیت های ملی و تبعیض هایی که برای سالها پنهان مانده بود در افکار عمومی آشکار شود.

گسترش سریع اعتراضات در تمام مناطق ایران بسیار قویتر از سرعت رژیم برای مهار آن یا توانایی مقابله آن با این جنبش است. این وضعیت تعادل رژیم را بر هم زده و به همین دلیل مقامات جمهوری اسلامی برای حفظ تعادل و جلوگیری از افتادن خود به تهدید و خشونت بیشتر متوسل شده است.

اصرار رژیم بر برخورد خشن با معترضان به نوعی انکار این جنبش سراسری است. رژیم هنوز درک نکرده که ناتوانی از پاسخگویی به خواست های حقوقی معترضان ممکن است آن را در گرداب هرج و مرج غرق کند.

*منبع: روزنامه شرق الاوسط

*نویسنده: مصطفی فصیح

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

در رویارویی اخیر میان مردم ایران و جمهوری اسلامی، سردرگمی رژیم بیش از موارد قبل نمایان می شود زیرا برای اولین بار این نظام در موقعیت دفاع از ماهیت ایدئولوژیک خود قرار گرفته است. به همین دلیل مقامات لشکری و کشوری رژیم از طریق نهادهای نظامی به تشدید تهدید علیه معترضان متوسل شده اند.

تازه ترین تهدید از فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی شنیده شده که گفته است «اغتشاشگران جایی در جمهوری اسلامی نخواهند داشت». همزمان ۲۷۷ نماینده مجلس اسلامی هفته گذشته از قوه قضائیه خواستند «با معترضان قاطعانه برخورد کند».

سردرگمی رژیم به حدی رسیده که برخی افراد نزدیک به آن آینده جمهوری اسلامی را پیش بینی کرده و به دست اندرکاران سیاسی، مذهبی و فرهنگی حکومت نسبت به خطرات دگرگونی های ساختار اجتماعی در ایران هشدار دهند. در همین ارتباط کیهان تهران نوشته است: «ایران در فردای پس از جمهوری اسلامی، جهنمی بیش نیست... و اگر این طیف به قدرت برسد، با شعار حجاب اختیاری، در نهایت «بی حجابی اجباری» را دنبال خواهد کرد... یکی از اهداف اصلی در این فتنه، تجزیه ایران و تکه تکه کردن کشورمان است... یکی از آمال و آرزوهای این جریان این است که در فردای پس از جمهوری اسلامی، همجنس بازی در ایران رسمیت یافته و گسترش یابد».

از سوی دیگر، با توسعه جنبش اعتراضی و تبلور آن به عنوان جنبشی سراسری سیاسی و اجتماعی، اصلاح طلبان انعطاف بیشتری نسبت به آن نشان داده تا جایی که زهرا رهنورد و همسرش میرحسین موسوی رهبر «جنبش سبز» در بیانیه ای تند خطاب به رهبری رژیم اسلامی گفتند: «به جوانان احترام بگذارید، مردم را نکشید، صدای آنها را بشنوید، اعتراض حق مردم مسلم مردم است، دانشجویان زندانی را آزاد، تهدیدها به تعلیق تحصیل و اخراج

● در رویارویی اخیر میان مردم ایران و جمهوری اسلامی، سردرگمی رژیم بیش از موارد قبل نمایان می شود زیرا برای اولین بار این نظام در موقعیت دفاع از ماهیت ایدئولوژیک خود قرار گرفته است. به همین دلیل مقامات لشکری و کشوری رژیم از طریق نهادهای نظامی به تشدید تهدید علیه معترضان متوسل شده اند.

مصطفی فصیح (شرق الاوسط) - با رسیدن اعتراضات سراسری ایران به پایان دومین ماه خود، رژیم جمهوری اسلامی با خیزشی روبروست که خود را سازماندهی کرده و نوعی پویایی مداوم دارد بطوری که وضعیت بحرانی را برای کلیت نظام با همه ی دم و دستگاه های نظامی و ایدئولوژیک اش با تمامی تشکلهای سیاسی محافظه کار و اصلاح طلب اش به وجود آورده که همواره در ساختار قدرت شریک بوده اند.

این بحران در وحله اول مستقیم جریان اصولگرا را به زیر سوال برده که در حال حاضر وظیفه برقراری «ثبات» در کشور را به عهده دارد. این جریان به گفتمان سنتی خود یعنی ربط دادن بحران های سیاسی داخلی یا مطالبات مردمی ایران به خارج، ادامه می دهد و با تکرار این بهانه به روشی متوسل می شود که پیش از اینهم در رویارویی با معترضان امتحان کرده بود.

از سوی دیگر اصلاح طلبان ضمن انتقاد لفظی به خشونت رژیم و جناح رقیب، قادر نیستند موضعی همسو با اعتراضات مردم اتخاذ کنند و به شدت در سردرگمی بسر می برند. دوگانگی و تناقض در عملکرد جریان اصلاح طلب باعث شده تا بخشی از جناح های وابسته به آن گفتمان جدیدی را فرموله کنند و از اصولگرایان فاصله بگیرند. اصلاح طلبان که خود بخشی از نظام هستند، همواره به عملکرد نظام اعتراض می کنند اما خود آنها هیچ پروژه مشخصی که کاملاً متفاوت با رژیم باشد، ارائه نکرده اند.



دومین روز اعتصاب در ذوب آهن اصفهان

ادامه اعتصابات سراسری در ده‌ها شهر ایران؛ همبستگی ملی در سومین سالگرد آبان ۹۸

گسترده‌ای از صبح چهارشنبه در این شهر در جریان است. با اینهمه گزارش و شواهد تصویری اما رسانه‌های حکومتی تلاش دارند نشان دهند که امروز و دیروز اعتصابی صورت نگرفته است. در حالی که وبسایت‌ها و خبرگزاری‌های داخلی بطور سازمانیافته و هماهنگ به انتشار گزارش‌هایی با محور باز بودن مغازه‌ها و عدم اعتصاب بازاریان منتشر می‌کنند اما باز هم مجبور می‌شوند به نیمه‌تعطیل بودن مغازه‌ها بپردازند.

برای نمونه، خبرگزاری ایسنا در گزارشی نوشته که «با وجود باز بودن مغازه‌ها و بازارهای نواحی مرکزی تهران، به نظر می‌رسید خیابان انقلاب امروز نیمه‌تعطیل است و بجز تعدادی معدود از مغازه‌های کتابفروشی و تهیه غذا، اکثر مغازه‌ها در این محدوده تعطیل بودند. محدوده سردر دانشگاه تهران و پیاده‌روهای خیابان انقلاب نیز امروز یکی از خلوت‌ترین روزهای خود را تجربه کرد. حضور نیروهای پلیس امنیت در خیابان انقلاب محدوده بین میدان انقلاب و چهار راه ولیعصر در حد معمول هفته‌های اخیر بود که در جاهای تعیین شده برای این نیروها مستقر بودند.»

دانشجویان نیز به اعتصاب خود ادامه داده‌اند و در ده‌ها دانشگاه کشور کلاس درس از سوی دانشجویان تحریم شده و تحصن و تجمع‌های برگزار شده است. این اعتراضات و اعتصابات در پی پوست دانشجویان به فراخوان ملی برای اعتراضات سه روزه به مناسبت سالگرد جانباختگان آبان ۹۸ صورت گرفته است. دانشکده فنی پردیس مرکزی دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی مدرسه عالی دختران (دانشگاه الزهرا)، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه آزاد تبریز، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، دانشگاه رازی کرمانشاه، دانشگاه علوم پزشکی کردستان و دانشگاه صنعتی اصفهان از دانشگاه‌هایی هستند که دانشجویان با تحصن و تجمع در آنها علیه جمهوری اسلامی شعار دادند. «همیز تویی هرزه تویی، زن آزاده منم»، «مرگ بر دیکتاتور»، «زن زندگی آزادی، مرد میهن آبادی»، «بی‌طرفی بی‌شرافی»، «فقر و فساد گرونی میریم تا سرنگونی»، «هر یه نفر کشته شه، هزار نفر پشتشه» و «قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان» از شعارهای دانشجویان در تجمعات دانشگاه‌های کشور بود. روز گذشته در نخستین روز اعتراضات ملی سه روزه نیز از صبح بازاریان در ده‌ها شهر اعتصاب کرده و دانشجویان نیز در دانشگاه‌های کشور تحصن و تجمع کردند. اعتراضات مردمی از بعد از ظهر در خیابان‌ها شکل گرفت و تا نیمه شب ادامه داشت. فراخوان اعتصابات و اعتراضات سراسری برای سه روز از سه‌شنبه ۲۴ تا پنجشنبه ۲۶ آبان اعلام شده و تا کنون نمایی بی‌نظیر از ایستادگی و همبستگی مردم به نمایش گذاشته است.

کارگر در استخدام مستقیم مجتمع دارد و با احتساب کارگران شرکتی، تعداد پرسنل در کل مجتمع به بیش از ۱۸ هزار نفر می‌رسد. کارگران استخدام مستقیم، قراردادهایشان به صورت یکساله تمدید می‌گردد و نیروهای شرکتی نیز حداقلی‌ترین حقوق و مزایا را دریافت می‌کنند.»

بر اساس گزارش اتحادیه آزاد کارگران، مدیران مجتمع به همراه نماینده‌ای از وزارت کار امروز با حضور در میان کارگران اعتصاب‌کننده تلاش کردند آنها را به کار بازگردانند اما کارگران گفته‌اند اعتصاب خود را ادامه خواهند داد. یکی از اصلی‌ترین خواسته کارگران افزایش دستمزدها است.

امروز همچنین بازاریان نیز در شهرهای مختلف ایران دست به اعتصاب زدند و برای دومین روز پیاپی کرکره مغازه‌های خود را پایین نگه داشتند. تهران، تبریز، کرمان، یزد، شهرکرد، بندرانزلی، بندرعباس، کرمانشاه، پاوه، بوکان، سقز، مشهد، مریوان، اراک، رشت، کامیاران، بانه، اشنویه، ماهشهر، مرودشت، شیراز، سمنج، مهاباد، نجف‌آباد اصفهان، شاهین شهر، فولادشهر، کرج از جمله شهرهایی هستند که ویدئوهای اعتصاب بازاریان آنها منتشر شده است.

در تهران بازاریان در چند نقطه شهر از جمله بازار بزرگ تهران، بازار موبایل علاءالدین، بازار امامزاده حسن، بازار میل دلاوران، بازار آهن‌فروشان، خیابان «انقلاب»، خیابان کاخ (فلسطین)، منطقه چراغ‌برق و منطقه تهرانپارس اعتصاب کردند. یکی از نقاط مهمی که بازاریان در آن اعتصاب کرده بودند خیابان کاخ بود که بعد از انقلاب ۵۷ «فلسطین» نامیده شد. این خیابان در نزدیکی محل سکونت خانواده علی خامنه‌ای و دفتر وی واقع شده است. بازار شادآباد تهران که بورس فروش آهن است نیز امروز چهارشنبه ۲۵ آبان برای دومین روز پیاپی اعتصاب کردند و بازاریان و مردم از صبح اعتراضاتی را در این منطقه شکل دادند. در یکی از ویدئوهای منتشر شده از ظهر چهارشنبه در شادآباد، یک شهروند می‌گوید که پنج ساعت است که مردم در حال نرد با نیروهای تحت فرمان جمهوری اسلامی هستند. وی به جمهوری اسلامی تأکید می‌کند که «بزنید، بکشید، باز هم رفتنی هستید؛ انقلاب ما ادامه دارد.»

در شیراز بازاریان خیابانی منتهی به شاهچراغ در روز ۲۵ آبان نیز اعتصاب کرده و مغازه‌های خود را باز نکرده‌اند. در اصفهان نیز در چند نقطه از جمله بازار طلا، مجتمع پارک و بازار موبایل احمد آباد اعتصاب کردند. در برخی شهرها مانند فولادشهر، شاهین شهر، قزوین، سقز، سمنج و کامیاران اکثر مغازه‌ها تعطیل و اعتصاب به صورت سراسری ادامه داشته است. بازاریان در شهر کامیاران در استان کردستان اعتصاب کرده و شهروندان خیابان اصلی این شهر را با سنگ بستند و اعتراضات

● مدیران ذوب آهن به همراه نماینده‌ای از وزارت کار امروز با حضور در میان کارگران اعتصاب‌کننده تلاش کردند آنها را به کار بازگردانند اما کارگران گفته‌اند اعتصاب خود را ادامه خواهند داد.

● دانشجویان نیز به اعتصاب خود ادامه داده‌اند و در ده‌ها دانشگاه کشور کلاس درس از سوی دانشجویان تحریم شده و تحصن و تجمع‌های برگزار شده است.

● در برخی شهرها مانند فولادشهر، شاهین شهر، قزوین، سقز، سمنج و کامیاران اکثر مغازه‌ها تعطیل و اعتصاب به صورت سراسری ادامه داشته است.

● رسانه‌های حکومتی بطور سازمانیافته و هماهنگ به انتشار گزارش‌هایی با محور باز بودن مغازه‌ها و عدم اعتصاب بازاریان منتشر می‌کنند اما باز هم مجبور می‌شوند به «نیمه‌تعطیل» بودن مغازه‌ها بپردازند.

● فراخوان اعتصابات و اعتراضات سراسری برای سه روز از سه‌شنبه ۲۴ تا پنجشنبه ۲۶ آبان اعلام شده و تا کنون نمایی بی‌نظیر از ایستادگی و همبستگی مردم به نمایش گذاشته است. در دومین روز از اعتراضات و اعتصابات سه روزه‌ای که فراخوان آن به مناسبت سالگرد جانباختگان اعتراضات سراسری آبان ۹۸ از سوی مردم معترض اعلام شده بود، بازاریان در بیش از ۴۰ شهر ایران اعتصاب کردند. دانشجویان نیز اعتصاب و اعتراض در دانشگاه‌ها را با تحریم کلاس درس و تجمع و سردادن شعار علیه جمهوری اسلامی ادامه دادند.

اعتراضات سه روزه از روز سه‌شنبه ۲۴ آبان آغاز و امروز چهارشنبه برای دومین روز ادامه یافته است. اعتصاب دیروز و امروز بازاریان بی‌سابقه‌ترین و گسترده‌ترین اعتصاب بازار در تاریخچه جمهوری اسلامی بوده است. ویدئوها و تصاویری که در رسانه‌های اجتماعی منتشر شده، نشان می‌دهد بسیاری از نقاط شهرهای مختلف کشور در تعطیلی کامل بسر می‌برند. شماری از کارگران از جمله کارگران شاغل در ذوب آهن اصفهان نیز دیروز و امروز در اعتصاب بسر بردند.

کارگران ذوب آهن از روز گذشته در پاسخ فراخوانی که اعلام شده بود دست به اعتصاب زدند و تجمع و راهپیمایی‌هایی در محوطه این کارخانه برگزار کرده‌اند. این کارخانه بزرگ‌ترین کارخانه تولیدکننده فولاد کشور است و سالانه سه میلیون و ۶۰۰ هزار تن فولاد تولید می‌کند.

کارگران ذوب آهن اصفهان امروز نیز در تمامی بخش‌ها برای دومین روز متوالی دست به اعتصاب زده و مقابل ساختمان «توحید» این مجتمع تجمع کردند. ساختمان «توحید» مربوط به بخش اداری است که دفتر مدیرعامل شرکت در آن قرار دارد. اتحادیه آزاد کارگران در گزارشی درباره اعتصاب در ذوب آهن اصفهان نوشته که «ذوب آهن اصفهان بیشتر از ۱۴ هزار نفر

۱۱۹ نفر در استان زنجان، کیفرخواست ۱۰۵ پرونده در استان خوزستان، کیفرخواست ۵۵ نفر در استان قزوین، کیفرخواست ۱۱۰ نفر در استان کردستان و کیفرخواست ۲۰۱ متهم در استان البرز صادر شده است.

علی صالحی دادستان عمومی و انقلاب تهران نیز هفته گذشته اعلام کرد که برای ۳۱۵ متهم قرار «مجرمیت» صادر و چهارمعتراض بازداشت شده نیز به «محاربه» متهم شده‌اند. کانون حقوق بشر ایران هشدار داده که ۹ تن از دستگیرشدگان اعتراضات سراسری که روز شنبه ۷ آبان اولین جلسه دادگاهشان برگزار شد، در خطر صدور حکم اعدام قرار دارند. این نهاد نام این افراد را محمد قبادلو، سامان صیدی، محسن رضازاده قراقلو، سعید شیرازی، محمد بروغنی، ابوالفضل مهری، حسین حاجی‌لو، منوچهر مهمان نواز و سهیل خوشدل اعلام کرده است.

طی روزهای گذشته شماری از مقامات جمهوری اسلامی خواستار برخورد شدید حکومت با مردم معترض شدند. از جمله مهدی چمران عضو شورای ائتلاف نیروهای انقلاب و رئیس شورای اسلامی شهر تهران گفته که «دستگاه قضا باید با تجزیه‌طلبان، آشوبگران و اغتشاشگران برخورد فاطح کند، اما در مورد معتضین باید فکر و سپس تصمیمات مقتضی را اتخاذ کند. رأفت جمهوری اسلامی و همچنین مسامحه و مصالحه دستگاه‌های امنیتی و انتظامی در مواجهه با اغتشاشگران، باعث شده تا آشوب‌گران همچنان در خیابان‌های شهر اقدام به ایجاد ناامنی کرده و اموال عمومی را به آتش بکشند.»

همچنین ابراهیم رضایی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی نیز گفته که برخورد نرم با اغتشاشگران خیانت به ملت است: «بین آن کسی که فریب خورده و یا به واسطه تبعیض‌ها و مشکلات اقتصادی وارد خیابان شده است، با آن کسی که بر اساس یک برنامه‌ریزی و به واسطه عضویت در گروهک‌های تجزیه‌طلب به کف خیابان آمده است، فرق است. قطعاً نباید با آن کسی که دست به سلاح برده است و یا رفتار خشن علیه نظام و ملت داشته و یا با سرویس‌های امنیتی بیگانه ارتباط دارد، با مامشات برخورد کرد چرا که برخورد نرم با این افراد و اغتشاشگران خیانت به امنیت کشور و ملت است.»

سرتیپ کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش هم چهارشنبه ۱۸ آبان در یک سخنرانی با اشاره به اعتراضات ادعا کرد «اگر امروز یک مقداری آنطوری که جامعه انقلابی مطالبه می‌کند با این مگسان برخورد نمی‌شود اراده فرمانده کل قوا است ولی روزی که حضرت آقا فرمان برخورد صادر کنند بدانند که هیچ جایی در این کشور نخواهند داشت.»

حیدری با بیان اینکه «اقتدار نظام باعث شده که دشمنان علیه ما توطئه کنند» تأکید کرد «در جغرافیای ایران، برای ادامه سیره شهدا، راهی جز پیروی از ولایت و اطاعت محض از رهبری وجود ندارد.»

حسین کنعانی مقدم دبیر سیاسی جبهه ایستادگی نیز در گفتگو با خبرگزاری مهر شماری از معترضان را «تروریست» خطاب کرده و خواهان اشد مجازات برای آنها شده است. او گفته که «بحث قصاص مطرح است نه اعدام و اگر کسی جرمی انجام داده که حکم آن قصاص است باید اجرا شود اما نمایندگان مجلس نمی‌توانند به قوه قضائیه تکلیف کند که اعدام انجام شود چون اعدام باید با توجه به آئین دادرسی، قوانین کشور و حکم قاضی انجام شود.»

اینهمه در حالیست که کارزار وسیعی در غرب از سوی سیاستمداران و فعالان حقوق بشر جریان دارد تا با در پیش گرفتن سیاست‌های قاطعانه توسط دولت‌های کشورهای غربی علیه جمهوری اسلامی از ارتکاب جنایات بیشتر توسط آن جلوگیری شده و به مبارزات آزادیخواهانه‌ی مردم یاری رسانده شود.

تلاش برای سرکوب قضایی بازداشت‌شدگان خیزش ملی؛ ۱۱ شهروند در کرج به جرائم واهی مانند «فساد فی الارض» متهم شدند



زمان تنظیم این گزارش اعلام نکردند که یک زن و ۱۰ مردی که در این پرونده متهم شده‌اند چه کسانی هستند.

اینهمه در حالیست که جمهوری اسلامی پس از آنکه با سرکوب مسلحانه و خشونت‌بار معترضان طی دو ماه گذشته نتوانسته خیزش ملی را پایان دهد، حالا به دنبال آنست که با تشکیل دادگاه‌هایی با بررسی اتهامات سنگین بازداشت‌شدگان، در میان مردم وحشت‌آفرینی کند تا شاید از این طریق موج قیام ملی علیه نظام را خاموش کند.

در این میان اتهامات موهومی همچون «محاربه» و «فساد فی‌الارض» از قبیل مواردیست که می‌تواند منجر به صدور احکام سنگینی چون «اعدام» شود. پیشتر نیز دستگاه قضایی جمهوری اسلامی اقدام به بستن چنین اتهاماتی به معترضان کرده بود و از جمله نوید افکاری کشتی‌گیر را به همین بهانه به چوبه دار سپرد!

علی القاصی مهر رئیس کل دادگستری استان تهران هفته گذشته اعلام کرد تا کنون حدود هزار کیفرخواست برای معترضان دستگیر شده در اعتراضات تهران صادر شده است. علی القاصی مهر مردم معترضی را که در اعتراضات خیابانی شرکت کرده و بازداشت شده‌اند «آشوبگر» و «اغتشاشگر» خطاب کرده و مدعی شده شماری از بازداشت‌شدگان «دارای اتهامات سنگینی از جمله ضرب و جرح یا به شهادت رساندن ماموران حافظ امنیت، به آتش کشیدن اموال عمومی و تعرض به نوامیس مردم» هستند.

برگزاری دادگاه متهمان در دیگر استان‌های ایران نیز آغاز شده و به گزارش خبرگزاری فارس تا کنون کیفرخواست ۲۵ پرونده در کرمان، ۸۹ کیفرخواست در استان سمنان، کیفرخواست

● اتهام یازده شهروند پرونده «قتل بسیجی» در کرج «افساد فی الارض از طریق ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و حمله به نیروهای بسیج و فراجا»، «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرایم علیه امنیت کشور» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام از طریق شعاردادن، نشر و بازنشر محتوای مجرمانه در فضای مجازی» اعلام شده است.

● رئیس کل دادگستری استان تهران هفته گذشته اعلام کرد تا کنون حدود هزار کیفرخواست برای معترضان دستگیر شده در اعتراضات تهران صادر شده است.

● طی روزهای گذشته شماری از مقامات جمهوری اسلامی خواستار برخورد شدید حکومت با مردم معترض و اشد مجازات بازداشت‌شدگان شدند.

در ادامه تلاش جمهوری اسلامی برای شدیدترین برخوردهای قضایی با بازداشت‌شدگان خیزش ملی و صدور احکام سنگین علیه آنها، ۱۱ شهروند در کرج به جرائم واهی چون «فساد فی‌الارض» متهم شدند. پیش از این نیز چند شهروند معترض دیگر با همین اتهام روبرو و در خطر صدور حکم «اعدام» قرار گرفتند.

خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی با گذشت دو ماه همچنان ادامه دارد و شهروندان معترض در خیابان‌ها و دانشگاه‌ها به اشکال مختلفی، از تظاهرات تا شعارنویسی، مخالفت با جمهوری اسلامی و پافشاری بر براندازی حکومت را نشان می‌دهند.

دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی اقدام به تشکیل پرونده با اتهامات سنگین برای بازداشت‌شدگان اعتراضات کرده و به نظر می‌رسد در پی صدور احکامی سنگین چون حبس طولانی و اعدام برای شماری از متهمان است.

در یکی از تازه‌ترین نمونه‌ها حسین فاضلی هریکندی رئیس کل دادگستری استان البرز از صدور کیفرخواست برای ۱۱ شهروند شامل ۱۰ مرد و یک زن خبر داده است. این شهروندان در ارتباط با پرونده کشته شدن یک بسیجی با اتهاماتی همچون «فساد فی‌الارض» روبرو شدند.

به گفته حسین فاضلی هریکندی، این شهروندان در ارتباط با پرونده کشته شدن یک بسیجی به نام «روح‌الله عجمیان» در جریان اعتراضات مردمی ۱۲ آبان در محدوده کمال‌شهر کرج بازداشت شدند.

وی با اعلام اینکه کیفرخواست این پرونده جهت رسیدگی و صدور حکم به شعبه اول دادگاه انقلاب استان البرز ارجاع شده گفته که «افساد فی الارض از طریق ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و حمله به نیروهای بسیج و فراجا»، «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرایم علیه امنیت کشور» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام از طریق شعاردادن، نشر و بازنشر محتوای مجرمانه در فضای مجازی» برخی از اتهامات متهمان است که در کیفرخواست قید شده است.

رئیس کل دادگستری البرز بدون اشاره به سرکوب مسلحانه مردم معترض توسط نیروهای انتظامی، امنیتی و لباس‌شخصی‌ها و بسیجی‌ها و جان باختن بیش از ۳۲۰ معترض طی دو ماه گذشته، مدعی شده که متهمان این پرونده که آنها را «اغتشاشگر» خوانده، با حمله و محاصره این بسیجی که «در حال کمک جهت رفع انسداد بزرگراه و عبور و مرور خودروها بوده، ضمن پاره کردن پیراهن و لخت کردن وی، جراحات و ضربات متعددی با چاقو، پنجه بوکس، سنگ، مشت و لگد به قسمت‌های مختلف» به وی وارد آورده و او را روی آسفالت خیابان کشیده‌اند.

حسین فاضلی هریکندی از هویت یازده شهروندی که در ارتباط با این پرونده بازداشت شده و با چنین اتهامات سنگینی روبرو هستند اشاره نکرده است. نهادهای حقوق بشری نیز تا

گفتگوی اختصاصی با فرید خوجه سفیر آلبانی در سازمان ملل متحد:

ما در ایران شاهد یک زلزله علیه نظام دزدسالار هستیم!



فرید خوجه سفیر آلبانی در سازمان ملل متحد

● فرید خوجه نماینده دائمی آلبانی در سازمان ملل در گفتگوی اختصاصی با کیهان لندن می‌گوید «از اواسط سپتامبر و برای هفته‌ها، جهان شاهد یک جنبش مدنی فوق‌العاده شجاعانه در ایران به رهبری زنان با مشارکت ایرانیان از همه اقشار برای مبارزه برای حقوق مدنی خود است.»

● این دیپلمات آلبانیایی می‌گوید آنچه امروز شاهد آن هستیم «با آنچه در موارد قبلی دیده بودیم متفاوت است. این بار ما شاهد یک زلزله واقعی هستیم که سیستم دزدسالار حاکم را به لرزه در آورده است.»

● فرید خوجه در صحبت‌هایش در نشست غیررسمی شورای امنیت سازمان ملل متحد به تجربه آلبانیایی‌ها در مبارزه برای آزادی و دموکراسی اشاره کرد و گفت «ما نباید هراس داشته باشیم و می‌بایست به پیروزی ایمان داشته باشیم.»

● این دیپلمات برجسته آلبانیایی می‌گوید: «دیکتاتوری‌ها نکات مشترک دارند: پایه‌های آنها بر ترس و سرکوب و همچنین بر ادعای دخالت قدرت‌های خارجی استوار است. دومی به حاکمان کمک می‌کند تا با بهانه دروغین دفاع از امنیت برای خاموش کردن صدای مخالفان تلاش کنند و بر طبل دروغین اتحاد ملی بکوبند.»

● سفیر آلبانی در سازمان ملل متحد معتقد است: «هیچکس نمی‌تواند نقطه عطفی را که باعث فروپاشی ساختارهای به ظاهر قدرتمند می‌شود پیش‌بینی کند، اما یک چیز مسلم است و دیکتاتوری‌ها یک نکته مشترک دیگر دارند: همه آنها در یک لحظه معین از بین می‌روند! این اراده مردم است که تغییر ایجاد می‌کند.»

احمد رأفت - روز دوم نوامبر، شورای امنیت سازمان ملل متحد جلسه‌ای غیررسمی در مورد انقلاب آزادیخواهی ایرانیان که نام مهسا امینی و شعار «زن، زندگی، آزادی» را جهانی کرده است برگزار کرد. در این نشست شیرین عبادی برنده ایرانی جایزه صلح نوبل و نازنین بنیادی بازیگر و فعال حقوق بشر سخنرانی کردند. این نشست غیررسمی که با نام «Arria formula» شناخته می‌شود، به دعوت نماینده آلبانی در شورای امنیت با حمایت نماینده ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد برگزار شد. جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر در ایران نیز یکی دیگر از سخنرانان در این نشست بود.

فرید خوجه نماینده دائمی آلبانی در سازمان ملل در گفتگوی اختصاصی با کیهان لندن اهداف این نشست را چنین بر می‌شمارد: «از اواسط سپتامبر و برای هفته‌ها، جهان شاهد یک جنبش مدنی فوق‌العاده شجاعانه در ایران به رهبری زنان با مشارکت ایرانیان از همه اقشار برای مبارزه برای حقوق مدنی خود بوده است. تماشای این تصاویر بی‌سابقه از کشوری که توسط پلیس امنیت اخلاقی اداره می‌شود، با زنانی که با سرکشی حجاب خود را برمی‌دارند یا موهای خود را در ملاء عام کوتاه می‌کنند، دلگرم‌کننده است. شنیدن شعارهای «مرگ بر دیکتاتور» و دیدن جمعیتی که پلیس را در خیابان‌ها تعقیب می‌کنند، در ایران یک چیز

مجبور به سکوت شدند، صحبت کنیم. از دیدگاه آلبانی، ما همچنین می‌خواستیم برای همه معترضان در ایران و برای ایرانیان خارج از کشور فرصتی به وجود آوریم که از مبارزات خود بگویند و از جامعه بین‌المللی بخواهند از همه امکانات برای محکوم کردن رژیم در ایران استفاده کنند.»

از فرید خوجه پرسیدم این نشست و سخنان شیرین عبادی، نازنین بنیادی و گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر در ایران را چگونه ارزیابی می‌کند و آیا فکر می‌کند توانسته‌اند پاسخگوی انتظارات و پرسش‌های نمایندگان دولت‌های حاضر در این نشست باشند؟

سفیر آلبانی در سازمان ملل متحد در ادامه‌ی این گفتگو با کیهان لندن می‌گوید: «فکر می‌کنم که این نشست به هدف خود رسید. ما اطلاعات به‌روز شده در مورد وقایع و به ویژه اقدامات رژیمی را شنیدیم که علناً توسط مردم خود، توسط جوانان به چالش کشیده شده است. جاوید رحمان در مورد حوادث گزارش شده مربوط به استفاده از گاز اشک‌آور و گلوله‌های جنگی توسط نیروهای امنیتی از جمله نیروی بسیج صحبت کرد. از وکلا، روزنامه‌نگاران و دیگر اعضای جامعه مدنی که به دلیل حمایت از اعتراضات بازداشت شده‌اند گفت. دولت ایران همچنین صدها نفر از دستگیرشدگان در این اعتراضات را به جرایم متهم کرده که برخی از آنها طبق قوانین رژیم مجازات اعدام دارند. دولت جمهوری اسلامی ایران دسترسی بیشتر شهروندان خود به اینترنت را محدود کرده. کارشناسان حقوق بشر کشتار و سرکوب توسط نیروهای امنیتی در ایران، از جمله دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه، خشونت‌های جنسیتی و جنسی، استفاده بیش از حد از زور، و شکنجه را محکوم کرده‌اند. بسیار مهم بود که این حقایق به شورای امنیت ارائه شود و موارد نقض علیه زنان به عنوان

عادی نیست. با آنچه در موارد قبلی دیده بودیم متفاوت بوده و هست. اینبار ما شاهد یک زلزله واقعی هستیم که سیستم دزدسالار حاکم را به لرزه در آورده است.»

این دیپلمات عالی‌رتبه آلبانیایی در ادامه می‌افزاید: «رژیم به این حرکت اعتراضی گسترده با تنها راهی که می‌شناسد یعنی سرکوب و کشتار پاسخ داده است. ما دیدیم که خانواده‌ها بر تابوت بستگان کشته شده‌شان در اعتراضات گریه می‌کنند، اما آنها از جوانان‌شان نمی‌خواهند متوقف شوند، بلکه می‌خواهند به این مبارزه ادامه دهند. در واکنش به چنین وحشیگری، همراه با ایالات متحده، می‌خواستیم اقدامات این رژیم را افشا کرده و به صورت آشکار و قاطع محکوم کنیم. بهترین راه برای اعلام حمایت از زنان و دختران شجاع ایرانی و اقلیت‌های مذهبی و قومی در ایران، برگزاری یک جلسه غیررسمی در شورای امنیت سازمان ملل متحد بود. ما همچنین از این نشست برای شناسایی فرصت‌هایی جهت حمایت از درخواست تحقیقات معتبر، بین‌المللی و مستقل در مورد نقض وحشتناک حقوق بشر توسط دولت ایران استفاده کردیم. ما می‌خواستیم بر استفاده غیرقانونی رژیم ایران از زور علیه معترضان، تعقیب مدافعان حقوق بشر در داخل و خارج از کشور و تلاش برای ربودن یا کشتن آنها، که در تضاد آشکار با قوانین بین‌المللی است تأکید داشته باشیم. عاملان این وحشیگری‌ها و جنایات باید شناسایی و محاکمه شوند. ما می‌خواستیم رژیم سرکوبگر و روش‌های آن را افشا کنیم و همچنین با روایت‌های دروغین آنها مقابله کنیم. ما می‌خواستیم به نمایندگی از کسانی که دندان‌هایشان در اثر خشونت وحشیانه شکسته شده، کسانی که به‌طور غیرقانونی بازداشت و شکنجه می‌شوند، کسانی که مجبور به اعتراف‌های جعلی مبنی بر گرفتن پول از نیروهای خارجی و کسانی که با زور

سایر رکن‌ها نیز سربایت می‌کند. معترضان نباید از وحشیگری رژیم خسته شوند. در سطح منطقه، دولت‌های زیادی داریم که از جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند و به نظر می‌رسد انزوای آن در حال حاضر واقعیت ندارد. آنچه مهم است این است که جامعه جهانی از همه ابزارهای دیپلماتیک برای اعمال فشار بر رژیم ایران استفاده کند. هیچکس نمی‌تواند نقطه عطفی را که باعث فروپاشی ساختارهای به ظاهر

آنها در دفاع از حقوق بشر مردم ایران سیاست‌گذارم. برای آلبانی، حقوق بشر بطور مستقیم با صلح و امنیت مرتبط است و عدم رسیدگی صحیح به مسائل از همان ابتدا به تشدید تنش‌ها و درگیری‌ها منجر می‌شود. همین‌گونه بود که حوادث در سوریه آغاز شد؛ جایی که بحران با تظاهرات مسالمت‌آمیز آغاز و توسط یک رژیم بی‌رحم منجر به کابوسی شد که همه با آن آشنا هستیم و اکنون بیش از ۱۱

بخشی از تداوم تبعیض طولانی، فراگیر و مبتنی بر جنسیت که در قوانین، سیاست‌ها و ساختارهای اجتماعی گنجانده شده، مطرح شود. درخواست برای ایجاد یک مکانیسم تحقیقاتی بین‌المللی، برای اطمینان از پاسخگویی در ایران و پایان دادن به معافیت مداوم عناصر این حکومت متهم به نقض شدید حقوق بشر، بطور گسترده توسط شورای اعضای شورای امنیت مطرح شد.»



فرید خوجه در کنار نماینده آمریکا و نازنین بنیادی در نشست غیررسمی شورای امنیت سازمان ملل

قدرت‌مند می‌شود، پیش‌بینی کند، اما یک چیز مسلم است و دیکتاتوری‌ها یک نکته مشترک دیگر نیز دارند: همه آنها در یک لحظه معین از بین می‌روند! این اراده مردم است که تغییر ایجاد می‌کند. نمی‌دانم شجاعت و ایمان برای ایجاد تغییر در ایران کافی است یا نه، اما شک ندارم که بدون آنها، ایجاد حس تعلق در میان کسانی که از سیستمی بیگانه به ستوه آمده‌اند، دشوارتر خواهد بود. مردم حق دارند سیستمی را که برای آنها کار نمی‌کند و نمی‌تواند پاسخگوی نیازهایشان باشد پایین بکشند. این اعتراضات جعبه پاندورائی را گشوده که بادهای تغییر را به وزیدن درآورده است. تغییراتی که ایرانیان می‌خواهند و کاملاً سزاوار آن هستند. ایران همه چیز دارد تا کشوری بزرگ و توسعه یافته باشد و بجای ترور و تاریک‌بینی، ثروت و دانش صادر کند.» در پایان این گفتگو، نظر شخصی نماینده آلبانی در سازمان ملل متحد را در مورد این خیزش مردمی که بسیاری از آن به عنوان اولین «انقلاب زنانه» یاد می‌کنند جویا شدم: «آنچه من فکر می‌کنم چیزی بیش از یک عقیده است: این یک باور عمیق و یک تحسین بی حد و حصر برای همه زنان، دختران و جوانان و همه کسانی است که از این هوای تازه چشمگیر در ایران حمایت می‌کنند. مقاومت و قدرت آنها، شجاعت و اراده آنها، انرژی و رویاهای آنها باعث پیشرفت «زنان، زندگی، آزادی» خواهد شد. مسئله بر سر اینکه آیا موفق خواهند شد نیست! تنها پرسش منطقی می‌تواند در مورد زمان این پیروزی باشد که خواهد رسید! همانطور که گفتم، ایران از این قاعده مستثنا نخواهد بود. رژیم از تمام ترفندهای کثیف خود استفاده خواهد کرد. ایرانیان در همه سنین و طبقات اجتماعی باید از عزم مشترک خود استفاده کنند و برای گذار مسالمت‌آمیز به سوی جامعه‌ای آزاد، دموکراتیک و مرفه متحد شوند.»

سال است که ادامه دارد.» فرید خوجه در ادامه به صحبت‌هایش در نشست غیر رسمی در مورد تجربه آلبانیایی‌ها در مبارزه برای آزادی و دموکراسی، اشاره کرد و تأکید کرد «ما نباید هراس داشته باشیم و می‌بایست به پیروزی ایمان داشته باشیم.» از او پرسیدم آیا این دو عنصر برای شکست یک دیکتاتوری کافی است یا نیاز به حمایت قدرت‌های خارجی و نهادهای بین‌المللی نیز هست؟ این دیپلمات آلبانیایی در پاسخ گفت: «من در سخنانم همبستگی کامل و حمایت بی‌دریغ خود را از معترضان و حقوق آنها ابراز کردم و تجربه خود را از زندگی در دیکتاتوری کمونیستی در آلبانی به اشتراک گذاشتم. من مطمئن نیستم که فرمول ثابتی وجود داشته باشد که بتوان آن را در همه جا دوباره راه‌های شکست یک دیکتاتوری به کار برد. دیکتاتوری‌ها همیشه عمیقاً در بافت و فرهنگ محلی ریشه دارند، اما نکات مشترک دارند: پایه‌های آنها بر ترس و سرکوب و همچنین بر ادعای دخالت قدرت‌های خارجی استوار است. دومی به حاکمان کمک می‌کند تا با بهانه دروغین دفاع از امنیت برای خاموش کردن صدای مخالفان تلاش کنند و بر طبل دروغین اتحاد ملی بکوبند. دیکتاتورها افراد پارانوئیدی هستند که در همه جا دشمن می‌بینند. آنها قوی به نظر می‌رسند، اما در حقیقت در ترس زندگی می‌کنند. مورد ایران هم فرقی نمی‌کند، زیرا همه ارکان حکومت دینی توسط یک شخص اداره می‌شود: ولی فقیه! چنین معماری به ناچار یک سیستم عمیقاً فاسد با بخش‌های پوسیده در ساختار قدرت حاکم ایجاد می‌کند که مبتنی بر سرکوب شدید دستگاه امنیتی است. در همان اولین لحظه‌ای که دست اندرکاران نظام شاهد لرزش رهبری باشند، او را رها می‌کنند و سقوط یکی از ارکان حاکم به

فرید خوجه افزود: «گزارش بسیار قدرتمندی از نازنین بنیادی شنیدیم که این وقایع را جدی‌ترین چالش برای حکومت ایران در بیش از یک دهه گذشته توصیف کرد. از جمله، او اعلام کرد که گروهی از رهبران برجسته زن، از جمله هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه سابق ایالات متحده، کریستیا فریلند معاون نخست وزیر کانادا، میشل اوباما بانوی اول سابق ایالات متحده، پومزیله ملامبو-انگکوکا مدیر اجرایی سابق زنان سازمان ملل متحد، و ملاله یوسف‌زی برنده جایزه صلح و فعال آموزشی، طوماری را منتشر کرده‌اند که خواستار حذف فوری جمهوری اسلامی ایران از کمیسیون سازمان ملل متحد در مورد وضعیت زنان است. درخواستی که در این نشست توسط برخی از کشورهای عضو نیز تکرار شد. همچنین صدها هزار نفر از سراسر جهان صدای خود را به طوماری اضافه کرده‌اند که خواستار ایجاد مکانیسم سازمان ملل برای انجام تحقیقات مستقل به عنوان گامی در جهت پیگیری مسئولیت جدی‌ترین جنایات تحت قوانین بین‌المللی در ایران شده‌اند.»

نماینده دائمی آلبانی در سازمان ملل سپس به تلاش‌های جمهوری اسلامی علیه این نشست اشاره کرد و گفت: «اهمیت این نشست را نیز باید در پرتو تلاش جمهوری اسلامی ایران برای کاهش اهمیت آن دید. نمایندگان این کشور در سازمان ملل از کشورهای عضو خواستند در این نشست شرکت نکنند. که البته بی‌تأثیر بود و در این نشست بسیاری بطور گسترده حضور داشتند و این نشست بصورت مجازی نیز دنبال کنندگان بسیاری داشت. ما با چالش‌هایی که در ارتباط با مسئله حقوق بشر در چارچوب شورای امنیت با آن مواجهیم البته آگاه هستیم، اما عمیقاً از سخنرانان فوق‌العاده به خاطر دیدگاه‌ها و توصیه‌هایشان در مورد طیف وسیعی از مسائل مربوط به ایران و قاطعیت

اما کسانی که با دم شیر بازی می کنند بداند نتیجه عملشان را خواهند دید و این پیامی است برای کسانی که جوانان را تحریک می کنند.»

احمد زیدآبادی روزنامه نگار اصلاح طلب هم از جمله افرادیست که طی روزهای گذشته در نگوهرش عمامه پرانی مطلب با فرضی کاملاً بی پایه درباره «منطق» این کار نوشته است: «منطق تمام کسانی که این روزها از پدیده «عمامه پرانی» دفاع کرده اند، در این جمله خلاصه می شود که «چون روحانیون نوع پوشش دلخواه خود را به ما تحمیل کرده اند، بنابراین ما هم آنها را در پوشیدن لباس شان ناامن می کنیم». این منطق کاملاً معیوب است. در واقع منطق همان روحانیونی است که پوشش دلخواه خود را به دیگران تحمیل کرده اند. این منطق در ذات خود زورمدارانه است و میدان سیاست و اجتماع را صحنه تلاقی جویی، روکم کنی و انتقام کشی می داند. این منطق قادر است چرخه خشونت در یک جامعه را تا نهایت خونبارش پیش ببرد، زیرا در گام بعدی به فرض گفته خواهد شد، او می کشد پس من هم می کشم، او شکنجه می دهد، پس من هم شکنجه می دهم، او زور می گوید پس من هم زور می گویم، مگر من چه کم از او دارم!» این روضه خوانی احمد زیدآبادی درباره «منطق» عمامه پرانی و «خشونت» و «تلافی» در حالیست که جمهوری اسلامی که وی هنوز با اینهمه جنایت و تبهکاری توانسته از آن دل بکشد، حتا کودکان و نوجوانان را به خاک و خون می کشد و او نگران «عمامه پرانی» و «خشونت» جوانان بی دفاع در برابر حکومتی است که آنها را به وحشیانه ترین شکل ممکن به قتل می رساند! حجت الاسلام احمد حیدری آخوند اصلاح طلب نیز که مقام حکومتی هم داشته در مطلبی که در وبسایت انصاف نیوز با عنوان «از یک عمامه به سر به عمامه پرانها» منتشر کرده علیه عمامه پرانی نوشته است.

این آخوند اصلاح طلب عمامه پرانی را «نامقبول و نازیبا و منفور» دانسته و نوشته که «اقدام علیه «عمامه به سرهای مستضعف» و پراندن عمامه ها جز نفرت و بدنامی نمی آورد و حیف است چهره زیبای اعتراض شما به ستم و بی عدالتی با این اقدام و اقدام های مشابه مثلاً علیه زنان با حجاب یا به آتش کشیدن اموال عمومی یا تکی زدن سرباز بیچاره ای که مجبور به مقابله با شما بوده و... ملوک و زشت گردد». با وجود امید و شهادت و شجاعتی که در اعتراضات مردم طی هشت هفته گذشته وجود داشته، احمد حیدری در ادامه از مردم خواسته که به شیوهی مظلوم غایی فریبکارانهی جمهوری اسلامی و جناحین اش، در حرکت اعتراضی خود که «اصل نظام» را هدف قرار داده و می خواهد آن را براندازد، «مظلوم، مضروب، اسیر و زندانی» باشند: «امید است عقلانیت و تدبیر را بر جریان اعتراض زیباییات علیه ظلم و بی عدالتی حاکم سازید و به نفوذی ها و خشمگینان تحت تأثیر احساسات غلبان کرده و گریزان از عقلانیت اجازه ظهور و بروز ندهید. شما اگر در حرکت اعتراضی خود مظلوم و حتی مضروب باشید و اسیر و زندانی و... تأثیرگذارتر خواهید بود از اینکه با این رفتارها در اذهان عمومی یا در اذهان قشر مذهبی منفور شوید. به خدا توسل و تمسک کنید و از او بر استواری بر طریق صحیح اعتراض کمک بخواهید که خدا قطعاً با ستم ستیزان و عدالت خواهان است.»

این واکنشها از طیف اصلاح طلب تا اصولگرای جمهوری اسلامی درباره «عمامه پرانی» نشان می دهد که اتفاقاً جوانان انقلابی در ایران با این حرکت نمادین علیه حکومت عمامه به سرها، «هدف» را درست نشانه گرفته اند! ضمن اینکه آنکه جامعه ایران را به جایی رسانده که عمامه از سر آخوندها بپراند کسی نیست جز حکومت آخوندها و جناحین و عوامل سرکوب و پاسدارانش!



انقلاب مشروطه و شعار «آزادی و تجدد» و سپس تلاش پهلوی ها برای راندن ملایان به کنج حجره ها و انجام امور معنوی که ادعای آن را نیز دارند، تداعی می شود. تلاشی که با توجه به نفوذ سیزده قرن تا عمق جامعه آسان نبود و انقلاب مشروطه و ارتجاعی ۵۷ نیز آن را اثبات کرد. با اینهمه مشروطه و سپس پهلوی پدر آزادی و مدرنیته را در بطن جامعه کاشتند تا سالها بعد که نسل های دیگری برای حقوق خود مبارزه می کنند بتوانند از همان ریشه تغذیه کنند.»

الاهه بقرات تأکید کرده که «عمامه پرانی» فقط یک «حرکت شوخ و شنگ و بامزه» نیست بلکه «یک اقدام سیاسی و اجتماعی و مقابله با تفکریست که زیر عمامه قرار دارد! همان تفکر «هیج» معروف که در بهمن ۵۷ بر ایران نازل شد و ملت و مملکت را در داخل و خارج به «هیج» تبدیل کرد!» با گسترده شدن پدیده عمامه پرانی در ایران، طی روزهای گذشته خبر بازداشت دو نفر در ارتباط با این اقدام منتشر شده است. روزنامه دولتی «ایران» خبر داد که نیروهای بسیج یک نفر را در منطقه ۱۰ تهران به دلیل «انداختن عمامه از سر روحانیون» بازداشت کردند. همچنین وبسایت خبری «صابرین نیوز» نیز خبر داد که یک نفر در بابل به دلیل «انداختن عمامه یک روحانی» بازداشت شده است.

همچنین عمامه پرانی در رسانه های حکومتی نیز بازتاب داشته و با توجه به انتشار ده ها ویدئو از عمامه پرانی در شهرهای مختلف، حامیان نظام نتوانستند در اینباره سکوت کنند و به روی خود نیاورند. برخی رسانه های داخلی از جمله خبرگزاری فارس، خواستار «برخورد جدی» با افرادی شده که به لباس روحانیت توهین می کنند! خبرگزاری فارس نوشته که بعضی از روحانیون خواهان رفع «خلاء قانونی» برای برخورد با «عمامه پرانی» شده اند!

حجت الاسلام محمدتقی نقدعلی عضو مجلس شورای اسلامی در واکنش به عمامه پرانی گفته که «پدیده پراندن عمامه از سر روحانیون توطئه شیاطین است و کسانی که چنین کاری کردند باید بدانند امام علما و روحانیون آقا امام حسین نه تنها عمامه اش را پراندند بلکه سر را هم به همراه عمامه پراندند، اما روز به روز محبوبیت ایشان افزایش یافت.» نماینده مجلس شورای اسلامی با تهدید جوانان افزوده که عمامه پرانی از سر روحانیون بازی کردن با دم شیر است و کسانی که چنین کاری می کنند بداند نتیجه عملشان را خواهند دید: «کفتار هر روز با دم شیر بازی می کرد و شیر با او مدارا می کرد، اما زمانی که شیر دید مزه کار زیر دهن کفتار رفته، گوشمالی مفصلی به کفتار داد، بنابراین عرض می کنم ممکن است روحانیون مدارا کنند و حوصله به خرج بدهند،

پدیده عمامه پرانی برای مبارزه با مشروع خواهان؛ واکنش حامیان اصلاح طلب و اصولگرای جمهوری اسلامی

● همانطور که حجاب اجباری برای زنان یکی از شیوه های جمهوری اسلامی برای ارائه تصویر امت اسلام از ملت ایران و حامل پیام ایدئولوژیک حکومت بوده، لباس آخوندی و عمامه هم از دیگر نشانه های حکومت اسلامی است.

● با گسترده شدن پدیده عمامه پرانی در ایران، طی روزهای گذشته خبر بازداشت دو نفر در ارتباط با این اقدام منتشر شده است.

● واکنشها از طیف اصلاح طلب تا اصولگرای جمهوری اسلامی درباره «عمامه پرانی» نشان می دهد که اتفاقاً جوانان انقلابی در ایران با این حرکت نمادین علیه حکومت عمامه به سرها، «هدف» را درست نشانه گرفته اند! ضمن اینکه آنکه جامعه ایران را به جایی رسانده که عمامه از سر آخوندها بپراند کسی نیست جز حکومت آخوندها و جناحین و عوامل سرکوب و پاسدارانش!

پدیده «عمامه پرانی» به موازات کشف حجاب به یکی از ابزارهای جوانان مبارز در ایران و یکی از محورهای انقلاب ملی علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است. گسترده شدن این حرکت مدنی-سیاسی واکنشهایی از سوی اصلاح طلبان و اصولگرایان در پی داشته است.

در هشت هفته گذشته نه تنها زنان زیادی با کشف حجاب و سوزاندن روسری ها با یکی از مهمترین نمادهای تبلیغات ایدئولوژیک جمهوری اسلامی یعنی «حجاب اسلامی» به مبارزه پرداخته اند، بلکه عمامه پرانی از سر آخوندها نیز به یکی از ابزارهای مبارزان خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

از ابتدای اعتراضات اخیر نیز بارها مردم در شعارهای خود مشروعه ای را که از انقلاب ۵۷ بر ایران حاکم شده زیر سوال برده و رد کرده اند و در مقابل خواستار حاکمیت قانون شدند که یک قرن پیش با انقلاب مشروطه در ایران بنیان نهاده شد. اتفاقاً عمامه پرانی که به یکی از پدیده های رایج این روزها در مبارزه جوانان علیه جمهوری تبدیل شده و ویدئوهای مختلف آن دست به دست می گردد، نخستین مورد ثبت شده اش به دوران مشروطه باز می گردد که عمامه از سر شیخ فضل الله نوری از مشروعه خواهان آن دوران پراندند.

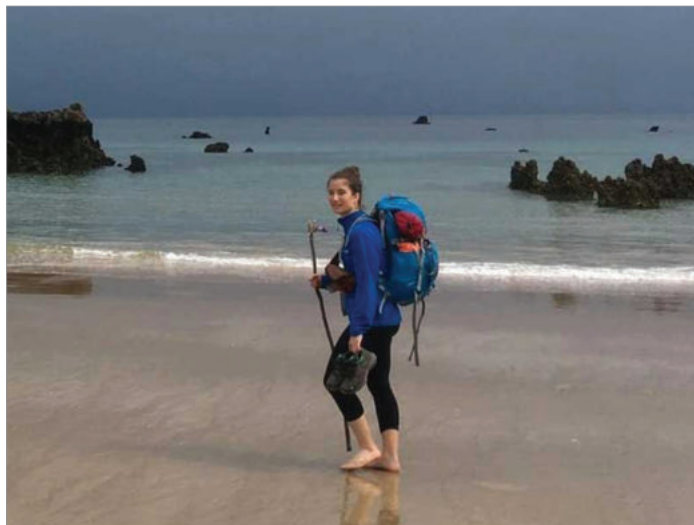
همانطور که حجاب اجباری برای زنان یکی از شیوه های جمهوری اسلامی برای ارائه تصویر امت اسلام از ملت ایران و حامل پیام ایدئولوژیک حکومت بوده، لباس آخوندی و عمامه هم از دیگر نشانه های حکومت اسلامی است.

در سرمقاله بیستم آبان کیهان لندن با عنوان «امروز و تداعی های دیروز» به قلم الاهه بقرات آمده است «با «عمامه پرانی» که توسط جوانان شکل گرفته، بلافاصله اهداف

گروگانگیری شهروندان اروپایی توسط جمهوری اسلامی ادامه دارد



آلسیا پیپرنو



آنا بانیرا سوارز

عراق، برای ادای احترام به مهسا (ژینا) امینی به مزار او در آرامستان سقر رفته بود، هنگام خروج دستگیر شد و پس از چند روز از اداره امنیت سندج به زندان اوین در تهران منتقل شد. از سرنوشت و اتهاماتی که جمهوری اسلامی در نظر دارد به این نظامی سابق اسپانیایی وارد آورد نیز اطلاعات بیشتری در دست نیست. این شهروند اسپانیایی پیاده از حومه مادرید برای رفتن به قطر برای حضور در بازی‌های جام جهانی در ماه ژانویه راه افتاده بود.

گروهی از قانونگزاران «حزب مردم» اسپانیا در پارلمان اروپا نیز در پرسشی کتبی از جوزپ بورل مقام ارشد سیاست خارجی و امنیت اروپا که او نیز اسپانیایی است، خواستند در رابطه با این دو گروگان و همچنین دیگر شهروندان اروپایی که در جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده‌اند تحقیق کرده و در تماس با مقامات ایران اقدامات لازم را برای آزادی آنها انجام دهد. گابریل ماتو یکی از این قانونگزاران اسپانیایی به کیهان لندن می‌گوید «ما نمی‌توانیم در مقابل گروگانگیری‌های جمهوری اسلامی و باج‌خواهی آنها برای آزادی شهروندان بی‌گناهی که زندانی کرده‌اند، سکوت اختیار کنیم و واکنشی نشان ندهیم. این سکوت نوعی باج به جمهوری اسلامی است و آنها را در گروگان گرفتن شهروندان اروپایی مصمم‌تر می‌کند زیرا دریافته‌اند از آنجا که ما برخلاف دولتمردان جمهوری اسلامی برای جان شهروندانمان ارزش بسیاری قائلیم و حاضریم تقاضاهای نامشروع آنها را بپذیریم.»

در حالی که نام سه اروپایی دیگر را باید به فهرست طولانی گروگان‌های خارجی در جمهوری اسلامی افزود، آلسیا پیپرنو، جهانگرد ایتالیایی که ۴ اکتبر بازداشت شده بود، آزاد شد و به ایتالیا بازگشت. «بهائی» که دولت ایتالیا برای آزادی آلسیا پیپرنو پرداخته است، سکوت کامل دولت جدید این کشور تا کنون در مورد خیزش مردمی در ایران است. دولت جدید ایتالیا که ۲۳ اکتبر بر سر کار آمد تا حال حتی یک کلمه در رابطه با خیزش مردمی «زن، زندگی، آزادی» نگفته است، اگرچه احزاب تشکیل دهنده این دولت ائتلافی در جریان کارزار انتخاباتی حتی تظاهرات‌هایی نیز در حمایت از این قیام برگزار کرده بودند.

بگذاریم. وزارت خارجه اسپانیا در تماس تلفنی کیهان لندن گفت اطلاعات بیشتری در مورد بازداشت آنا بانیرا سوارز در حال حاضر در اختیار ندارد و وزیر خارجه از آنخل لوسادا سفیر این کشور در تهران خواسته است که در تماس با مقامات جمهوری اسلامی اطلاعات بیشتری در مورد چگونگی بازداشت این زن جوان، دلیل این بازداشت و محل نگهداری او به دست آورد. یک دیپلمات سفارت اسپانیا در تهران به کیهان لندن گفت «ما در این زمینه با وجود چندین تماس با وزارت خارجه و وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران نتوانستیم اطلاعات قابل توجهی به دست آوریم.»

خانواده آنا بانیرا سوارز نیز دعوت کیهان لندن برای گفتگو در این رابطه را رد کردند و گفتند به آنها «توصیه» شده با رسانه‌ها گفتگو نکنند و در این رابطه فعلاً سکوت اختیار کنند. آنا بانیرا سوارز در شهر لاکرونیا در ایالت گالیسیا نام آشنایی است. این زن جوان که چند سالی با «کارتاس» نهاد خیریه بین‌المللی وابسته به کلیسای کاتولیک در انجام طرح‌هایی در بریتانیا، فرانسه و ارمنستان همکاری داشته است، دو سال پیش برای پاکسازی سواحل ایالت گالیسیا ۱۵۰۰ کیلومتر پیاده‌روی کرد و ۶۰۵ کیلو زباله جمع‌آوری کرد. آنا بانیرا سوارز در ماه ژوئن سال جاری در پستی در صفحه فیسبوک خود نوشته بود که سفری به آسیای میانه و خاورمیانه را آغاز خواهد کرد، ولی پس از آن هرگز گزارشی در مورد این سفر و کشورهایی که از آنها بازدید کرده یا قصد سفر به آنها را دارد منتشر نکرده بود. یکی از دوستان آنا بانیرا سوارز به کیهان لندن می‌گوید او برایش از تظاهرات گسترده در ایران، قتل مهسا، قیام زنان و دختران ایرانی علیه حجاب گفته و افزوده بود که خود را بسیار نزدیک به حرکت «زن، زندگی، آزادی» می‌بیند و قصد دارد در تظاهرات مسالمت‌آمیز آنها شرکت کند و از زبان آنان بشنود که چرا هفته‌هاست در خیابان هستند و اعتراض می‌کنند.

به احتمال زیاد آنا بانیرا سوارز در یکی از همین تظاهرات‌ها بازداشت شده است.

دوم اکتبر نیز یک اسپانیایی دیگر، سانتیاگو سانچز کوخدور که بلافاصله پس از ورود به ایران از اقلیم کردستان

● در ۷۲ ساعت گذشته سه شهروند اروپایی دیگر در جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده‌اند. دو نفر از این گروگان‌های جدید فرانسوی هستند و نفر سوم یک زن جوانان اسپانیایی به نام آنا بانیرا سوارز است.

● یک دیپلمات سفارت اسپانیا در تهران به کیهان لندن گفت «ما با وجود چندین تماس با وزارت خارجه و وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران نتوانسته‌ایم تا کنون اطلاعات قابل توجهی به دست آوریم.»

● خانواده آنا بانیرا سوارز دعوت کیهان لندن برای گفتگو را رد کردند و گفتند به آنها «توصیه» شده با رسانه‌ها گفتگو نکنند و در این رابطه فعلاً سکوت اختیار کنند.

● یک قانونگزار اسپانیایی در پارلمان اروپا می‌گوید «سکوت در مقابل گروگانگیری‌ها نوعی باج به جمهوری اسلامی است و آنها را در گروگان گرفتن شهروندان اروپایی مصمم‌تر می‌کند زیرا دریافته‌اند که ما حاضریم برای نجات جان شهروندانمان تقاضاهای نامشروع آنها را بپذیریم.»

- آلسیا پیپرنو جهانگرد ایتالیایی که ۴ اکتبر بازداشت شده بود، آزاد شد و به ایتالیا بازگشت. «بهائی» که دولت ایتالیا برای آزادی آلسیا پیپرنو پرداخته است، سکوت کامل دولت جدید این کشور تا کنون در مورد خیزش مردمی در ایران است!

احمد رأفت - در ۷۲ ساعت گذشته سه شهروند اروپایی دیگر در جمهوری اسلامی بازداشت شدند یا به زبان دیگر به گروگان گرفته شده‌اند. دو نفر از این گروگان‌های جدید فرانسوی هستند، ولی هیچ اطلاع بیشتری از جمله نام آنها اعلام نشده است. نفر سوم یک زن جوان اسپانیایی به نام آنا بانیرا سوارز (Ana Baniera Suarez) است. خبر بازداشت این زن ۲۴ ساله را برای اولین بار سازمان حقوق بشری هیرانا اعلام کرد. خبری که بلافاصله توسط وزارت خارجه اسپانیا تأیید شد.

خوزه مانوئل البارز وزیر خارجه اسپانیا در حاشیه نشستی در بروکسل به خبرگزاری اسپانیایی «اروپا پرس» گفت «دیپلمات‌های ما در تهران در تلاش هستند در اسرع وقت اطلاعات بیشتری را در این رابطه کسب کنند تا ما بتوانیم خانواده آنا و رسانه‌ها را در جریان این اتفاق ناگوار

گاردین:

چشم بستن فیفا بر کشتار مردم ایران «شرم‌آور» است



تیم فوتبال در خدمت رئیسی «قاضی مرگ» / دوشنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۱

از یک پاسخ سرراست طفره رفت. پس از درخواست‌های فراوان از سوی افراد و نهادهای مختلف برای محروم کردن تیم ملی ایران از جام جهانی، اینفانتینو غیرمستقیم کشورهای شرکت کننده در جام جهانی را تشویق کرد سیاست را از فوتبال جدا کنند و روی فوتبال تمرکز کنند. به نوشته «گاردین»، رئیس فیفا در رد درخواست‌ها برای محرومیت تیم جمهوری اسلامی ایران توضیح نداد که چگونه کمتر از یک سال قبل، فیفا روسیه را به دلیل حمله به اوکراین محروم کرد. همچنین فیفا در دوران «آپارتاید» تیم ملی آفریقای جنوبی و در زمان جنگ بالکان تیم «یوگسلاوی/ صربستان» را از بازی‌های بین‌المللی محروم نمود.

«گاردین» نتیجه می‌گیرد که این ایده «نادرست و در عین حال پایدار» که ورزش را می‌توان به ترتیبی از نظم سیاسی و اجتماعی و اقتصادی که آن را به وجود آورده جدا کرد، زیربنای «رویکرد معیوب» فیفا به جام جهانی است. اینهمه در حالیست که تیم فوتبال ایران روز دوشنبه ۲۳ آبان به خدمت ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» و رفته و دست به سینه به وی قول دادند که در قطر «دل مردم» را شاد کنند آنهم در شرایطی که نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی هشت هفته است در خیابان‌ها و مدارس و دانشگاه مردم را می‌زنند و می‌کشند و دستگیر می‌کنند. کارلوس کیروش سرمربی پرتغالی تیم فوتبال ایران نیز در این دیدار حضور داشت و همگی در کنار رئیسی عکس یادگاری گرفتند.

این دیدار و دست به سینه ایستادن بازیکنان این تیم با واکنش منفی و شدید ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی مواجه شد.

ایران نیز آشکار شده که رژیم قصد دارد از آنها و فوتبال برای ارائه دادن یک چهره عادی از خود و منحرف کردن توجه اذهان عمومی جهان از بحران داخلی سوء استفاده کند. جیانی اینفانتینو رئیس فدراسیون بین‌المللی فوتبال در برابر این سوال که چگونه ممکن است تیم ملی کشوری که مردم کشورش را قتل عام می‌کند، و بطور غیرمستقیم با مردم کشورهای دیگر در جنگ است، در جام جهانی شرکت کند؟



کارلوس کیروش در کنار «قاضی مرگ»

این ایده که ورزش را می‌توان از نظم سیاسی و اجتماعی و اقتصادی که آن را به وجود آورده جدا کرد، زیربنای رویکرد معیوب فیفا به جام جهانی است.

رئیس فیفا در رد درخواست‌ها برای محرومیت تیم جمهوری اسلامی ایران توضیح نداد که چگونه کمتر از یک سال قبل، فیفا روسیه را به دلیل حمله به اوکراین محروم کرد. همچنین فیفا در دوران «آپارتاید» تیم ملی آفریقای جنوبی و در زمان جنگ بالکان تیم «یوگسلاوی/ صربستان» را از بازی‌های بین‌المللی محروم نمود.

اینهمه در حالیست که تیم فوتبال ایران روز دوشنبه ۲۳ آبان به خدمت ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» و رفته و دست به سینه به وی قول دادند که در قطر «دل مردم» را شاد کنند آنهم در شرایطی که نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی هشت هفته است در خیابان‌ها و مدارس و دانشگاه مردم را می‌زنند و می‌کشند و دستگیر می‌کنند. روزنامه گاردین در مقاله‌ای به بررسی حضور تیم فوتبال ایران در جام جهانی قطر پرداخته و گفته در حالی که جمهوری اسلامی معترضان ضد حکومت را به قتل می‌رساند، چشم بستن «فیفا» بر این امر و محروم نکردن فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی از حضور در رقابت‌های بین‌المللی «شرم‌آور» است.

به نوشته «گاردین»، برخی رژیم‌ها مثل سوریه و میانمار جان مردم کشور خود را می‌گیرند، برخی دیگر مانند روسیه مردم کشورهای دیگر مثل اوکراین را می‌کشند، اما رژیم ایران هم مردم کشور خودش هم مردم کشورهای دیگر را به قتل می‌رساند.

گاردین نوشته: «این حقیقت حتی بر بازیکنان تیم ملی

مردم می‌گویند تیم فوتبالی که به قطر رفت «ملی» نیست؛ یحیی گل محمدی به فوتبالیست‌ها: نمره معرفت شما صفر است!



بازیکنان دست به سینه در برابر «قاضی مرگ» / دوشنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۱

همبستگی با مردم معترض و همدردی با خانواده‌های کشته‌شدگان اعتراضات ضدحکومتی در ایران، دعوت‌نامه رسمی فیفا و فدراسیون فوتبال قطر برای حضور او و خانواده‌اش در جام جهانی ۲۰۲۲ را رد کرد.

دایی در اینستاگرامش نوشت «در این روزها که حال دل اکثر ما خوب نیست به دعوت رسمی فیفا و فدراسیون فوتبال قطر برای حضور در جام جهانی به همراه همسر و دخترانم جواب منفی دادم که کنار شما در میهنم باشم و همدردی خود را با تمام خانواده‌هایی که عزیزان خود را در این روزها از دست داده‌اند اعلام کنم.» روزنامه «گاردین» در مقاله‌ای به بررسی حضور تیم فوتبال ایران در جام جهانی قطر پرداخته می‌نویسد در حالی که جمهوری اسلامی معترضان ضدحکومتی را به قتل می‌رساند، چشم بستن «فیفا» بر این امر و محروم نکردن فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی از حضور در رقابت‌های بین‌المللی «شرم‌آور» است.

بعضی از کاربران شبکه‌های اجتماعی تیم فوتبال جمهوری اسلامی را با تیم آلمان نازی مقایسه کرده و خشم و انزجار خود را هم از این فوتبالیست‌ها و هم از جمهوری اسلامی در سوء استفاده از آنها ابراز داشته‌اند.

برخی منابع غیررسمی مدعی‌اند بازیکنان تیم فوتبال مجبور بودند به دیدار رئیس برون با اینهمه انتقاد بسیاری از مردم این است که اجبار به کنار وی دیگر این ذوق و شوق برای دیدن «قاضی مرگ» و دست به سینه نشستن و مجیز گفتن برای چه بود؟!

منابعی می‌گویند فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی و نهادهای امنیتی رژیم از قطری‌ها که میزبان برگزاری رقابت‌های جام جهانی هستند خواسته‌اند اجازه ورود پرچم شیروخورشید به داخل استادیوم‌های محل برگزاری رقابت‌های تیم فوتبال را ندهند و همچنین از سردادن هرگونه شعار علیه جمهوری اسلامی جلوگیری شود! حال آنکه به نظر می‌رسد جام جهانی فوتبال مانند دیگر عرصه‌های بین‌المللی به کارزار دیگری علیه رژیم جنایتکار حاکم بر ایران تبدیل شود.

وحید امیری بازیکن حکومتی در این دیدار در چابک‌لوسی از رئیسی سنگ تمام گذاشت و بدون هیچ اشاره‌ای به وضعیت مردم و اعتراضات آنها به «قاضی مرگ» گفت «حمایت مادی و معنوی خود را از بازیکنان دریغ نکنید!» آنچه در این دیدار گذشت خشم مردم از بازیکنان و کادرفنی تیم ملی را بیشتر کرد و واکنش زیادی را در شبکه‌های اجتماعی به دنبال داشت.

روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی درباره لیست تیم فوتبال نوشت «علی کریمی بازیکن ۲۸ ساله پیشین استقلال که در ترکیه بازی می‌کند، به تیم ملی دعوت نشد چون هم‌نام علی کریمی ستاره پیشین تیم ملی و از حامیان اصلی اعتراضات ایران است. هراس از تشویق او در جام جهانی موجب خط خوردن علی کریمی جوان شد.»

علی دایی فوتبالیست معروف ایران و جهان نیز در

● وحید امیری بازیکن حکومتی در دیدار با رئیسی «قاضی مرگ» بدون هیچ اشاره‌ای به وضعیت مردم و اعتراضات آنها از او خواست: «حمایت مادی و معنوی خود را از بازیکنان دریغ نکنید!»

● یحیی گل محمدی سرمربی تیم فوتبال پرسپولیس تهران در واکنش به این دیدار در یک استوری نوشت «برای بازیکنان تیم ملی این بهترین فرصت بود که صدای مردم داغ‌دیده و مظلوم ایران را به گوش مسئولین برسانند ولی... توی درس معرفت بیشتر از صفر می‌شود به شما داد.»

● علی دایی فوتبالیست معروف ایران و جهان در همبستگی با مردم معترض و همدردی با خانواده‌های کشته‌شدگان اعتراضات ضدحکومتی در ایران، دعوت‌نامه رسمی فیفا و فدراسیون فوتبال قطر برای حضور او و خانواده‌اش در جام جهانی ۲۰۲۲ را رد کرد.

بازیکنان تیم فوتبال جمهوری اسلامی ایران در شرایطی برای حضور در رقابت‌های جام جهانی به دوحه قطر رسیدند که شماری از آنها ساعاتی قبل از رفتن به فرودگاه دست به سینه با ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» دیدار کرده بودند.

دیدار کارلوس کیروش سرمربی تیم فوتبال جمهوری اسلامی و این بازیکنان مردم را خشمگین‌تر کرد زیرا توقع داشتند این افراد با توجه به جایگاه و موقعیتی که در جامعه دارند صدای مردم باشند. رئیسی در این دیدار گفت: «تلاش تیم ملی در زمین مسابقه از جمله آورده‌هایی است که می‌تواند موجب تقویت انسجام و همدلی بیشتر ملت بزرگ ایران و ناکام ماندن خواست دشمنان شود.»

یحیی گل محمدی سرمربی تیم فوتبال پرسپولیس تهران در واکنش به این دیدار در یکی استوری نوشت «برای بازیکنان تیم ملی این بهترین فرصت بود که صدای مردم داغ‌دیده و مظلوم ایران را به گوش مسئولین برسانند ولی... توی درس معرفت بیشتر از صفر می‌شود به شما داد.»



علی دایی در مراسم قرعه‌کشی جام جهانی

ملیکا بلالی برنده مدال طلای کشتی برای اسکاتلند: جمهوری اسلامی مرا تهدید کرد



ملیکا بلالی / گلاسکو



اعتراض ملیکا بلالی علیه حجاب اجباری در مسابقات قهرمانی کشتی بریتانیا / ژوئن ۲۰۲۲

ملیکا بلالی می‌افزاید: «مسئله فقط بر سر پوشش نیست! شما لباس را می‌بینید که بدن را می‌پوشاند، روسری را می‌بینید که موها را می‌پوشاند اما اینها فقط لباس نیست! شما مجبور می‌شوید ذهن خود را نیز بپوشانید! اما از وقتی اینجا هستم، احساس آزادی می‌کنم. نه فقط به این دلیل که در کشتی آزاد هستم چون مجبور نیستم سه لایه لباس بپوشم بلکه به این دلیل که آزادانه فکر می‌کنم؛ من آزاد هستم تا چیزی را بنا کنم که برای من باشد.»

ملیکا بلالی که اکنون در ادینبورگ زندگی می‌کند، درواقع بین دو دنیا سفر کرده است. او اعتراف می‌کند که تهدید شدن «وحشتناک» است اما احساس می‌کند در اسکاتلند می‌تواند در یک محیط نسبتاً امن در مورد بی‌عدالتی‌ها در ایران صحبت کند.

دیدن هموطنان‌اش در مواجهه با خشونت عریان در خیابان‌های ایران دردناک است اما باعث افتخار او نیز می‌شود به ویژه وقتی زنان جوان را در خط مقدم اعتراضات می‌بیند. او نیز اخیراً در همراهی اعتراضی با زنان ایران در تظاهرات شهر گلاسکو موهای خود را تراشید.

ملیکا بلالی دست‌کم دو بار در روز تمرین می‌کند و امیدوار است برای تیم ملی بریتانیا در سطح بین‌المللی رقابت کند.

همزمان خیزش زنان ایران او را تشویق کرده که به سخنان اعتراضی خود ادامه دهد. او می‌گوید «قدرت آنها انرژی و پتانسیل مرا برای کسب مدال طلای بعدی افزایش می‌دهد. هدف فقط دریافت مدال طلا نیست بلکه آن سکوی پیروزیست که وقتی بالای آن بایستم می‌توانم از آنجا با صدای بلندتری صحبت کنم. قدرت من از وطنم می‌آید. من ۱۸ سال در ایران زندگی کردم، اما هیچ زندگی نداشتم. هیچ احساسی نداشتم. وقتی ایران را ترک کردم و به اسکاتلند آمدم، شروع کردم به فکر کردن؛ با این فکر من زنده‌ام و احساس زندگی می‌کنم.»

است، حجاب از سر بر می‌دارند. در چنین شرایطی، ملیکا بلالی به «بی‌بی‌سی اسکاتلند» گفته است از زمانی که شروع به صحبت در مورد حقوق زنان کرده، تهدیدهایی از سوی حکومت جمهوری اسلامی در شبکه‌های اجتماعی دریافت کرده است. او گفت: «آنها سعی کردند محل زندگی مرا پیدا کنند و اینکه با چه کسانی تمرین می‌کنم. اما به کمک پلیس اسکاتلند با خیال راحت زندگی می‌کنم؛ در یک منطقه امن تمرین می‌کنم و امنیت دارم.»

وی تعریف می‌کند: «اولین بار که در منچستر لباس کشتی پوشیدم، خانواده‌ام دیگر با من صحبت نکردند. آنها فکر می‌کنند باعث سرافکنده‌گی‌شان شدم. اما من خوشحالم چون خودم تصمیم گرفتم که همین باشم که هستم. این تهدیدها مرا قوی‌تر می‌کند. وقتی تهدیدهایی از سوی جمهوری اسلامی دریافت می‌کنم، فکر می‌کنم راهم درست است؛ وگرنه اگر اشتباه می‌کردم، چرا آنها مرا تهدید می‌کنند؟!»

در همین ارتباط پلیس اسکاتلند اعلام کرده است که از تهدیدات آنلاین علیه این کشتی‌گیر جوان در ماه ژوئیه مطلع شده و به همین دلیل «تحقیقات انجام شد و یک طرح ایمنی در حال انجام است.»

ملیکا بلالی که در شهرکرد در استان چهارمحال و بختیاری به دنیا آمده، می‌گوید که پدر و مادرش او را از سن پنج سالگی وادار به رعایت حجاب کردند. او همچنین گفت که به دلیل زن بودن با وجود اینکه کشتی یک سنت در خانواده‌شان بوده اما او اجازه نداشت این ورزش را دنبال کند.

این وضعیت در سال ۲۰۱۸ زمانی که فدراسیون کشتی ایران یک تیم زنان نیز تشکیل داد، تغییر کرد. البته ملیکا بلالی مجبور بود با لباس پوشیده یعنی شلوار بلند و تی‌شرت گشاد و حجابی که موهایش را می‌پوشاند در تمرین و مسابقه شرکت کند. او می‌گوید پرداختن آزادانه به این ورزش، دلیل اصلی وی برای ترک خانه بود.

● ملیکا بلالی کشتی‌گیر جوان ایرانی پس از مهاجرت به اسکاتلند در نوامبر ۲۰۲۱، به فدراسیون کشتی این کشور پیوست و چند ماه بعد در ژوئن ۲۰۲۲ در مسابقات قهرمانی بریتانیا در منچستر در مسابقات زنان بزرگسال مدال طلا دریافت کرد.

● او در مراسم اهدای مدال این نوشته را رو به دوربین‌ها گرفته بود: «حجاب اجباری را متوقف کنید! من حق دارم کشتی‌گیر باشم!»

به گزارش وبسایت بی‌بی‌سی جهانی، دختر کشتی‌گیر ایرانی که برای اسکاتلند طلا کسب کرده بود، پس از تهدید توسط جمهوری اسلامی تحت حفاظت پلیس اسکاتلند قرار گرفت.

ملیکا بلالی هنگامی که در مسابقات کشتی قهرمانی بریتانیا در ماه ژوئن بر سکوی پیروزی قرار گرفت به حجاب اجباری در ایران اعتراض کرد. وی که ۲۲ سال دارد گفت از همان زمان خانواده‌اش با او قطع رابطه کرده‌اند. اعتراض ملیکا بلالی علیه حجاب اجباری در مسابقات قهرمانی کشتی بریتانیا / ژوئن ۲۰۲۲

این اعتراض دو ماه قبل از قتل حکومتی مهسا امینی بود که در بازداشت گشت ارشاد و پلیس امنیت اخلاقی جان خود را از دست داد و اعتراضاتی سراسری را در ایران موجب شد که همچنان ادامه دارد.

ملیکا بلالی کشتی‌گیر جوان ایرانی پس از مهاجرت به اسکاتلند در نوامبر ۲۰۲۱، به فدراسیون کشتی این کشور پیوست و چند ماه بعد در ژوئن ۲۰۲۲ در مسابقات قهرمانی بریتانیا در منچستر در مسابقات زنان بزرگسال مدال طلا دریافت کرد.

او در مراسم اهدای مدال این نوشته را رو به دوربین‌ها گرفته بود: «حجاب اجباری را متوقف کنید! من حق دارم کشتی‌گیر باشم!»

بی‌بی‌سی جهانی نوشته است حالا بسیاری از زنان و دختران در ایران در اعتراضاتی که سراسر کشور را فرا گرفته

افزایش ناچیز حقوق‌ها؛ اقدامی دیرهنگام و بی‌نتیجه برای حل مشکلات معیشتی

اینکه مشابه کارکنان دولت عیدی بگیریم.» امضاکنندگان این بیانیه جمهوری اسلامی را تهدید کردند و نوشتند که «در مورد میزان عیدی که به ضرر ماست، کارکنان دولت محسوب می‌شویم در سایر موارد می‌گویند کارگرید! امسال سال پایان این تبعیض است.» اتحاد سراسری بازنشستگان ایران، گروه اتحاد بازنشستگان، گروه مستقل بازنشستگان تهران، کانون گفتگوی بازنشستگان تامین اجتماعی و شورای بازنشستگان ایران از امضاکنندگان این بیانیه هستند.

اینهمه در حالیست که دولت و مجلس شورای اسلامی برای جلوگیری از پیوستن کارمندان دولت، افزایش حقوق کارمندان و بازنشستگان لشکری و کشوری را قطعی کرده و قرار است



از ماه آینده این افزایش حقوق‌ها اعمال شود. این در حالیست که پولی برای افزایش حقوق‌ها در دست نیست و قرار است به صندوق ذخیره ارزی که خالی است دستبرد زده شود! به بیان دیگر دولت به احتمال زیاد ناچار به چاپ پول بی‌پشتوانه خواهد بود که به معنای افزایش نقدینگی و شوک افزایشی به تورم است.

به عقیده کارشناسان تا زمانی که اقتصاد ایران به دلیل نگاه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و هزینه‌های تحمیل شده از این نگاه بر کشور، در انزوا قرار دارد مشکل تورم حل نخواهد شد و افزایش ناچیز حقوق‌ها هم نمی‌تواند مشکلات خانوارها برای تأمین هزینه زندگی را حل کند.

در همین رابطه مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز معتقد است که «اگر در کوتاه‌مدت مشکل تحریم‌ها حل نشود، تورم ادامه پیدا می‌کند و کنترل نقدینگی کار سخت‌تری می‌شود. ضمن اینکه از سوی دیگر نیز بسیاری از واحدهای اقتصادی در پی تحریم‌ها و سیاست‌های ناکارآمد زمین‌گیر شدند و این منجر به رکود شده است؛ بنابراین رکود منجر به بی‌کاری و بی‌کاری منجر به فقر و نابرابری بیشتری می‌شود. در نهایت نیز عوارض اجتماعی آن را خواهیم دید.» به گفته مرتضی افقه «بلاکلیفی و رکود شدید اقتصادی به مرحله‌ای رسیده است که افرادی که چندان علم اقتصاد هم ندارند، می‌توانند آینده اقتصاد را پیش‌بینی کنند. ما هم تداوم رکود و هم تداوم تورم را خواهیم داشت. فشار تورم هم از سمت عرضه و هم از سمت تقاضا را خواهیم داشت. سمت عرضه را کاری نمی‌تواند بکنند چون فرمولی ندارند، درواقع نمی‌توانند تولید را بالا ببرند که عرضه خود را به تقاضا برسانند. سوی دیگر هم تقاضا و نقدینگی است که چون ساختارها نقدینگی‌زا هستند، چندان نمی‌توانند کنترلش کنند. این شرایط خبر از تداوم تورم بالای ۴۰ درصد در ماه‌های آینده می‌دهد.»

مازندران نیز گفته با وجود همه وعده‌ها اما همسان‌سازی حقوق بازنشستگان به سال آینده موکول شده است. این فعال صنفی گفته که «دلیل همسان‌سازی مستمری بازنشستگان، عدم افزایش حقوق کارگران در طول تاریخ بر اساس قانون است؛ لذا کارگران پس از بازنشستگی دچار خلاء میان زمان دریافت حقوق و پرداختی می‌شدند. سال گذشته به میزان ۷۵ درصد متناسب‌سازی اجرایی و پرداخت شد؛ اجرای ۲۵ درصد باقی مانده‌ی آن، طبق قانون، وظیفه‌ی وزارت کار و مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی است و نباید با موکول آن به سال آینده بار بدهی خود را نسبت به جامعه کارگری سنگین‌تر نمایند.» علت عقب‌افتادن افزایش حقوق‌ها و اجرای قوانینی چون همسان‌سازی حقوق اقشار حقوق‌بگیر نیست بلکه کسری بودجه در جمهوری اسلامی است.

به نظر می‌رسد دولت که منابع کافی برای افزایش حقوق‌ها ندارد به اشکال مختلف تلاش دارد پرداخت‌ها را به کمترین رقم ممکن برساند. نمونه این تلاش‌های دولت، محاسبه عیدی بازنشستگان تأمین اجتماعی معادل عیدی کارمندان دولت است. رقم عیدی کارمندان دولت عددی ثابت و حدود یک میلیون ۶۰۰ هزار تومان است در حالیکه رقم عیدی بازنشستگان تأمین اجتماعی باید معادل با عیدی اقشار کارگری و معادل یک ماه حقوق باشد. حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی دستکم حدود ۵ میلیون تومان است!

در اعتراض به این اقدام دولت شماری از تشکلهای بازنشستگان با صدور بیانیه‌ای مشترک به دولت انتقاد کرده و نوشتند که «طبق سنوات تبعیض آمیز گذشته عیدی بازنشستگان تأمین اجتماعی را دولت تعیین می‌کند و مبلغ آن به اندازه‌ی عیدی کارمندان دولت است. در حالیکه ما بازنشستگان تأمین اجتماعی، مشمول قانون کار هستیم؛ درنتیجه، همه دریافتی‌های ما باید مشمول قانون کار باشد نه

● نماینده کارگران شهرداری زنجان: امروز دستمزد کارگران در خوش‌بینانه‌ترین حالت، کمتر از ده روز تمام می‌شود و اگر یک مریض در خانه باشد، حقوق ماهیانه هم کفاف هزینه‌های درمان را نمی‌دهد.

● رئیس کانون کارگران بازنشسته اصفهان: افزایش حقوق باید در فروردین‌ماه اعمال می‌شد و متأسفانه هنوز هم ۵ ماه عقب‌افتادگی حقوق بازنشستگان را پرداخت نکرده‌اند.

● علت عقب‌افتادن افزایش حقوق‌ها و اجرای قوانینی چون همسان‌سازی حقوق اقشار حقوق‌بگیر نیست بلکه کسری بودجه در جمهوری اسلامی است.

تورم فزاینده در اقتصاد ایران ادامه دارد و فاصله میان دستمزدها و هزینه زندگی هر روز بیشتر می‌شود. طی دو ماه گذشته و در حالی که مردم سراسر کشور اعتراضاتی گسترده و انقلابی علیه جمهوری اسلامی را پیش می‌برند، دولت و مجلس شورای اسلامی وعده‌هایی درباره افزایش حقوق اقشار مختلف کارگر، کارمند و بازنشسته داده اما اجرای این وعده‌ها مدام عقب می‌افتد. از سوی دیگر کارشناسان اقتصادی نسبت به شیوه‌هایی که دولت برای افزایش حقوق‌ها در نظر دارد هشدار داده و معتقدند دولت بر آتش تورم خواهد دمید و مشکلات معیشتی اقشار حداقل‌بگیر را بیشتر خواهد کرد.

رقم دستمزدها در ایران سال‌هاست با نرخ تورم و هزینه‌های زندگی هیچ تناسبی ندارد اما طی دو سال گذشته فاصله میان دستمزد و هزینه زندگی، به ویژه در میان اقشار حداقل‌بگیر کارگر و بازنشسته به شدت افزایش یافته است.

عبدالعظیم همایونی نماینده کارگران شهرداری زنجان گفته که «امروز دستمزد کارگران در خوش‌بینانه‌ترین حالت، کمتر از ده روز تمام می‌شود و اگر یک مریض در خانه باشد، حقوق ماهیانه هم کفاف هزینه‌های درمان را نمی‌دهد. یعنی حتی خدمات بیمه هم به درستی به کارگران داده نمی‌شود. از هر طرف فشار بر روی دوش کارگران است و بدون توجه به این فشار سنگین، سیاستهای منفعلانه در قبال کارگران به کار برده می‌شود.» این فعال کارگری با اشاره به لزوم ترمیم حقوق کارگران گفته که «حداقل دستمزد امسال ۵۷ درصد افزایش یافت اما بعد از مدتی اثر این افزایش دستمزد از بین رفت و قیمت‌ها به قدری افزایش یافت که حتی وضعیت از قبل هم بدتر شد. امروز دستمزد حدود سی درصد از سبد معیشت را پوشش می‌دهد؛ با این اوصاف لزوم ترمیم دستمزد امری مسلم است اما ظاهراً برای هیچ کدام از متولیان امر اهمیتی ندارد.»

عبدالعظیم همایونی افزوده که «فشار اقتصادی کمر کارگران را شکسته است. روغنی که ۸ هزار تومان بوده امروز ۶۸ هزار تومان شده است؛ از همین یک رقم می‌شود وضعیت کارگران را فهمید. اگر دولت می‌توانست مانع افزایش نرخ تورم شود ما به همین افزایش سالانه‌ی حقوق رضایت می‌دادیم، اما وقتی دولت نمی‌تواند نرخ تورم را کنترل کند و برعکس، برخی سیاست‌ها باعث افزایش قیمت‌ها و نرخ تورم می‌شود، باید به فکر ترمیم دستمزد هم بودیم.»

حسن هاشمیان رئیس کانون کارگران بازنشسته اصفهان نیز درباره افزایش حقوق‌ها که دولت وعده داده گفته که «قاعدتا افزایش حقوق باید در فروردین‌ماه اعمال می‌شد؛ قدرت خرید در آن ماه بیشتر از ماه‌های دیگر سال جاری بود؛ متأسفانه هنوز هم ۵ ماه عقب‌افتادگی حقوق بازنشستگان را پرداخت نکرده‌اند و گفتنی است که قصد واریز یک ماه معوقه در هر ماه را دارند که نوعی ظلم و اجحاف در حق بازنشستگان می‌باشد.» حسن هاشمیان افزوده که «این نگاه تحقیرآمیز از سوی مسئولین به بازنشستگان قابل پذیرش برای جامعه کارگری نیست؛ باید به حقوق قشر کارگر و بازنشسته احترام قائل شوند تا متقابلاً مورد احترام قرار بگیرند.»

نصرالله دریایی‌گی رئیس کانون عالی بازنشستگان استان

ادامه حمایت‌های بین‌المللی از «انقلاب» ایران؛ سرکوب‌ها نشان می‌دهد جمهوری اسلامی از سرنگونی بیم دارد

● سازمان‌های حقوق بشری در مورد اجرای احتمالی احکام اعدام در ایران هشدار داده‌اند اما برخی تحلیلگران امور ایران می‌گویند هرچند نمایندگان مجلس میل به اعدام معترضان دارند اما بیم این را نیز دارند که اجرای این احکام خشم مردم را تشدید و موج اعتراضات را شدیدتر کند.

● ریک اسکات سناتور جمهوریخواه فلوریدا با اشاره به گزارش سی‌ان‌بی‌سی در توییتری می‌نویسد «ایالات متحده چشم خود را روی رفتار بد رژیم ایران با معترضان نخواهد بست».

● ویلیام بیلستروم وزیر خارجه سوئد درباره خیزش سراسری در ایران و سرکوب وحشیانه آن گفت: «وضعیت سرکوب‌ها در ایران بدتر شده و میزان خشونت حکومت علیه مردم در خیابان‌ها وحشتناک است».

● امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه با حمایت از خیزش سراسری در ایران خطاب به مقامات جمهوری اسلامی گفته بود «انقلاب» در ایران به چشم انداز توافق اتمی آسیب می‌زند!

● رابرت مالی نماینده آمریکا در امور ایران می‌گوید که یک جنبش «مردمی، عمیق، مداوم و شجاعانه» در ایران وجود دارد که به نظر می‌رسد، ضعیف شود. وی تأکید کرد «این صفحه از تاریخ ایران را خود ایرانی‌ها می‌نویسند» و در «واشنگتن، بروکسل، پاریس یا لندن» نوشته نخواهد شد.

شبکه «سی‌ان‌بی‌سی» با اشاره به تداوم خیزش ضدحکومتی در ایران با استناد به گزارش سازمان ملل نوشت در دومه گذشته حدود ۱۴ هزار نفر در ایران بازداشت شدند و برای حدود هزار نفر به اتهام دست داشتن در ناآرامی‌ها حکم قضایی صادر شده است.

در این گزارش که روز سه‌شنبه ۱۵ نوامبر (۲۴ آبان‌ماه) منتشر شد به صدور حکم اعدام برای بعضی زندانیان و درخواست ۲۲۷ نماینده مجلس شورای اسلامی از قوه قضائیه جمهوری اسلامی برای اجرای سریع‌تر احکام علیه معترضان و حتا اجرای حکم اعدام اشاره شده است.

هرچند سازمان‌های حقوق بشری در مورد اجرای احتمالی احکام اعدام در ایران هشدار داده‌اند اما برخی تحلیلگران امور ایران می‌گویند با وجود تمایل نمایندگان تبهکار مجلس اسلامی به اعدام معترضان، اما حکومت بیم آن را دارد که اجرای این احکام خشم مردم را تشدید و موج

وزارت خارجه آمریکا:

سازمان مجاهدین خلق را نماینده مردم ایران نمی‌شناسیم



این سازمان در نشست‌های سالانه خود دعوت می‌کند، بلکه شماری از مقامات پیشین آمریکا از جمله مایک پنس معاون پیشین دوران ریاست جمهوری ترامپ، رودی جولیانو مشاور وکیل دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری سابق و مایک پمپئو وزیر خارجه پیشین با رهبران سازمان مجاهدین دیدار کرده‌اند و یا در نشست‌های این گروه سخنرانی نموده‌اند.

یکی دیگر از نشانه‌های «استقلال» سازمان مجاهدین خلق این است که با عربستان سعودی هم روابط خوبی داشته و از مقامات آن کشور نیز برای سخنرانی در نشست‌های خود دعوت کرده‌اند!

سازمان مجاهدین خلق که جمهوری اسلامی آنها را از جمله به این دلیل که به نوع دیگری از جنس خودش هستند، «منافقین» می‌نامد، پس از دفاع جانانه از انقلاب اسلامی و رهبری آن و رأی آری به جمهوری اسلامی، از آنجا که خمینی هیچ سهمی به آنها در قدرت نداد، در سال‌های ابتدایی حکومت اسلامی با وی اختلاف پیدا کردند و پس از مجموعه‌ای از ترور و مہب‌گذاری به عراق گریختند و در طول جنگ هشت ساله عراق و ایران از صدام حسین حمایت کردند. اعضای باقیمانده آنها اگرچه سال‌هاست در آلبانی مستقر هستند اما این سازمان ادعا می‌کند که شبکه‌ای از مخالفین را در داخل ایران مدیریت می‌کند.

گفتنی است چندی پیش قرار بود این سازمان نشست بزرگ با حضور سران آن و همچنین سناتورها و نمایندگان کنگره آمریکا و دیگر مقامات فعلی و پیشین غربی در آلبانی برگزار کند. سازمان مجاهدین خلق گفته بود که هدفش از برگزاری این نشست این بود تا از دولت جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا بخواهد که سیاستی قاطع علیه جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کند. اما بعداً در بیانیه‌ای اعلام کردند که به دلایل امنیتی و به علت «تهدیدات و توطئه‌های تروریستی» به توصیه دولت آلبانی، این نشست تا اطلاع ثانوی به تعویق افتاده است. در آن زمان گزارش‌های متعددی از حملات سایبری گسترده به زیرساخت‌های دولتی آلبانی منتشر شده بود که بر اساس شواهد این اقدام‌ها از سوی هک‌رهایی در داخل ایران صورت گرفته است.

این حملات هکری موجب از کار افتادن بخش مهمی از زیرساخت‌های نهادهای دولتی آلبانی و فلج شدن ارائه سرویس به شهروندان این کشور شده بود.

● «هرچند ایالات متحده از ماه سپتامبر سال ۲۰۱۲ دیگر سازمان مجاهدین خلق را یک سازمان تروریستی خارجی در نظر نمی‌گیرد، اما واشنگتن این سازمان را به عنوان یک جنبش دموکراتیک قابل اتکای مخالفان حکومت ایران که نماینده مردم این کشور، محسوب شود نمی‌شناسد».

● سازمان مجاهدین خلق که جمهوری اسلامی آنها را از جمله به این دلیل که به نوع دیگری از جنس خودش هستند، «منافقین» می‌نامد، پس از دفاع جانانه از انقلاب اسلامی و رهبری آن و رأی آری به جمهوری اسلامی، از آنجا که خمینی هیچ سهمی به آنها در قدرت نداد، در سال‌های ابتدایی حکومت اسلامی با وی اختلاف پیدا کردند و پس از مجموعه‌ای از ترور و مہب‌گذاری به عراق گریختند و در طول جنگ هشت ساله عراق و ایران از صدام حسین حمایت کردند.

وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای ضمن رد هرگونه حمایت از سازمان مجاهدین خلق، اعلام کرد که این گروه مخالف حکومت ایران را «یک جنبش دموکراتیک قابل اتکا» و «نماینده مردم ایران» نمی‌داند.

به گزارش صدای آمریکا، وزارت خارجه ایالات متحده ادعای «حمایت» از سازمان مجاهدین خلق در آلبانی و «آموزش» اعضای این گروه را رد کرده است.

مریم رجوی و سناتور مک‌کین؛ تیرانا؛ ۱۴ آوریل ۲۰۱۷ در بخشی از بیانیه یکی از سخنگوهای این وزارتخانه آمده است: «هرچند ایالات متحده از ماه سپتامبر سال ۲۰۱۲ دیگر سازمان مجاهدین خلق را یک سازمان تروریستی خارجی در نظر نمی‌گیرد، اما واشنگتن این سازمان را به عنوان یک جنبش دموکراتیک قابل اتکای مخالفان حکومت ایران که نماینده مردم این کشور، محسوب شود نمی‌شناسد».

واشنگتن در بخش دیگری از این بیانیه تأکید کرده: «همچنان نگرانی‌های جدی درباره سازمان مجاهدین خلق از جمله ادعاهای مطرح شده درباره سوء استفاده از اعضای این گروه دارد.» سازمان مجاهدین در واکنشی عجیب به این بیانیه اعلام کرده که موضع‌گیری ایالات متحده نشان دهنده «استقلال» این گروه است!

این در حالیست که این سازمان که نه تنها همیشه با صرف هزینه‌های هنگفت از مقامات بازنشسته ایالات متحده و همچنین سیاستمداران این کشور برای سخنرانی و دفاع از

ضرر مالی شرکت «اسنپ فود» بعد از لو دادن اطلاعات اشخاص؛ مجازات همکاری با سرکوبگران!



تبلیغات شهری «اسنپ فود»

جلوه خواهد کرد.» این در حالیست که جمهوری اسلامی با فیلترینگ تلگرام و واتس آپ و اینستاگرام هر بار خسارت میلیونی به صاحبان کار و کسب‌های به ویژه کوچک و خانگی وارد آورده است!

البته در بخشی از گزارش «نور نیوز» آمده «ارقام عجیب و غریب متفاوتی که حتی به چند ده میلیارد دلار در ماه نیز بالغ می‌شود در طول هفته‌های اخیر به عنوان خسارت وارد شده به کسب و کارهای دیجیتال اعلام شده که عموماً مبنای کارشناسی صحیحی ندارد.»

اما واقعیت این است که صاحبان این شرکت‌ها یا سرمایه‌گذاران آن روابطی با حکومت دارند که سبب بی‌اعتمادی مردم شده و در نهایت تصمیم به بایکوت کردن و تحریم این شرکت‌ها گرفتند. علاوه بر این آنچه به کسب و کارهای دیجیتال ضرر اصلی را زده قطع شدن‌های مداوم اینترنت است که مستقیم در اختیار حکومت قرار دارد و اتفاقاً یکی از مسئولان آن شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی است.

منبع آگاه به کیهان لندن می‌گوید: «هر وقت فروش شرکت افت شدید می‌کند بلافاصله برای مشتری‌ها کد تخفیف ۱۵ هزار تومانی اعلام می‌کنند.»

به خاطر درز اطلاعات مربوط به کاهش فروش «دیجی کالا» و «اسنپ فود» سختگیری علیه کارکنان آن نیز زیاد شده است.

دو هفته پیش گروه هکری آنانیوس با هک اسنپ فود افشا کرد که این شرکت وابسته به اسنپ، اطلاعات کاربرانش را در اختیار سازمان اطلاعات سپاه (ساس) قرار داده است. اکنون کارزاری به راه افتاده که مردم علاوه بر محصولات «پگاه» و «میهن» قصد بایکوت محصولات «زمزم» و «طبیعت» و «دلپذیر» را نیز دارند و می‌خواهند خرید از فروشگاه زنجیره‌ای «افق کوروش»، «رفاه» و «اتکا» را هم تحریم کنند.

● یک منبع آگاه به کیهان لندن می‌گوید بعد از آنکه مردم متوجه شدند دستگیری نیک یوسفی عکاس و تدوینگر به واسطه همکاری اسنپ فود با نهادهای امنیتی بوده و این شرکت را تحریم کردند ضرر زیادی متوجه فروش آن شده است.

● این شرکت برای جبران ضرر به بهانه مختلف پرسنل و کارکنان خود را جریمه می‌کند تا با کاهش حقوق آنها ضرر را کاهش دهد.

● وبسایت «نور نیوز» وابسته به شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی در گزارشی می‌نویسد «تلاش دشمنان برای به تعطیلی کشاندن بزرگترین کسب و کارهای دیجیتال در کشور، اقتصاد ملی را دچار خسارت می‌کند.»

گزارش‌های دریافتی حاکیست پس از ضرر مالی شرکت «میهن» به خاطر تحریم از سوی مردم به اتهام جابجا کردن نیروهای سرکوبگر با کامیون‌های این شرکت، تحریم «دیجی کالا» و «اسنپ فود» نیز به فروش آنها ضرر زده است.

یک منبع آگاه به کیهان لندن می‌گوید بعد از آنکه مردم متوجه شدند دستگیری نیک یوسفی عکاس و تدوینگر به واسطه همکاری اسنپ فود با نهادهای امنیتی بوده و این شرکت را تحریم کردند ضرر زیادی متوجه فروش این شرکت شده است.

اسنپ فود برای جبران این ضرر به بهانه‌های مختلف پرسنل و کارکنان خود را جریمه می‌کند تا با کاهش حقوق آنها ضرر را کاهش دهد.

در همین ارتباط وبسایت «نور نیوز» وابسته به شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی در گزارشی می‌نویسد «تلاش دشمنان برای به تعطیلی کشاندن بزرگترین کسب و کارهای دیجیتال در کشور، هم اقتصاد ملی را دچار خسارت می‌کند و هم با بیکار شدن فعالان کسب و کارهای دیجیتال، فضاسازی‌های کذب گذشته در نگاه افکار عمومی واقعی



تظاهرات بزرگ ایرانیان در برلین ۲۲ اکتبر ۲۰۲۲

➔ اعتراضات را شدیدتر کند.

سازمان ملل متحد و رهبران غربی از مقامات جمهوری اسلامی خواسته‌اند برگزاری دادگاه‌های نمایی و صدور احکام اعدام برای شهروندان معترض را که بازداشت شده‌اند متوقف کنند.

ریک اسکات سناتور جمهوریخواه فلوریدا با اشاره به گزارش سی‌ان‌بی‌سی در توییتری می‌نویسد «ایالات متحده چشم خود را روی رفتار بد رژیم ایران با معترضان نخواهد بست... این منجرکننده است و نشان می‌دهد رژیمی که از سرنگونی خود می‌ترسد اجازه نمی‌دهد شهروندان خودشان برای سرنوشت خود تصمیم بگیرند.» او تأکید کرد «ما در کنار معترضان ایرانی ایستاده‌ایم و این بی‌عدالتی را تحمل نخواهیم کرد.»

وبیاس بیلس‌تروم وزیر خارجه سوئد درباره خیزش سراسری در ایران و سرکوب وحشیانه آن گفت: «وضعیت سرکوب‌ها در ایران بدتر شده و میزان خشونت حکومت علیه مردم در خیابان‌ها وحشتناک است.» او با اشاره به تحریم‌های اروپا علیه رژیم ایران تأکید کرده «هیچ معامله‌ای بر سر موضوع حقوق بشر و تلاش برای دستیابی به توافق اتمی با جمهوری اسلامی وجود ندارد.»

پیش از این امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه با حمایت از خیزش سراسری مردم در ایران خطاب به مقامات جمهوری اسلامی گفته بود «انقلاب» در ایران به چشم‌انداز توافق اتمی آسیب می‌زند. مواضع ماکرون علیه حکومت و دیدار او با شماری از فعالان سیاسی مخالف رژیم با واکنش شدید وزارت خارجه جمهوری اسلامی مواجه شد.

رابرت مالی نماینده آمریکا در امور ایران که به پاریس سفر کرده می‌گوید که یک جنبش «مردمی، عمیق، مداوم و شجاعانه» در ایران وجود دارد که به نظر نمی‌رسد، ضعیف شود. به گفته مالی در طرف دیگر رژیمی وجود دارد که از خشونت به طرزی «وحشیانه» استفاده می‌کند و آمریکا این خشونت را محکوم و عوامل آن را تحریم می‌کند.

هرچند رابرت مالی از اظهار نظر درباره موضع اخیر ماکرون در مورد «انقلاب» در ایران خودداری کرد و گفت «وظیفه من تعریف رویدادهای جاری ایران نیست» اما افزود: «این صفحه از تاریخ ایران را خود ایرانی‌ها می‌نویسند.» او تأکید کرده چنین صفحه‌ای در تاریخ، در «واشنگتن، بروکسل، پاریس یا لندن» نوشته نخواهد شد.

گفتگو با دو کاربر مستعار در توییتر:

سقوط محتوم جمهوری اسلامی در راه است

● کاربر عجیب زاده: «هدف از حضورم در این شبکه اجتماعی بیان آرایم بوده است. در طول این سالها در شناخت ما نسبت به عرصه سیاست در ایران و جهان تغییراتی پدید آمده. با در نظر گرفتن آمیختگی سیاست با زندگی روزمره شهروندان، هر شهروند عادی یک بازیگر سیاسی شمرده می‌شود. به تبع آن، نوشتن از سیاست یک ملزوم اجتماعی است، یعنی پرداختن به آن فقط شامل امر ذاتی، سیاسی نیست، بلکه در ساحت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی و... هم محوریت دارد.»

● کاربر ایگنور شونده: «شایعه تجزیه از دسته اخباری بود برای متفرق کردن مردم از اتحادی که ایجاد شده و این در حالی پخش شد که کل ایران و دنیا شاهد اتحادی هستند که تا این لحظه هیچوقت جمهوری اسلامی مایل به دیده شدن آن نبوده. در ادامه ما و کل ملت مبارز ایران در مقابل هر نوع سودجو و افراد تجزیه‌طلب مثل جمهوری اسلامی می‌ایستیم.»

فیروزه نوردستروم- خیزش انقلابی مردم ایران که پس از قتل حکومتی مهسا امینی از اواخر شهریورماه آغاز شد با وجود سرکوب و خشونت گسترده علیه مردم از سوی حکومت همچنان با شدت و گستردگی بیشتری ادامه دارد و همچنان توجه جهان روی مردم ایران و اعتراضات آنها متمرکز است. در این میان کاربران ایرانی توییتر در اعتراض به شرایط موجود و با به راه انداختن کارزارهای آنلاین و ترند کردن هشتگ #مهسا_امینی سهم پررنگ و با اهمیتی در جهانی شدن این خیزش سراسری داشته‌اند. کیهان لندن در گفتگو با دو حساب کاربری «عجیب زاده» و «ایگنور شونده» در توییتر خیزش انقلابی مردم ایران را از دیدگاه این دو کاربر بررسی کرده است.

● از چه زمانی و با چه هدفی در توییتر شروع به فعالیت کردید و از تحصیلات و حرفه خود بگویید؟

عجیب زاده: با توجه به تاریخی که تارم‌ای توییتر نشان می‌دهد از سال ۲۰۱۶ و با هدف بیان آرا و نظراتم وارد توییتر شدم. پیشه و تحصیلاتم فاقد هم‌پافتگی با سیاست هستند.

ایگنور شونده: دو سالیست که این صفحه را در اختیار دارم ولی ۷ یا ۸ ماه پیش فعالیت جدی‌ام را آغاز کردم. در ابتدا ماهیت صفحه‌ام فقط توییت‌های عادی و روزمره بود و هدف سیاسی یا تظاهراتی نداشتم اما به دلیل رفتارهای وحشیانه نیروهای حکومتی و وطن‌فروش به اعتراضات پیوستم. در نگاه اول بنده یک ایرانی، یک معترض و خواهان ایرانی آزاد هستم، برای تمام حق‌هایی که حکومت و جمهوری اسلامی از تمام ما سلب کرده و در نگاه کلی‌تر به عنوان فردی که توانایی سکوت



تأکید می‌کنم با هیچ بخشی از آن. انگیزه‌های براندازانه من زمانی شکل گرفتند که هنوز دولت محمد خاچی بر سر کار بود و از قضا نیروی محرکه آن، تزویر و فساد عمیق اصلاح‌طلبان بود. از آغاز حضورم در توییتر هم بر روی لزوم حذف اصلاح‌طلبان از عرصه سیاست ایران تأکید داشته و در همین جهت کوشیده‌ام. اینکه این گروه به اعتراف خودشان سوپاپ اطمینان حکومت بوده‌اند چند سال پیش به وضوح امروز نبود. آن زمان ما در اقلیت مطلق بودیم اما با اطمینان و ایمان به لزوم شکست بازیگران و همینطور روایت‌های دست‌ساز حکومت توانستیم در توییتر بر این گروه قدرتمند و مافیایی فائق بیاییم. اتفاقاً آنچه اصطلاح برانداز را در مفهوم امروزی‌اش در توییتر شکل داد، واکنش گروهی از کاربران به اظهار نظر محمد خاچی در روزهای پس از قیام دی‌ماه ۹۶ بود که گفته بود معترضان برانداز نبودند. در این سالها تلاش کردیم که آنچه را اصلاح‌طلبان در قالب فرقان نیک و بد، مقدسات و خط قرمزهای اخلاقی از طریق رسانه‌های متنفذشان به جامعه حقه‌ن کردند بشکنیم. فکر می‌کنم در این کار هم به قدر کفایت موفق بوده‌ایم. هدف اصلی این بود که جامعه کل جمهوری اسلامی را شو و خصم خود بداند، نه فقط گروهی که برای این نقش طراحی کرده بود.

ایگنور شونده: مخالفت اصلی بنده با جمهوری اسلامی از سال ۸۸ شروع شد. مخالفتی که با جمهوری اسلامی از همان ابتدا تقریباً آغاز شده بوده اما از بعد از این شرایط جدی‌تر شد.

● به نظر شما چگونه می‌توان اکانت‌های سایبری و ارزشی را که با پوشش مخالفت با حکومت در توییتر فعال هستند شناسایی کرد؟

عجیب زاده: عمده کاربران توییتر گمنام هستند، یعنی از خودشان سلب تشخیص کرده‌اند، بنابراین چیزی که از آنها باقی می‌ماند، محتوایی است که در قالب نوشته‌هایشان منتشر می‌کنند. مسئله اصلی اما شناسایی سایبری‌ها نیست، بی‌اثر کردن محتوای آنهاست. شناسایی آنها کار ساده‌ای نیست. البته اکانت‌های سریالی ناامن الگوهایی دارند که به راحتی قابل شناسایی‌اند اما درباره دیگر اکانت‌ها نمی‌توان حکمی کلی داد. عنصری که به شخصه برای سلب تأثیر از اکانت‌های ناامن آن را حیاتی می‌دانم، حفظ موضع رادیکال و تعارف‌ناپذیری بر سر اصول است. به عبارت ساده‌تر تعریف و پایبندی عملی به خط قرمزهاست.

ایگنور شونده: اکانت‌های سایبری معمولاً به پخش خبرهای دروغ و اغلب توییت‌هایی در جهت ترساندن و ایجاد جنگ روانی دست می‌زنند، اکانت‌های «عرشی» هم که در

در مقابل ظلم به هم‌میه‌Social Media Posts نان خودش را ندارد. در حال حاضر از دانشجویانی هستم که بعد از سرکوب دانشجویان در دانشگاه «شریف» و باقی دانشگاه‌های کشور به تحریم کلاس درس و دانشگاه پیوستم.

● فکر می‌کنید فعالیت شما در توییتر چه اندازه به اعتراضات و تقویت کنش سیاسی مردم در مخالفت با جمهوری اسلامی کمک می‌کند؟

عجیب زاده: همانطور که در پرسش قبل اشاره کردم هدف از حضورم در این شبکه اجتماعی بیان آرایم بوده است. در طول این سالها در شناخت ما نسبت به عرصه سیاست در ایران و جهان تغییراتی پدید آمده. با در نظر گرفتن آمیختگی سیاست با زندگی روزمره شهروندان، هر شهروند عادی یک بازیگر سیاسی شمرده می‌شود. به تبع آن، نوشتن از سیاست یک ملزوم اجتماعی است، یعنی پرداختن به آن فقط شامل امر ذاتی، سیاسی نیست، بلکه در ساحت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی و... هم محوریت دارد. تک‌تک کاربران توییتر با نوشته‌های خود بازگوکننده بخشی از صدای جامعه هستند و صورتی از نگاه جامعه به سیاست را نمایندگی می‌کنند. من هم مانند دیگر کاربران توییتر در این سالها کوشیده‌ام تا امر سیاسی را در چارچوبی که در انگاره من بیشینه منافع مردم ایران را تأمین می‌کند، بازگو کنم. اینکه من و در مقیاس بزرگتر ما چقدر در شکل‌گیری شرایط کنونی شریکیم غیرقابل ارزیابی و اندازه‌گیری است. چیزی که امروز برای مثال در خیابان فریاد می‌شود همان مواضعی هستند که سالهاست گروهی از کاربران توییتر که من نیز عضو ناچیزی از آنها هستم، روی آنها ایستاده‌اند. اینکه شعور و شهود کنونی جامعه را محصول نوشته‌های خودمان بدانیم یا حتی نقشی از خود در آن قائل باشیم ادعایی گراف است، اما لااقل نشان می‌دهد که جریان ما با مسیر تکاملی جامعه همراستا بوده است.

ایگنور شونده: در اینجا سه دسته داریم؛ دسته اول، افرادی که در آگاهی و بیداری‌اند که هم به براندازی کمک می‌کنند و هم در آگاهی بخشیدن بیشتر به دیگران فعالیت می‌کنند. دسته دوم، افرادی که خواب هستند همان قشر خاکستری جامعه که نیازمند یک جرقه برای بیداری و آگاهی هستند، دسته سوم، افرادی که خودشان را به خواب زده‌اند که اغلب ارزشی و حکومتی‌اند.

● از چه زمانی در توییتر به مخالفت با جمهوری اسلامی پرداختید؟

عجیب زاده: در طول مدت حضورم در توییتر حتی لحظه‌ای با جمهوری اسلامی و این حکومت سفاک همراهی نداشته‌ام.



خیزش سراسری در ایران

قبل از انقلاب را به کلی از بین برد. قیام کنونی نشان می‌دهد که «مردان خدا» که حکومت را قبضه کرده‌اند با سیاست فرهنگی و ایدئولوژی تحمیلی خود شکست اساسی خورده‌اند. شعار «زن، زندگی، آزادی» در سراسر کشور طنین انداخته است. جوانان ایرانی به زندگی خودمختار و زندگی در آزادی می‌اندیشند.

این در حالیست که «مردان خدا» غافلگیر و شوکه شده‌اند و دنیا را نمی‌فهمند. آنها با نگاه واپسگرا و ضدانسانی خود به زندگی چگونه می‌توانند نیازهای این نسل را درک کنند؟! پاسخ آنها به اعتراضات چیزی جز خشونت عریان نیست. دژخیمان رژیم بی‌شرمانه به سمت تظاهرکنندگان که برخی از آنها زیر هجده سال سن دارند تیراندازی می‌کنند. تعداد کشته‌ها روز به روز بیشتر می‌شود.

هفته گذشته، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خواست که اعتراضات متوقف شود و به مردم گفت دیگر به خیابان نیایید! اخطار او به صورت طنز بر سر زبان‌ها افتاد. فرمانده ارتش نیز معترضین را «مگس» خواند! ۲۲۷ نماینده از ۲۹۰ نماینده مجلس اسلامی نیز از قوه قضائیه خواسته‌اند تا حکم «حداکثر مجازات» یعنی اعدام علیه معترضان زندانی صادر کند. چند هزار نفر در بازداشت هستند و زندانیان از شکنجه و تجاوز جنسی گزارش می‌دهند.

از این زندانیان برخی در حال حاضر محاکمه می‌شوند و شماری از آنها با مجازات اعدام روبرو هستند. با اینهمه به نظر می‌رسد که معترضان هراسی از این وضعیت ندارند. تهدیدها دیگر اثر بازدارنده ندارند. آینده هرچه باشد، روشن است که حکومت دینی هرگز بر این ایرانیان جوان پیروز نخواهد شد.

*منبع: روزنامه آلمانی تاتس (تاگس تسایتونگ)

*ترجمه و تنظیم: حنیف حیدر نژاد

هم به باور سقوط رسیده‌اند، اظهارات و عملکردهایی که از مسئولین جمهوری اسلامی می‌بینیم آشکارا از سقوط این نظام خبر می‌دهند اما بعضی از مردم هنوز به باور سقوط نرسیده‌اند.

● آیا ممکن است با سیاست‌های جدید توییت پس از تغییر در مدیریت آن، برای اکانت‌های شما که بطور مستعار فعالیت می‌کنید، مشکلی پیش بیاید؟

عجیب زاده: مسلماً نمی‌دانم، اما با توجه به ظرفیتی که ناشناس‌نویسی در توییت در نظام جهانی ارتباطات ایجاد کرده، بعید به نظر می‌رسد چنین سیاستی در دستور کار قرار بگیرد. کاربران ناشناس به واسطه فراغ از بندهای هویتی، محافظه‌کاری کمتری دارند و در تبیین یا فاش‌سازی واقعیات غیر قابل تقریر در قالب روایت‌های رسمی، دست‌شان بازتر است. سلب چنین امکانی بخشی از کارکرد توییت را مضمحل می‌کند. اینگور شونده: ببینید، کل دنیا صدای ایران و آزادیخواهی ایران شده و احتمال این قضیه کم است؛ اگر هم مشکلی پیش بیاید، مطمئناً به دلیل آزادیخواهی برگشت‌پذیر است.

اعتراضات در ایران برای یک زندگی آزاد:

جمهوری اسلامی نمی‌خوایم! نمی‌خوایم!

● چند هزار نفر در بازداشت هستند و زندانیان از شکنجه و تجاوز جنسی گزارش می‌دهند. از این زندانیان برخی در حال حاضر محاکمه می‌شوند و شماری از آنها با مجازات اعدام روبرو هستند. با اینهمه به نظر می‌رسد که معترضان هراسی از این وضعیت ندارند. تهدیدها دیگر اثر بازدارنده ندارند. آینده هرچه باشد، روشن است که حکومت دینی هرگز بر این ایرانیان جوان پیروز نخواهد شد. جوانانی که در خیابان‌های ایران دست به اعتراض می‌زنند، شهروندانی هستند که جز همین جمهوری اسلامی که تمام تلاش خود را برای تحمیل هویت خود به جوانان به کار گرفته است، چیزی نمی‌شناسند.

اعتراضات سراسری در خیابان‌ها، دانشگاه‌ها و مدارس ایران نزدیک به دو ماه است که ادامه دارد و به نظر می‌رسد به این زودی‌ها پایان یابد. این اعتراضات عمده‌تاً توسط زنان و مردان جوانی انجام می‌شود که به نظر می‌رسد از هرگونه امیدی مبنی بر اینکه حکومت دینی اسلامی می‌تواند حتی به نیازها و خواسته‌های آنها نزدیک شود، بریده‌اند. آنها شعار می‌دهند: «جمهوری اسلامی، نمی‌خوایم! نمی‌خوایم!» قابل توجه است که نسل کنونی دانش‌آموزان که والدین آنها کمتر از ۴۳ سال سن دارند بیش از نیمی از ۸۳ میلیون نفر جمعیت ایران را شامل می‌شود. آنها چیزی جز این جمهوری اسلامی نمی‌شناسد که تمام تلاش خود را کرده است تا به جوانان یک هویت جدید دیکته شده، یک هویت اسلامی مورد قبول خودش را بدهد. با همین هدف نیز جداسازی جنسیتی در مدارس و دانشگاه‌ها به اجرا گذاشته شد و کتاب‌های درسی بازنویسی شدند.

در همان آغاز حکومت اسلامی، یک انقلاب به اصطلاح فرهنگی نیز به جریان افتاد تا ارزش‌های به ثبت رسیده

می‌آید. بنابراین با اقتداری که ما انقلابیون داریم، پیروز این مبارزه و انقلاب هستیم.

● به عنوان یک کاربر توییت که اعتراضات ایران را دنبال می‌کنید چشم‌انداز این جنبش را چطور می‌بینید؟

عجیب زاده: ما در میان یک نهضت قرار داریم. این یک شورش و خیزش مقطعی نیست که بتوان با مفهوم «قوع» آن را تعریف کرد، بلکه یک مسیر است که گاه در آن خیزش‌ها و اعتراض‌ها اوج می‌گیرند و گاه از شدت می‌افتند، اما در هیچ نقطه‌ای این مسیر منقطع نمی‌شود. همانطور که بارها هم نوشته‌ام این مسیر از دی‌ماه ۱۳۹۶ پله‌پله در حال طی شدن است و در تمام این سال‌ها همواره پیشرفت داشته. ایستگاه بعدی نابودی حکومت جمهوری اسلامی است و این پیشامدی محتوم در نظر من است.

اینگور شونده: هر حکومت در آستانه سقوط به سرکوب و مقابله وحشیانه می‌پردازد، برای مثال یک انسان در هنگام غرق شدن و در نهایت خفگی به شدت دست و پا می‌زند، جمهوری اسلامی هم‌اکنون در این بزنگاه درست در همین شرایط قرار گرفته است. البته نظام و خود جمهوری اسلامی

→ موافقت با جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند، اغلب از پرچم جمهوری اسلامی استفاده می‌کنند، هشتگ‌های مشخصی دارند و جنایت‌های جمهوری اسلامی را لاپوشانی می‌کنند. ● در مورد شایعاتی چون تجزیه در فردای براندازی که از سوی طرفداران جمهوری اسلامی برای حفظ این رژیم مطرح می‌شود چه فکر می‌کنید؟

عجیب زاده: جمهوری اسلامی با ساخت دوگانه‌های جعلی همواره سعی کرده مردم را در دوراهی میان بد و بدتر مخیر کند. انتخاب میان تجزیه ایران و ادامه حیات حکومت ویرانگر جمهوری اسلامی نیز یکی دیگر از این دوگانه‌هاست. قریب به یقین، تجزیه ایران و پرداخت به گروه‌های تجزیه‌طلب بخشی از دگرترین تبلیغاتی حکومت جمهوری اسلامی برای خاموش نگه داشتن بخش بزرگی از ایران‌دوستان است. معتقدم این قبیل توطئه‌ها که از یک قرن پیش در اتاق‌های فکر مارکسیست‌ها شکل گرفته‌اند و امروز به اهرم‌های امنیتی در دست جمهوری اسلامی ترجمه شده‌اند، فاقد اقبال عمومی در کف جامعه ایران هستند. در همین خیزش‌های اخیر همبستگی اقوام ایرانی موجی از همگرایی ایجاد کرده که در طول دو دهه اخیر خلاف آن در رسانه‌ها بازتاب داده شده بود.

اینگور شونده: احتمال چنین اتفاقی ممکن نیست. شایعه تجزیه از دسته اخباری بود برای متفرق کردن مردم از اتحادی که ایجاد شده و این در حالی پخش شد که کل ایران و دنیا شاهد اتحادی هستند که تا این لحظه هیچوقت جمهوری اسلامی مایل به دیده شدن آن نبوده. در ادامه ما و کل ملت مبارز ایران در مقابل هر نوع سوذجو و افراد تجزیه‌طلب مثل جمهوری اسلامی می‌ایستیم.

● یک مخاطب از ایران مایل است از کاربر «عجیب زاده» پرسیم اگر جمهوری اسلامی به نحوی به زندگی شخصی و خانوادگی شما لطمه وارد می‌کند و شما هم یکی از قربانیان این رژیم می‌بودید، به چه شکلی ایستادگی و مبارزه می‌کردید؟

عجیب زاده: حکومت تمامیت‌خواه در همه جنبه‌های زندگی آدمی لطمه وارد می‌کند. یک ملت، قربانیان این حکومت‌اند. در این میان سهم برخی بیشتر و سهم برخی کمتر است. امر اخلاقی ایجاب کرده تا روبروی این شر بایستیم. همه کسانی که از این حکومت لطمه دیده‌اند بخشی از ما هستند. این «ما» یک ملت است. همیشه هم نوشته و گفته‌ام که روبروی این شر بایستید پیش از آنکه دامن‌تان را بگیرد و خودش مجبور‌تان کند روبرویش بایستید.

● با توجه به خیزش سراسری کنونی تا چه حد این نظام را در آستانه سقوط می‌بینید؟

عجیب زاده: بعد از قیام دی ۹۶ نوشتم جمهوری اسلامی ۲۵ ماه آینده را نخواهد دید. توقیت [وقت تعیین کردن] سقوط حکومت البته طعنه‌ای به ادعای خامنه‌ای بود که گفت اسرائیل ۲۵ سال آینده را نخواهد دید، اما ایمان به پیمودن مسیری که در حال طی شدن است پایان قریب‌الوقوع فرمانروایی روحانیت شیعه بر ایران را نوید می‌داد. از دید من این حکومت متزلزل است و این تزلزل تا سقوط آن هر روز بیشتر خواهد شد. جمهوری اسلامی در سراسی سقوط است، حال ممکن است برخی عوامل این فروپاشی را به تاخیر بیاورند یا برعکس تسریع‌اش کنند.

اینگور شونده: بطور کلی با توجه به سرکوب‌های اتفاق افتاده و تظاهراتی که مردم انقلابی در پیش دارند به وضوح خستگی و عدم توانایی سرکوبگران دیده می‌شود، سرکوبگرانی که سردرگم در اقدام و تصمیم‌گیری هستند. بعضاً طی روزهای اخیر دیده شده تعداد نیروهای سرکوبگر نسبت به روزهای نخست اعتراضات به وضوح کاهش شدیدی یافته، از این رو کاملاً فروپاشی رژیم جمهوری‌ما و دیکتاتوری اسلام‌ما به چشم



زاهدان آبان ۱۴۰۱

جمعه‌های خونین بلوچستان و نقش ایرانیان بلوچ در خیزش سراسری و انقلاب برای آزادی

جواب خواهند داد آری. اما اگر بررسی آیا افتخار می‌کنید که ایرانی هستید؟ به احتمال زیاد جواب خواهند داد به کدام عنصر ایرانی بودنم افتخار کنم؟! به ظلم؟ تبعیض؟ فقر؟ اعدام، زندانی و سرکوب شدن؟! به شناسنامه نداشتن؟! نبود امکانات آموزشی؟ بیکاری؟ تحقیر؟ تهدید؟ توهین؟ نبود بیمارستان و جاده؟ البته این امکاناتی که باید داشته باشند و ندارند بسیار طولانی است. لیستی که اصلا مایه فخر و مباهات نیست. بلوچ می‌گوید سهم من از ایرانی بودن اینهاست! به کدام یک از اینها می‌توانم افتخار کرد؟ البته این امر ممکن است در مورد غیربلوچ‌ها در همین استان متفاوت باشد. در هر حال اکنون شعارهای بلوچ‌ها مثل «از زاهدان تا تهران جانم فدای ایران» خود گویای هزار واقعیت است که نشان از انسجام ملت متحد ایران دارد. در این اعتراضات سراسری، بلوچ دیگر خودش را تنها و «مظلوم دورافتاده» و از یاد رفته در زیر نعلین آخوندی و چکمه‌های سپاه در یک وادی فراموش شده نمی‌بیند بلکه همانگونه که در مراسم چهلیم کشتار خونین زاهدان دیدیم، همه ملت در سراسر ایران در کنار بلوچ و بلوچستان قرار گرفتند و این مایه بسی دلگرمی برای بلوچ‌ها بود. اکنون همه در ایران درد مشترک و هدف مشترک در مقابل دشمن مشترک دارند. نکته بسیار مهم دیگر اینکه اکنون حکومت نیز مجبور می‌شود قبول کند که اتهام تروریستی و تجزیه‌طلبی نسبت به معترضین بلوچ نیز یک استراتژی اشتباه بوده و ثمری جز پاشیدن نمک بر زخم مردم و بیش از پیش بیگانه و بیزار کردن آنها از رژیم نداشته است. پس این اتهام را پس گرفته و حتا کشته‌های بلوچ را «شهید» نامیده‌اند. یعنی کسی که تا دیروز «تروریست تجزیه‌طلب» خوانده می‌شد، اکنون در «بنیاد شهید» به عنوان «شهید» ثبت شده! این البته نشان از عقب‌نشینی تاکتیکی و فریبکاری رژیم برای خنثی نمودن قیام سراسری در بلوچستان دارد.

● **بطور کلی رابطه بین مردم دیگر نقاط ایران و بلوچ‌های این استان چگونه است؟ آیا فارسی‌زبانان یا اهالی دیگر استان‌های کشور که ممکن است در بلوچستان ساکن باشند، از موقعیت برتر اجتماعی و اقتصادی برخوردارند؟**

– البته برای آگاهی خوانندگان کیهان لندن باید عرض کنم که در بین بلوچ‌ها شیعه هم وجود دارد که هر دو عنصر قومی و مذهبی در بین آنها قوی است و تضادی در آن نمی‌بینند. متأسفانه این اختلاف یا تضاد قومی و مذهبی ارمغان شوم و نحس جمهوری اسلامی است که عامدانه سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» را پیش گرفته است. در منطقه سیستم حدود و حدود نیمه‌ای نیز سیستمی (زابل) شیعه که جمهوری اسلامی از برخی زابل‌های شیعه (و نه همه آنها) علیه بلوچ‌ها استفاده می‌کند و بیشتر پست‌های مدیریتی حتی کارمندی ادارات و به‌خصوص حراست و

اشک‌آور و یا آبیاش و نیروهای ضد شورش یا گلوله پلاستیکی و شوکر و اسپری و غیره از گلوله‌های جنگی علیه مردم معترض استفاده کردند که طی آن تعداد زیادی کشته و زخمی شدند. مردم نیز که از مناطق مختلف زاهدان برای شرکت در نماز جمعه آمده بودند ابتدا به مسجد مکی در نیم کیلومتری مصل و سپس به محله‌های خویش رفتند و به تظاهرات و اعتراض ادامه دادند و حداقل به دو کلاتری دیگر نیز حمله کردند و بانک و اماکن دولتی را به آتش کشیدند. در این تظاهرات پراکنده نیز تعداد زیادی کشته و زخمی شدند. در ویدئوهای منتشر شده دود غلیظ از بسیاری نقاط زاهدان بر می‌خیزد و هلی‌کوپترهای نظامی بر فراز شهر به پرواز درآمدند که برخی منابع می‌گویند از هلی‌کوپتر نیز به مردم شلیک شد. مجموعاً بیش از صد نفر در زاهدان و پس از آن حداقل هجده نفر در خاش کشته شدند. اما متأسفانه با وجود این کشتار هولناک، بازتاب قابل توجهی در سطح کشور و بین‌المللی پیدا نکرد.

● **فکر می‌کنید دلیل بازتاب کم این جنایات چیست؟**
– زیرا به قول معروف دست ما کوتاه و خرما بر نخیل! معمولاً رسانه‌های فارسی‌زبان در مقایسه با بقیه نقاط کشور کمتر اخبار بلوچستان را پوشش می‌دهند. این امر علل فراوانی دارد. علاوه بر دوری از پایتخت، نبود جامعه مدنی فعال در بلوچستان و نداشتن رسانه‌های بلوچی معتبر و فراگیر مؤثر است. یک دلیل دیگر می‌تواند نگاه تبعیض‌آمیز مسری نظام باشد که به برخی از رسانه‌ها نیز تسری پیدا کرده. این تبعیض رسانه‌ای هم ریشه داخلی دارد و هم ریشه در رسانه‌های فارسی‌زبان و مطبوعات بین‌المللی به صورت عام.

● **وقتی صحبت از ریشه‌های داخلی می‌شود آیا می‌توان این عدم توجه کافی به وضعیت سیستم و بلوچستان را ناشی از ضعف روابط عمومی خود بلوچ‌ها و ساکنان استان دانست؟**
– البته ضعف‌های درونی ما فراوان هستند. چون دشمنان بلوچ عامدانه بلوچ را از هر جهت ضعیف و ناتوان نگه داشته‌اند. اگرچه ما به ضعف‌های خود و سوء استفاده دشمنان از این ضعف‌ها آگاه هستیم. اما نمی‌توان «قربانی» را به خاطر قربانی و ضعیف بودن مورد ملامت قرار داد!

● **آیا بلوچ‌ها احساس جدا افتادن از کل ایران دارند؟ البته بسیاری از شعارهایی که معترضان می‌دهند در تأکید بر همبستگی و پیوند با کل ایران است. در مناطق دیگر ایران نیز با ایرانیان بلوچ ابراز همبستگی می‌شود.**

– در مقایسه با بلوچستان پاکستان حس جدا افتادن در بین بلوچ‌های ایرانی قوی و مشهود نیست. برخی نیز به خاطر نظام و تبعیضات عدیده بی‌تفاوت هستند یا خود را جدا افتاده از جمهوری اسلامی می‌دانند. اگر از آنها بپرسید آیا ایرانی هستند، اکثراً

● «شعارهای بلوچ‌ها مثل «از زاهدان تا تهران جانم فدای ایران» خود گویای هزار واقعیت است که نشان از انسجام ملت متحد ایران دارد. در این اعتراضات سراسری، بلوچ دیگر خودش را تنها و «مظلوم دورافتاده» و از یاد رفته در زیر نعلین آخوندی و چکمه‌های سپاه در یک وادی فراموش شده نمی‌بیند بلکه همانگونه که در مراسم چهلیم کشتار خونین زاهدان دیدیم، همه ملت در سراسر ایران در کنار بلوچ و بلوچستان قرار گرفتند و این مایه بسی دلگرمی برای بلوچ‌ها بود. اکنون همه در ایران درد مشترک و هدف مشترک در مقابل دشمن مشترک دارند.»

● «برای یک پست دولتی دیپلمه شیعه را به دکترای بلوچ ترجیح می‌دهند و این نوع تبعیضات آشکار، وقیحانه و بی‌پروا اعمال می‌شود. در نتیجه شیعیان و غیربلوچ‌ها از امکانات مالی بسیار بهتری نسبت به بلوچ‌ها برخوردار هستند و در بسیاری از شهرها فاصله طبقاتی بر پایه گسل قومی- مذهبی وجود دارد.»
مأموران امنیتی جمهوری اسلامی و سرکوبگران تا کنون بیشترین خونریزی در طول دو ماه که از خیزش ملی ایرانیان می‌گذرد، در بلوچستان مرتکب شده‌اند. در دو جمعه خونین زاهدان و خاش ده‌ها نفر از جمله چند کودک به خاک و خون کشیده شده‌اند. اینهمه در حالیکه که گذشته از مردم ایران، افکار عمومی جهان نیز نسبت به انقلاب ایران و جنایات جمهوری اسلامی به شدت حساس شده و واکنش نشان می‌دهد. در ارتباط با مسائل این استان و وحشیگری‌های حکومت علیه ایرانیان بلوچ و ساکنان این منطقه با عبدالستار دوشوکی مدیر مرکز مطالعات بلوچستان در لندن گفتگو کردیم.

● **دکتر دوشوکی، اعتراضات در سیستان و بلوچستان از کجا و کی آغاز شد؟ محرومیت‌های این استان و درد مشترک ایرانیان بلوچ با مردم دیگر نقاط ایران چه اندازه در این زمینه نقش داشته است؟**
– سرآغاز رویدادهای بلوچستان (می‌گویم بلوچستان، چون متأسفانه منطقه سیستان تا امروز سکوت اختیار کرده) از دو سرچشمه و مبدأ استانی و ملی آغاز شد. یکی اعتراض علیه تجاوز به یک کودک در چابهار توسط فرمانده نیروی انتظامی بود که توسط مقامات نه تنها مسکوت نگه داشته شد بلکه بدون تفحص و تحقیق مکرراً انکار می‌شد. در چابهار در اعتراض به این جنایت تظاهرات خشونت‌باری صورت گرفت که هفته بعد جرقه تظاهرات جمعه خونین زاهدان شعله‌ور شد. در آن جمعه خونین بخشی از جوانان از مصلای شهر بیرون آمدند و به عنوان اعتراض به سوی کلاتری ۱۶ زاهدان در همان نزدیکی حرکت کردند. علت رفتن به سوی کلاتری هم کاملاً مشخص بود. زیرا تجاوز به دختر ۱۵ ساله بلوچ چابهار در مقر یک کلاتری و توسط فرمانده نیروی انتظامی صورت گرفته بود. بعد از اعتراض و سنگ‌پرازی مردم، مأمورین انتظامی بجای استفاده از گاز



کاهش تولید آنتی بیوتیک با هدف افزایش قیمت در بازار! رئیس سازمان غذا و دارو: متأسفانه شرکت های بزرگ دولتی بی اخلاقی کردند!

دادند چرا که به اقتضای فصل آنفولانزا و فصل سرما این تقاضا افزایش پیدا می کند ولی این شرکت ها تولید خود را کاهش و این بی اخلاقی را انجام دادند.»

رسوایی در این است که بعضی از این شرکت ها که سلامت مردم را برای منافع شان به گروگان گرفته اند شرکت های دولتی هستند. رئیس سازمان غذا و دارو در پاسخ به اینکه با وجود دولتی بودن برخی شرکت های دارویی، مدیران آنها چه نفعی از احتکار دارو می برند، گفت: «هر نگاه اقتصادی هدفش کسب سود هم هست اما در حوزه سلامت ما این را به تنهایی نمی پذیریم و امنیت سلامت جامعه نیز برای ما ملاک است.» این مقام مسئول تهدید کرده قطعاً برخورد قاطع از سوی مجموعه های قضایی و امنیتی با مدیران این شرکت ها صورت خواهد گرفت. وی نیز توضیح داده بیش از ۹۸ درصد نیازهای دارویی ایران در داخل تولید می شود.

در این میان، برخی منابع می گویند شرکت های دولتی و هلدینگ های خصولتی با همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و «هلال احمر» به دنبال واردات دارو هستند.

محمدجواد نیک بین از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه افزایش قیمت دارو بر خلاف قانون است، گفته است: «باز هم در این شرایط حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ و حتی ۷۰۰ درصد به قیمت دارو افزوده شده و با این وجود باز هم با کمبود دارو و آنتی بیوتیک در کشور مواجه ایم.»

از سوی دیگر، افکار عمومی واکنش های زیادی به کمبود آنتی بیوتیک نشان داده است. کاربری خطاب به مقامات نظام نوشته «اگر اون مشت آخر رو زدید و وارث جهان شدید بی زحمت بسپار دو قلم دارو هم به ما بدهند. برای یه ورق آنتی بیوتیک به در یوزگی افتادیم.»

با اینهمه اما رئیس مرکز مدیریت بیماری های واگیر وزارت بهداشت بطور کل صورت مسئله را پاک کرد و حتا مدعی شد مصرف آنتی بیوتیک برای بیماران مبتلا به آنفولانزا بی تأثیر است! در واکنش به این ادعا یک پزشک در تویییت نوشت «وقتی سالیبوتامول و آنتی بیوتیک به اندازه نداری بایدم بیایی تبلیغ جوشونده ی بابونه کنی... چهار روز دیگه هم که افسردگی زیادتر بشه باید از فوائد گل گاو زبان و اسطوخودوس در یوزگی افتادیم.»

علی فاطمی نایب رئیس انجمن داروسازان ایران با اشاره به وضعیت بحرانی کمبود دارویی در کشور اعلام کرد که علاوه بر کمبود در حوزه آنتی بیوتیک ها، کمبودهایی در سایر اقلام دارویی نیز وجود دارد و حتا برخی داروهای خیلی ساده نیز به ویژه در حوزه کودکان در داروخانه ها پیدا نمی شود.

● **حیدر محمدی رئیس سازمان غذا و دارو جمهوری اسلامی اعتراف کرد «برخی شرکت های داخلی بزرگ دولتی بی اخلاقی کردند و تولید آنتی بیوتیک را کاهش دادند!»**
● **او توضیح داده به اقتضای فصل آنفولانزا و فصل سرما این تقاضا افزایش پیدا می کند ولی این شرکت ها تولید خود را کاهش دادند تا سود کنند.**

● **افکار عمومی واکنش های زیادی به کمبود آنتی بیوتیک نشان داده است. کاربری خطاب به مقامات نظام نوشته «اگر اون مشت آخر رو زدید و وارث جهان شدید بی زحمت بسپار دو قلم دارو هم به ما بدهند. برای یه ورق آنتی بیوتیک به در یوزگی افتادیم.»**

● **یک پزشک در تویییت نوشت «وقتی سالیبوتامول و آنتی بیوتیک به اندازه نداری بایدم بیایی تبلیغ جوشونده ی بابونه کنی... چهار روز دیگه هم که افسردگی زیادتر بشه باید از فوائد گل گاو زبان و اسطوخودوس در یوزگی افتادیم.»**

● **رئیس مرکز مدیریت بیماری های واگیر وزارت بهداشت بطور کل صورت مسئله را پاک کرد و حتا مدعی شد مصرف آنتی بیوتیک برای بیماران مبتلا به آنفولانزا بی تأثیر است!**
در ایران کمبود آنتی بیوتیک به یک بحران جدی تبدیل شده است. به خصوص با سردتر شدن هوا و شیوع آنفولانزا میان کودکان و نوجوانان تقاضا برای داروهای آنتی بیوتیک بیشتر از معمول شده است.

مثل همیشه اما اولین واکنش مقامات حکومتی به کمبود دارو ادعای تحریم است! این ادعا در حالیست که مسئولان بهداشت و درمان جمهوری اسلامی از یک دهه پیش ادعا می کرده اند در تولید داروهای آنتی بیوتیک به خودکفایی صد درصدی رسیده اند.

مجتبی بوربور نایب رئیس اتحادیه واردکنندگان دارو می گوید: «آمریکا ما را تحریم دارویی نکرده است و ایران داروهای تولید شده از کمپانی هایی آمریکایی را از دفاتر این کمپانی ها در کشورهای اروپایی مانند هلند و یا روسیه خریداری و وارد می کند؛ اما مکانیزم مالی ما محدود شده است از این رو با دشواری می توان دارو وارد کرد و به نوعی تحریم مالی منتهی به تحریم دارویی می شود.»

در اظهاراتی دیگر اما حیدر محمدی رئیس سازمان غذا و دارو جمهوری اسلامی اعتراف کرد «برخی شرکت های داخلی بی اخلاقی کردند و تولید آنتی بیوتیک را کاهش انجام دادند!» او توضیح داد «برخی از شرکت ها که متأسفانه جزو شرکت های بزرگ هم بودند در ماه شهریور و مهرماه به خاطر کسب سود تولید شربت های آنتی بیوتیک خوراکی را کاهش

→ **نیروهای مسلح در اختیار آنها و غیربومی ها است.** یعنی برای یک پُست دولتی دیپلمه شیعه را به دکترای بلوچ ترجیح می دهند و این نوع تبعیضات آشکارا، وقیحانه و بی پروا اعمال می شود. در نتیجه شیعیان و غیربلوچ ها از امکانات مالی بسیار بهتری نسبت به بلوچ ها برخوردار هستند و در بسیاری از شهرها فاصله طبقاتی بر پایه گسل قومی- مذهبی وجود دارد. مثلاً در زاهدان، مرکز استان، بر خلاف تهران، شمال نشین های شهر در بیغوله ها و زاغه ها و محلات فقیرنشین مثل «شیرآباد» زندگی می کنند که بلوچ هستند. اما جنوب نشینان شهر اکثراً مرفه و اکثراً غیربلوچ هستند. بسیاری از کشته شدگان جمعه خونین زاهدان جوانان محله فقیرنشین شیرآباد زاهدان بودند.

● **آیا شعار «زن زندگی آزادی» در تظاهرات زاهدان و خاش شنیده شده و فکر می کنید جنبش در این استان با خیزش ملی سراسری در ایران گره خورده است؟**

-البته در زاهدان قبل از جمعه خونین دانشجویان مشخصاً در حمایت از قیام «زن زندگی آزادی» تظاهرات کردند. این تظاهرات دانشجویی در برخی از شهرهای دیگر مثل چابهار نیز رخ داد. جنبش سرچشمه گرفته از مصالای زاهدان بلافاصله همراهی و همگرایی متقارنی با قیام ملی «زن زندگی آزادی» تحت عنوان بلوچی «جنبش زند آجویی» پیدا کرد و شعارها همسو با قیام ملی شده اند. در برخی موارد شعارها به طرز بی سابقه ای حتی رادیکال تر از جاهای دیگر بوده است و هزینه بسیار سنگین تری نسبت به جاهای دیگر پرداخت شده است. البته زمینه نارضایتی در بلوچستان به عنوان یک بشکه باروت بیش از هر جای دیگر کشور وجود داشته است به این لحاظ قیام در بلوچستان اکنون بخشی از قیام ملی ایرانیان است. به همین دلیل حکومت به شدت نگران شده و برای مهار آن و برون رفت از وضعیت به شدت بحرانی استان هیتی را به بلوچستان فرستاد.

● **چراغود خارجی اعتراضات در بلوچستان برخلاف مناطق دیگر بیشتر از کانال مذهب می گذرد؟ این پرسش از این جهت اهمیت دارد که خیزش سراسری ایران در مخالفت با حکومت دینی و موقعیت خاص و بهره مند «روحانیت» در جمهوری اسلامی شکل گرفته!**
-به هر حال، فعالیت ها و ساختارهای مدنی، جنبش دانشجویی و فرهیختگان شدیداً سرکوب و حذف شده اند. ولی قشر مذهبی اجازه فعالیت داشته و دارد. مردم هم در مقابل مذهب شیعه و حکومت شیعی با سپر مذهب (سنی) نه تنها از مذهب بلکه از هویت قومی خود دفاع می کنند. پس تنها پایگاه باقیمانده برای بلوچ ها «مسجد اهل سنت» است که از دیدگاه مردم عادی نقطه مقابل حکومت شیعه قرار می گیرد. در شرایط خطیر مردم در این سنگر جمع می شوند و رهبر یا پیشمنان این سنگر نیز طبیعتاً مولوی و ملای بلوچ است. در بقیه نقاط کشور نیروهای امنیتی اجازه جمع شدن مردم در یک نقطه مشخص را نمی دهند. اما در بلوچستان مثلاً روزهای جمعه مردم برای «فاز» در یک نقطه مثل مسجد یا مصلا جمع می شوند و سپس مانند سیلابی به خارج از این محل سرازیر می شوند و شعارهای اعتراضی می دهند. این روال عادی جمعه هاست.

البته اوایل این هفته محمد جواد حاج علی اکبری رئیس شورای سیاست گذاری ائمه کشور به عنوان رئیس هیئت اعزامی از سوی علی خامنه ای به همراه مهدوی مهر دبیر شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب و لطفیان دبیر شورای برنامه ریزی مدارس دینی اهل سنت به استان رفتند و علاوه بر عزل فرماندهان نیروی انتظامی کل استان و شهرستان زاهدان و فرمانده انتظامی کلانتری ۱۶، همه کشته شدگان را «شهید» خوانده و جلسات متعدد «دلجویی و آشتی کتان» با روحانیون بلوچ و معتمدین و خانواده «شهید» در شهرها داشته اند و قول رسیدگی داده اند. با توجه به این اقدام و عقب نشینی تاکتیکی و نسبی حکومت در بلوچستان، مشخص نیست آیا اعتراضات و تظاهرات جمعه های گذشته در جمعه آینده یعنی ۲۷ آبان تکرار خواهد شد یا نه. باید منتظر ماند و دید.

ریشه‌های خشونت در نیروهای سرکوبگر



سرکوبگران حکومت در خیابان

بگذارند. همین آزادی عمل به دلیل احساس تعلق به گروه برتر و مجزا بودن از بقیه مردم، آنان را استحکام می‌بخشد. عناصر سرکوب تحت تاثیر تهییجانی مانند اینکه سرنوشت و امنیت کشور به رفتار آنان بستگی دارد برانگیخته می‌شوند. اینگونه وقتی تظاهرکننده‌ای را لت و پار می‌کنند نه فقط به گمانشان خطا نمی‌کنند بلکه معتقدند از خودگذشتگی نیز به خرج می‌دهند. با ارتکاب چنین اعمالی به مرور فراتر از احساس تعلق به گروه رفته و خود را ذوب شده در سیستم ارزشی آن می‌پندارند، مانند بسیجی‌های ذوب شده در ولایت فقیه. اضافه کنیم که این افراد در دوران سرکوب شب و روز را درون گروه می‌گذرانند و ارتباطات آنها بسیار محدود می‌شود و حتی با خانواده‌هایشان نیز تماس کمتری دارند. این برای آنست که به هیچ وجه در تماس با کسانی که قربانیان بالقوه آنها هستند قرار نگیرند. آنها در تمام مدت وضعیت اضطراری در برنامه‌هایی که برای آنها گذاشته می‌شود شرکت می‌کنند و همواره تحت تاثیر تهییج و تحریک هستند.

این افراد هنگام وضعیت خطیری که در آن بسر می‌برند باید جانفشانی خود را به فرماندهان ثابت کنند. به آنها تلقین می‌شود که برای وظیفه حفظ امنیت کشور اعمال خشونت جایز است. بنابراین می‌توانند فراتر از محدودیت‌های عامه مردم عمل کنند با این اطمینان خاطر که در آینده هیچ نوع پیگیری قانونی و مجازاتی متوجه آنها نخواهد شد. خط قرمز در این موارد برای حکومت آنست که برای ساکت کردن مردم نباید عناصری از یگان‌های ویژه را مجازات کنند. احتمال قربانی شدن، اعتبار حکومت را نزد سرکوبگران ساقط و آنان را دچار تردید و تزلزل می‌کند و به این ترتیب

● آقای کاظم‌زاده، خشونت عربانی که از سوی نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی علیه مردم ایران دیده می‌شود، از کجا سرچشمه می‌گیرد؟! ریشه‌های روانی دارد یا...؟
- بعد از شکست آلمان نازی و گرفتار شدن تعداد قبل توجهی از سران حکومت نازی، آمریکایی‌ها قبل از برگزاری دادگاه نورنبرگ این فرصت را یافتند که این سران را از نزدیک زیر مطالعات گسترده طولانی قرار دهند. بعد از این پژوهش‌ها آنان به این نتیجه رسیدند که هیچ اثری از روان‌نژندی و بیماری‌های روانی در آنان دیده نمی‌شود...

● ... خود آئینمن از کشتار عظیمی که مرتکب شده بود به عنوان یک «وظیفه شغلی» یاد کرد. آیا سرکوب گروهی نقشی در این قساوت و ددمنشی دارد؟

- یکی از عناصری که در عملیات نیروهای «انتظامی» نقش مهمی ایفا می‌کند، احساس تعلق به گروه و سازمان است. ما این را در مراسمی که نظامیان در آنها شرکت می‌کنند، مانند رژه و سلام صبحگاهی می‌بینیم. هدف این مراسم تقویت احساس تعلق و احساس عضوی از گروه بودن است. این افراد قرار است درون گروه و نه خارج از آن مسائل اخلاقی را حل کنند. وقتی انسان‌ها وابسته به نیرویی بزرگتر از خود می‌شوند، ایدئولوژی این گروه به آنها امکان می‌دهد که فرای قوانینی که بر انسان‌های عادی حاکم است عمل کنند و مهم‌تر از آن برای این کارها تنبیه هم نشوند. در مراکز تربیت نیروهای سرکوب قرار است موجودات استثنایی تربیت شوند. اینها در موارد استثنایی، یعنی زمانی که ماموریت دارند، به نام تعلق به گروه می‌توانند قوانینی را که نظام برای «عامه مردم» وضع کرده به راحتی زیر پا

● «در مراکز تربیت نیروهای سرکوب قرار است موجودات استثنایی تربیت شوند. اینها در موارد استثنایی، یعنی زمانی که ماموریت دارند، به نام تعلق به گروه می‌توانند قوانینی را که نظام برای «عامه مردم» وضع کرده به راحتی زیر پا بگذارند. همین آزادی عمل به دلیل احساس تعلق به گروه برتر و مجزا بودن از بقیه مردم، آنان را استحکام می‌بخشد. عناصر سرکوب تحت تاثیر تهییجانی مانند اینکه سرنوشت و امنیت کشور به رفتار آنان بستگی دارد برانگیخته می‌شوند.»

● «انرژی جنسی سرکوب شده می‌تواند به صورت قدرت مخرب بروز یابد. بعلاوه مطالعاتی در مورد جنبش‌های اسلامگرا انجام شده که نشان می‌دهد میزان اسلامگرایی افراطی ارتباط مستقیم با سرکوب تمایلات جنسی دارد. یعنی هر قدر تمایلات جنسی در کشورهای مسلمان بیشتر سرکوب شود تمایل به شیوه‌های افراطی دینداری افزایش پیدا می‌کند.»

● «نیروهایی که برای سرکوب از آنها استفاده می‌شود فقط برای دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت تربیت شده‌اند؛ همچنین هزینه تأمین آنها بسیار بالا و حفظ روحیه‌ی آنها بطور دائم برای تداوم سرکوب کار دشوار است. این دوره‌های سرکوب خشن باید کوتاه و استثنایی باشند؛ بنابراین، استمرار خیزش پاشنه آشیل نیروهای سرکوب است.»

یکی از زمینه‌های پژوهشی رضا کاظم‌زاده روان‌درمانگر ساکن بلژیک، خشونت و بطور خاص خشونت در فرهنگ ایران است. در همین ارتباط با او گفتگو کرده‌ایم.

➔ به دستگاه سرکوب آسیب می‌رساند. در چنین شرایطی رژیم نمی‌تواند انتظار داشته باشد که عوامل سرکوب به «وظیفه» خود عمل کنند.

● در دورانی رسانه‌های همگانی و شبکه‌های اجتماعی آیا بار آوردن چنین انسان‌هایی تهی از همدلی با جامعه امکان‌پذیر است؟ چنین افرادی معمولاً از کدام لایه‌های اجتماعی هستند؟

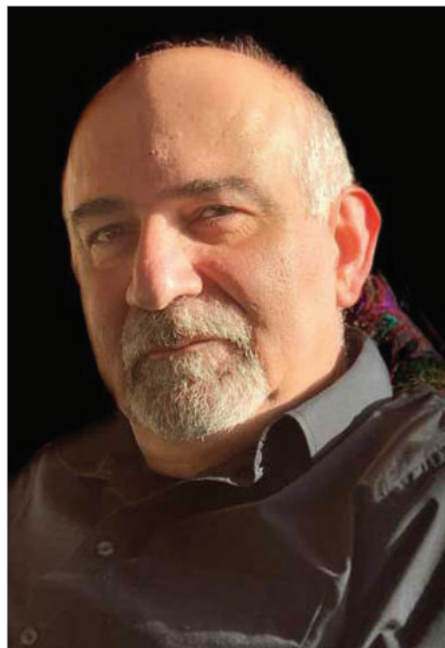
-این افراد بیشتر از طبقاتی می‌آیند که از امکان ارتقاء جایگاه اجتماعی خود به اعتبار شایستگی‌های شخصی محروم بوده‌اند و این از محدودیت سرمایه اجتماعی و اقتصادی والدین سرچشمه می‌گیرد مثل نازی‌های آلمان که معمولاً از نسل اول و دوم مهاجران از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ بودند. این در مورد نیروهای یگان ویژه جمهوری اسلامی هم می‌تواند صادق باشد. بنابراین، با توجه به خاستگاه اینان، تنها اطمینان از معاف شدن از مجازات انگیزه‌ی آنان نمی‌تواند باشد؛ بلکه اینهایی که احساس حقارت می‌کردند به برکت شرکت فعال در سرکوب، خود را بر فراز جامعه می‌پندارند و انسان احساس قدرت و رضایت می‌کنند. البته قدرت مالی اینان نباید به‌اندازه ثروت بیکران بالایی‌ها برسد زیرا در اینصورت کمتر مطیع خواهند بود و دیگر به درد این نوع کارها نخواهند خورد. دو عنصر در این سیستم بسیار اهمیت دارد: یکی قدرت و دیگری نفرت! این دو باید با هم باشند تا سیستم بتواند گروهی کاملاً تحت کنترل برای اعمال خشونت تربیت کند. جنگ شهری هدفش این نیست که بطور نمایشی آدم‌ها را در خیابان‌ها و پارک‌ها هدف آنست که با اعمال میزانی از خشونت و اگر هم لازم شد با درجه بالایی از خشونت عربان- حرکات مردم معترض را کنترل و خاموش کرد و خفقان را در جامعه حاکم نمود. سیستم سرکوب در پی عقلایی کردن کاربرد خشونت دولتی است زیرا خشونت مانند چاقوی دو لبه است و اگر از کنترل خارج شود موجودیت سیستم را به خطر می‌اندازد. یعنی چاقو ممکن است دسته خودش را نیز ببرد. بنابراین، حاکمیت فرهنگ اطاعت در اینجا بسیار مهم است.

جفت شدن دو فاکتور قدرت و نفرت البته کافی نیست و نیروهای سرکوب باید طوری بار آورده شوند که حین ماموریت معترضین را تا جایگاه غیرانسانی پایین بیاورند. یعنی بتوانند کسانی را که باید در خیابان سرکوب کنند تهی از مقام انسانی بدانند و به راحتی خوار و تحقیرشان کنند. برای همین هم آنان را نسبت به انسان‌های دیگر عاری از احساس همدلی بار می‌آورند. این به آن معنا نیست که سرکوبگر پدر بدی است و یا نمی‌تواند به همسایه‌اش کمک کند. ممکن است در بیرون چنین فردی هم باشد. ولی وقتی از او مانند یک مهره در اعمال سرکوب استفاده می‌کنند روی «انسان‌زدایی» در ذهن او کار شده است. اساساً بخشی مهمی از ایدئولوژی‌های توتالیتر غیرانسانی دانستنی طرف مقابل است.

● حرکات خشن و تعرض‌های جنسی که عوامل سرکوب در مورد معترضان نشان می‌دهند از کجاست؟

-انرژی جنسی سرکوب شده می‌تواند به صورت قدرت مخرب بروز یابد. بعلاوه مطالعاتی در مورد جنبش‌های اسلامگرا انجام شده که نشان می‌دهد میزان اسلامگرایی افراطی ارتباط مستقیم با سرکوب تمایلات جنسی دارد. یعنی هر قدر تمایلات جنسی در کشورهای مسلمان بیشتر سرکوب شود تمایل به شیوه‌های افراطی دینداری افزایش پیدا می‌کند. این یک تحقیق گسترده است که هزینه‌ی انجام آنرا

یک سازمان فرانسوی تامین کرد و در مراکش انجام شد. این پژوهش جزئیاتی هم دارد که وارد آنها نمی‌شوم. ویلهلم رایش هم در کتاب معروف خود «روانشناسی توده‌های فاشیسم» این تئوری را مطرح می‌کند که جنبش‌های فاشیستی مستقیم با سرکوب تمایلات جنسی ارتباط دارند. البته رایش امکان انجام تحقیق جامعه‌شناسی نداشت و فقط به اطلاعاتی از مراجعه‌کنندگان به مطب‌اش دست یافته بود.



رضا کاظم‌زاده

-یعنی سرکوب تمایلات جنسی می‌تواند به رساندن آسیب به دیگران منجر شود و یا به تعصبات دینی بیانجامد؟

-ببینید، وقتی غریزه و نیروی جنسی سرکوب می‌شود، روان آدم به شیوه‌های مختلف در برابر آن واکنش نشان می‌دهد. مثلاً فرد یک مورد منفی را تبدیل به یک فضیلت می‌کند و از جمله دلیل کمبود رابطه جنسی را نه به عدم دسترسی به این رابطه بلکه به شنیع و کثیف بودن آن نسبت می‌دهند. توجیه‌اش می‌شود اینکه چون من آدم اخلاقی هستم دست به این کار نمی‌زنم! یعنی می‌رود به طرف یک منزه‌طلبی که شما در انقلابیون ضدشاه هم می‌توانستید این تمایل را ببینید. من اسم این را گذاشته‌ام «طعم تلخ خوشبختی» که میان انقلابیون مذهبی و غیرمذهبی آن زمان کم و بیش مشترک بود. ولی انرژی جنسی که از بین می‌رود بلکه تلنبار می‌شود و مترصد فرصتی می‌ماند تا به شکل مخرب و ضدانسانی خود را نشان دهد.

ولی این منزه‌طلبی از کجا می‌آید؟ در دوران شاه تقریباً برای اولین بار در تاریخ ایران، ما در جامعه‌ای شروع به زندگی کردیم که امکان داشت انسان جابجایی طبقاتی کند. به عبارت دیگر، اگر در جامعه تحرک طبقاتی وجود نداشته باشد، چنین سرخوردگی‌هایی که اشاره کردیم هم به وجود نمی‌آید. یعنی قانون دنیاست که فرزند کفاح فردا کفاح و فرزند اشراف هم جزو اشراف باقی بمانند. این نظام پرسش‌ناپذیر به عقده در طبقات پایین منجر نمی‌شد و آن را قانون همه دنیا تصور می‌کردند. ولی وقتی وارد مرحله تاریخی ظهور جامعه‌ای با تحرک اجتماعی بالا می‌شویم که امکان تغییر جایگاه طبقاتی در آن هست، تمایلات و آرزوهایی مانند امکان «تصاحب» مثلاً دختری از طبقات

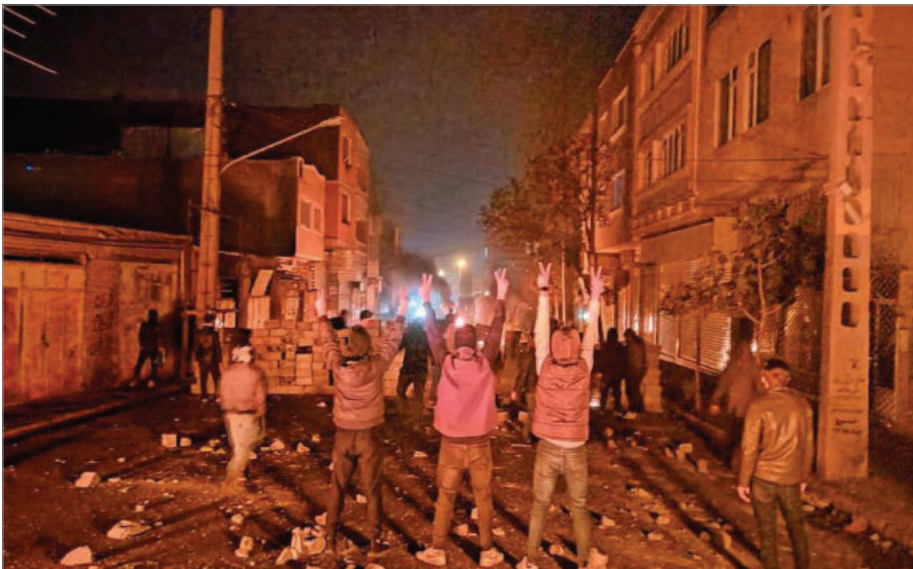
بالای اجتماعی هم شکل می‌گیرند.

● اکنون با پیشرفت جنبش آزادیخواهی در ایران، آیا فکر می‌کنند این جنبش بتواند در نیروهای سرکوب شکاف به وجود آورد و آنها را دچار ضعف و تزلزل کند؟

-ما وارد یک دوران بحران شده‌ایم. یکی از ویژگی‌های دوران بحران غیرقابل پیش‌بینی بودن خروجی‌های آنست. یعنی قوانین حاکم بر گذشته قادر به تبیین وضعیت جاری و آینده نیستند. بسیاری اتفاقات در این روزها، هفته‌ها و ماه‌ها، چه در داخل و چه در خارج امکان روی دادن دارند که ممکن است تأثیر بسزایی بر روند وقایع جاری بگذارند. نگاه کنید که کشته شدن مهسا امینی چه موج عظیمی به وجود آورد و یا تظاهرات برلین روی وضعیت داخل کشور تأثیر خود را گذاشت. هم‌اکنون پتانسیل زیادی در میان کسانی که با جوانان اعم از دختر و پسر هم‌ذات‌پنداری می‌کنند، وجود دارد ولی آنان هنوز به این حرکت نپیوسته‌اند و حاضر نیستند بهایی برای آن بپردازند. فراهم شدن شرایطی که این بالقوگی را به فعل تبدیل کند مهم است و در ایجاد این شکاف می‌تواند نقش موثری داشته باشد. چنین چیزی به جنبش قدرت استمرار زمانی بیشتری می‌بخشد یعنی چیزی که در میان نیروهای سرکوب شکاف و فرسایش ایجاد می‌کند زیرا نیروهایی که برای سرکوب از آنها استفاده می‌شود فقط برای دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت تربیت شده‌اند؛ همچنین هزینه‌ی تأمین آنها بسیار بالا و حفظ روحیه‌ی آنها بطور دائم برای تداوم سرکوب کار دشوار است. این دوره‌های سرکوب خشن باید کوتاه و استثنایی باشند؛ بنابراین، استمرار خیزش پاشنه آشیل نیروهای سرکوب است. حتی نیروهایی که این خیزش را شروع کردند در ابتدا نمی‌دانستند که اشکال خلاق جدیدی برای استمرار آن پیدا خواهد شد؛ از جمله متفرق و فاقد رهبری متمرکز و واحد بودن آن در تداوم این خیزش بسیار موثر بوده است. ولی به گمان من چیزی که اسمش را گذاشته‌ام «دور زدن سیاست» اهمیت محوری در این خیزش دارد زیرا نقطه آغاز یک حرکت نوین است. ما تازه وارد این پارادایم شده‌ایم که افکار عمومی به طرف تغییر کل رژیم سمت و سو پیدا کرده است. یعنی مسئله دیگر در یافتن راه‌حلهایی در چارچوب نظام جهت اصلاح آن نیست بلکه افکار عمومی به سوی نفی کامل این سیستم رفته است. ما وارد مرحله اتحاد روی ناپود کردن کل این سیستم و توقع نداشتن از آن برای اصلاح شده‌ایم. هیچ تمایلی هم برای برقراری دیالوگ با حکومت وجود ندارد.

من فکر می‌کنم اگر وقایعی که همه ما را غافلگیر کرده درست تحلیل و فهمیده نشود پیشرفت میسر نخواهد بود. از جمله شعار زن، زندگی، آزادی که نمادی مورد قبول عام است باید دقیقاً تحلیل و فهمیده شود زیرا نکاتی عمیقاً جدید و نگاهی متفاوت در آن به سیاست، به زندگی و تغییر آن وجود دارد. حامل نگرش تازه به نیروهای اجتماعی متفاوت حاضر در صحنه است. در این مرحله بحرانی که جامعه وارد عملگرایی شده باید تلاش کرد تا با اندیشه و روش درست، مرحله‌بندی مبارزه را به انجام رساند. فکر می‌کنم که روی این قضایا باید جداً فکر و کار شود. متفکران ما تا کنون درگیر فعالیت فکری آمیخته با سیاست‌ورزی بوده‌اند. ولی این خیزش مختصات دیگری دارد. کوتاه‌مدت‌تر به قضایا نگاه می‌کند و بر به نتیجه رساندن یک فکر خیلی اصرار دارد در حالی که روی این عوامل به‌اندازه کافی تعمق نمی‌شود. در نظر داشته باشیم که اگر واقعیت اجتماعی موجود به صورت نمادین در نگاه حاضران بازتابی درست نشود می‌تواند مهجور، بی‌فایده و بی‌اثر باقی بماند.

تداوم خیزش انقلابی در ایران و اختلاف بین «سرداران آدمکش» همزمان با زمینگیر شدن ماشین سرکوب!



در بسیاری از شهرهای ایران وضعیت جنگی است و جوانان برای مقابله با سرکوبگران خیابانها را سنگربندی کرده‌اند

در شهر اصفهان موتورسوارانی به مقر بسیج «پایگاه امام نقی» حمله کردند و چهار نیروی امنیتی کشته و زخمی شدند.

رسانه‌های حکومتی از صداوسیما رژیم گرفته تا خبرگزاری‌های وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرتب تأکید می‌کنند آنچه در اید و اصفهان گذشت «اقدام تروریستی در بستر اغتشاشات بود!» تسنیم از نیروهای امنیتی خواسته مامشات با «اغتشاشگران» را تمام کنند! این در حالیست که نیروهای سرکوب طی هشت هفته تمام قدرت خود را به کار گرفتند و تا کنون موفق به خاموش کردن اعتراضات نشده‌اند! آنها اگر می‌توانستند «اغتشاشگران» را «جمع» و اعتراضات را «تمام» کنند، تا حالا کرده بودند!

خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز با هدف زمینه‌سازی برای سرکوب اعتراضات مسالمت‌آمیز مردم ادعای «آغاز فاز مسلحانه در ایران» را مطرح کرده است. در این گزارش ادعا شده «پلیس برای جلوگیری از کشته شدن احتمالی اغتشاشگران، اصرار دارد در مهار اغتشاشات از سلاح جنگی استفاده نکند!» این ادعای دروغ در حالیست که ویدئوهای زیادی منتشر شده که نشان می‌دهد نیروهای امنیتی با تمام قوا و امکانات برای سرکوب وارد میدان شده‌اند و چه با گلوله جنگی و چه گلوله ساجمه‌ای مردم و حتا کودکان را کشته‌اند اما موفق نشده‌اند مردم را به خانه‌ها بفرستند و اعتراضات را «جمع» کنند!

در این میان، شنیده‌ها حاکیست در بالاترین رده‌های امنیتی نظام میان فرماندهان نیروی انتظامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر سر عملکرد ماشین سرکوب نظام شکاف‌ها بیشتر شده و علاوه بر مجلس شورای اسلامی به جلسات شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی نیز کشیده شده است.

پاسدار محمد صالح جوکار نماینده مجلس اسلامی گفته «باید با اغتشاشاگران برخورد قاطع شود و مامشات با این افراد معنایی ندارد و پذیرفتنی نیست!» سردار قاسم رضایی معاون فرمانده انتظامی هم با اعتراف به اینکه پلیس مامشات نمی‌کند و مشغول «برخورد قاطع» با مردم معترض است می‌گوید «پلیس مامشات نمی‌کند و وظیفه و تکلیف می‌داند که با کسانی که هنجارها را زیر پا می‌گذارند، برخورد قاطع کند!»

روزنامه همشهری البته نتوانسته تظاهرات را که در برابر چشم همه جریان دارد انکار کند اما گزارش داده «در برخی کوچه پس‌کوچه‌های خیابان سپهسالار تعقیب و گریزهایی بین تعداد انگشت‌شماری از افراد و نیروهای امنیتی وجود داشت و برخی از نیروهای یگان ویژه نیز از پرتاب کوکتل مولوتف توسط این افراد صحبت می‌کردند.»

در کنار این گزارش‌های دروغ و تحریف واقعیت با عادی نشان دادن وضعیت در ایران، شاهدان عینی می‌گویند خیلی از شهرها در استان‌های گیلان و مازندران و کردستان و ایلام ساعت‌ها در دست مردم بود و نیروهای امنیتی پا به فرار گذاشتند تا تلفاتشان بیشتر نشود. در چند مورد مشاهده شد نیروهای امنیتی از دستور حمله تمرد کردند و خودشان را در کوچه پس‌کوچه‌های خلوت گم و گور کردند تا ساعت مأموریت‌شان تمام شود و به خانه برگردند. برخی مردم روایت می‌کنند مأمورانی را می‌بینند سوار بر موتور که از دور یواشکی با دست علامت «V» یا «پیروزی» نشان می‌دهند.

شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد با تداوم خیزش سراسری در کشور، ماشین سرکوب رژیم در حال زمینگیر شدن است و با مقاومت مردم ساختار سرکوب دچار ضعف شده و روحیه خود را باخته است. همزمان پیروزی‌های خیابانی انگیزه و جسارت مردم را برای مقابله با سرکوبگران بیشتر کرده است. در شهر اکباتان تهران همانجا که هفته پیش دار و دسته اوباش بسیج با بلندگو برای مردم رجزخوانی می‌کردند و با توهین آنها را به مبارزه می‌طلبیدند، و می‌گفتند که آزار مردم برای آنها «تفریح» است، چهارشنبه شب مردم سرکوبگران را حسابی گوشمالی دادند و وادارشان کردند که پا به فرار بگذارند.

در بعضی شهرها اما مزدوران سرکوبگر با اسلحه جنگی به جان مردم افتادند. در شهر اید مأموران امنیتی مردم را به رگبار بستند که دست‌کم ۱۰ کشته و زخمی برجای گذاشت. یکی از آنها آرتین رحمانی نوجوان ۱۳ ساله است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان اعلام کرد که او با شلیک نیروهای امنیتی کشته شده است. این شورا ضمن محکوم کردن سرکوب و کشتار مردم و قتل کودکان کار و دانش‌آموزان بی‌گناه، خواهان توقف فوری کودک‌کشی توسط حکومت شد.

در بعضی شهرها نیز اقدامات متقابل صورت گرفت. مثلاً

● در بیش از ۱۰۰ شهر مردم دست به اعتراض زدند. تظاهرات سراسری با اعتصاب بازاریان در چند شهر از جمله تهران، اصفهان، تبریز، اراک، مشهد، شیراز و چند شهر استان کردستان و ده‌ها شهر بزرگ و کوچک دیگر همراه شد.

● شماری از مقامات و رسانه‌های حکومتی بطور کل اعتصاب‌ها را انکار کرده و مدعی شده‌اند «بازاریان به تقلاي اغتشاشگران برای تعطیلی کسب و کارها بی‌اعتنایی کردند!» اما منابع دیگر حکومتی دلیل اعتصابات را تهدید کسبه دانسته‌اند! روزنامه همشهری در گزارشی به دروغ نوشته «اغتشاشگران به کسبه گفته‌اند هر مغازه‌ای باز باشد آتش می‌زنیم!»

● شاهدان عینی می‌گویند خیلی از شهرها در استان‌های گیلان و مازندران و کردستان و ایلام ساعت‌ها در دست مردم بود و نیروهای امنیتی پا به فرار گذاشتند تا تلفاتشان بیشتر نشود. برخی از این نیروها نیز از اجرای فرمان تمرد می‌کنند و گوشه‌ای پنهان می‌شوند تا زمان مأموریت تمام شود و به خانه برگردند!

● پاسدار محمد صالح جوکار نماینده مجلس گفته «باید با اغتشاشاگران برخورد قاطع شود و مامشات با این افراد معنایی ندارد و پذیرفتنی نیست» اما سردار قاسم رضایی معاون فرمانده انتظامی می‌گوید «پلیس مامشات نمی‌کند و وظیفه و تکلیف می‌داند که با کسانی که هنجارها را زیر پا می‌گذارند، برخورد قاطع کند.»

خیزش سراسری مردم ایران پس از دو ماه با وجود سرکوب و بازداشت شماری زیادی از شهروندان همچنان ادامه دارد. چهارشنبه شب ۲۵ آبان‌ماه در سومین سالگرد «آبان خونین ۹۸» در بیش از ۱۰۰ شهر مردم دست به اعتراض زدند. تظاهرات سراسری با اعتصاب بازاریان در چند شهر از جمله تهران، اصفهان، تبریز، اراک، مشهد، شیراز و چند شهر استان کردستان و ده‌ها شهر بزرگ و کوچک دیگر همراه شد.

این در حالیست که شماری از مقامات و رسانه‌های حکومتی بطور کل اعتصاب‌ها را انکار کرده و مدعی شده‌اند «بازاریان به تقلاي اغتشاشگران برای تعطیلی کسب و کارها بی‌اعتنایی کردند!» اما منابع دیگر حکومتی دلیل اعتصابات را تهدید کسبه دانسته‌اند! روزنامه همشهری به دروغ در گزارشی نوشته است «اغتشاشگران به کسبه گفته‌اند هر مغازه‌ای باز باشد آتش می‌زنیم!»

تصویب قطعنامه علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام؛ «کیهان تهران»: آمریکا برای مذاکره التماس می کند!



نشست آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ارائه پیش‌نویس قطعنامه را با هدف «پیشبرد دسیسه‌ها و اهداف سیاسی» دانست.

در هفته‌های اخیر بارها رهبران و مقامات غربی اعلام کردند گزینه مذاکره و معامله اتمی با جمهوری اسلامی از روی میز برداشته شده است. با اینهمه از یکسو حسین امیرعبداللهیان و از سوی دیگر رسانه‌های حکومتی مدام اصرار دارند که پشت پرده گفتگوهای محرمانه ادامه دارد! روزنامه بدنام «کیهان تهران» در ادامه‌ی توهمات خود و با مهارتی عجیب که در انکار واقعیات دارد در گزارشی نوشت «آمریکایی‌ها با ناامیدی از اغتشاشگران و پادوهای داخلی خود به این نتیجه رسیده‌اند که شکست تمام‌عیار پروژه آشوب در ایران هزینه‌های سنگینی را برای آنان باقی می‌گذارد؛ بنابراین بایستی با ارسال پیام به تهران، پنجره دیپلماسی را باز نگه داشته و برای مذاکره التماس کنند!»

اما واقعیتهایی که در برابر چشم همه قرار دارد این است که نه خیزش سراسری متوقف شده و نه پیمایی از سوی واشنگتن برای معامله با جمهوری اسلامی ارسال شده است!

مشخص نیست با توجه به اوضاع بحرانی در داخل ایران و انقلابی که جمهوری اسلامی آن را ببیند یا نبیند علیه آن شکل گرفته، آیا رئیس و بازرسان آژانس خواهند پذیرفت که برای بازدید و گفتگو به تهران سفر کنند یا نه! اینهمه در حالیکه صدور قطعنامه توییحی علیه جمهوری اسلامی می‌تواند زمینه‌ساز ارسال پرونده اتمی جمهوری اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل و همچنین فعال ساختن مکانیزم ماشه باشد که بر اساس تمامی تحریم‌های بین‌المللی علیه رژیم ایران باز خواهند گشت.

با آژانس در مورد ارائه‌ی توضیحات قانع‌کننده درباره آثار اورانیوم کشف شده در سه سایت اعلام نشده در ایران است.

این قطعنامه تهران را مجبور می‌کند بدون تأخیر توضیحات فنی معتبر در مورد دلیل وجود ذرات اورانیوم در مکان‌های اعلام نشده را ارائه کند و همچنین «دسترسی بازرسان به سایت‌ها و تجهیزات» برای نمونه‌برداری را فراهم نماید.

صدور این قطعنامه فشارها علیه جمهوری اسلامی را همزمان با بحران‌های داخلی بیش از پیش افزایش خواهد داد. به ویژه آنکه به دلیل سرکوب اعتراضات فضای بین‌المللی چنان علیه جمهوری اسلامی است که دولت‌های خارجی گفتگوهای محوری از جمله «مذاکرات اتمی» با تهران را متوقف کرده و روی خیزش سراسری و مسائل حقوق بشری تمرکز دارند و پی در پی بسته‌های تحریمی جدید علیه نهادها و اشخاص حقیقی مرتبط با حکومت اعمال می‌کنند. سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی پیشتر در واکنش به ارائه پیش‌نویس علیه تهران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آن را محکوم کرده و گفته بود اقدامی «غیرقابل قبول و مردود» است.

ناصر کنعانی روز پنجشنبه ۲۶ آبان‌ماه ساعاتی پیش از تصویب قطعنامه تأکید کرده بود «هیچ تردیدی نیست که آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان به عنوان بانیان اصلی این قطعنامه ضد ایرانی با سوء استفاده از شرایط اخیر، صرفاً با انگیزه و هدف اعمال فشار سیاسی بر ایران، پیشنهاد تصویب این قطعنامه را به شورای حکام داده‌اند، اقدامی که تأثیر منفی بر روند حل و فصل فنی موضوعات مدنظر آژانس خواهد گذاشت.»

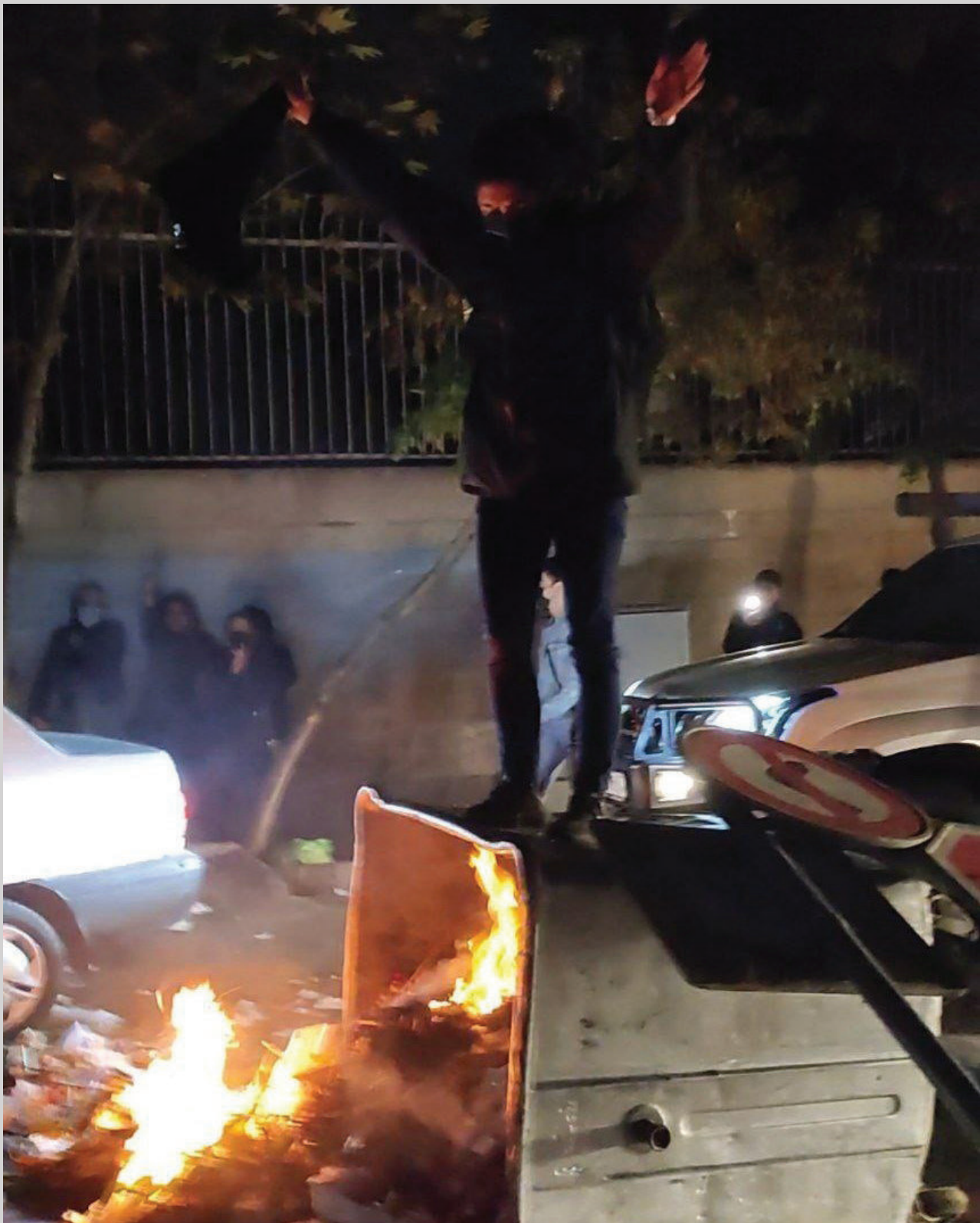
● شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قطعنامه پیشنهادی آمریکا و بریتانیا، فرانسه و آلمان در محکومیت جمهوری اسلامی به دلیل عدم همکاری با این آژانس را تصویب کرد.

● سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی پیشتر با محکوم کردن پیش‌نویس این قطعنامه آن را «سوء استفاده از شرایط» و اقدامی «غیرقابل قبول و مردود» دانسته بود! روزنامه بدنام «کیهان تهران» در ادامه‌ی توهمات خود و با مهارتی عجیب که در انکار واقعیات دارد در گزارشی نوشت «آمریکایی‌ها با ناامیدی از اغتشاشگران و پادوهای داخلی خود به این نتیجه رسیده‌اند که شکست تمام‌عیار پروژه آشوب در ایران هزینه‌های سنگینی را برای آنان باقی می‌گذارد؛ بنابراین بایستی با ارسال پیام به تهران، پنجره دیپلماسی را باز نگه داشته و برای مذاکره التماس کنند!»

در شرایطی که جمهوری اسلامی دو ماه است با خیزش انقلابی مردم روبروست فشارهای بین‌المللی علیه تهران از چند کانال از سوی دولت‌های غربی و شرکای منطقه‌ای آنها بیش از پیش رو به افزایش است.

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پنجشنبه ۱۷ اکتبر (۲۶ آبان) قطعنامه‌ای راتصویب کرد که در آن جمهوری اسلامی ایران به عدم همکاری با آژانس بین‌المللی متهم شده است. این قطعنامه با ۲۶ رأی موافق، ۲ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع تصویب شد.

پیش‌نویس این قطعنامه را آمریکا و بریتانیا، فرانسه و آلمان ارائه داده بودند. محور اصلی این قطعنامه عدم همکاری جمهوری اسلامی



عکس هفته | انقلاب در ایران / آبان ۱۴۰۱